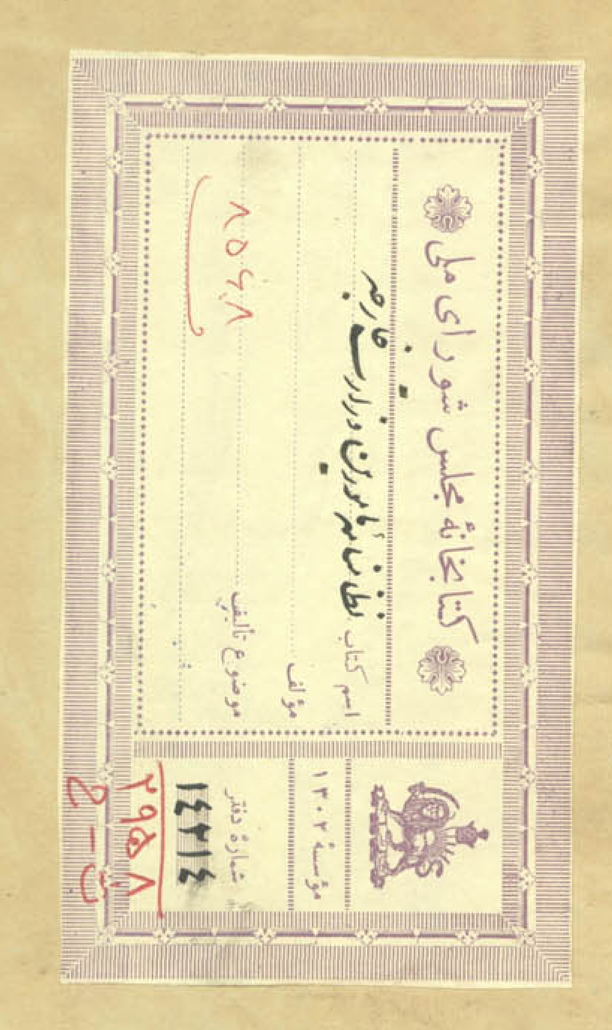




بسم الله الرحمن الرحیم

باب اول در وزارت امور خارجه

فصل اول در مراودات و مناسبات خارجه و وزارت امور خارجه قبل از قرن شانزدهم میلادی یا بواسطه انقلابات داخله و یا ظلم و ستم داخله در زد و خورد بودند و یا قطع و تجزیه شده بنیاد استحکام و استقلال نداشت و هنوز دول بتصور و خیال مسلک مراودات نیفتاده بودند مدتها در حالت انعقاد و اقتدار و تسلط داخلیه در داخله هر مملکتی در شرف ترکیب و ترقی بودند چه از نظر حرکت آن همه قرون بمصارف ذلت و تعدی و جبر و خونریزی از ایام چنین گذشت نظم و ایالت امکان نداشت همین که خیالات باطله دلاوری و هوس و شهرت های جهادهای [illegible] پسندیده مدت المقدس زایل گردید صرفه شد که هر دو دول را بمعاهده و قرار دادهای عمومی بین الدول نمود فقط بواسطه حاجت دفاع و قصد قدرت و استیلای فوق العاده رئیس مذهب عیسوی (پاپ) بود شروع باسم و جاب و کشف ینگی دنیا و احیای صنایع و ادبیات و علم شعر [illegible] عقیق گشته هزاران طرق حرفه و پیشه جدید برای حرص و غیرت و جمعیت طبقات مردم مفتوح گشت و در همه جا شعور [illegible] نیز داد سائر مهمه از خواب غفلت بیدار نمود آزادی مذاهب [illegible] و ترقیب مذهبی در جمیع ممالک رسته و ترقیات محسوسه کرده و سلاطین در داخله ممالک با اقتدار خود مطمئن گشته فرصت و آسایش حفظ و استحکام مراودات و مناسبات بین الدول را بدست آوردند چون روابط سیاسیه دول روز بروز ترقی و استحکام داشت وجوب و لزوم بصیرت و اطلاع از حال یکدیگر را احساس نمودند و بهمین لحاظ شروع بارسال و مرسول مامورین موقتی و دائمی نزد یکدیگر کردند لکن

لیکن از زمان صلح وستفالی در سنه ۱۶۴۸ و عهدنامه اوترخت در سنه ۱۷۱۳ مخصوصاً بلکه زمانی هم قبل از این تواریخ اروپا در تحت نفوذ عده زیادی از مامورین دولتی واقع گشت و از انعقاد مناسبات بین الدول روز بروز رو بفزونی گذاشته بودند تشکیل اداره مخصوصی برای رسیدگی دولتی در ترقی و فتق امور خارجه بین دول در حکم لزوم شمرده شد و از مسائل لایق است که اداره یا وزارت امور خارجه در ایالت [illegible] اداره موسوم بوزارت مشاوره بین الدول داده و فرانسه [illegible] و بالتدریج با اداره خارجه موسوم گشت و عاقبت الامر بوزارت خارجه نامیده شده

فصل دوم در ذکر اوصاف و چگونگی حالات شخص وزیر امور خارجه

چون رفتار آیین دولتی در اداره وزارت خارجه سپرده باوست غالباً علت انجام منظورات و سیاست دولت خود در ممالک خارجه میشود و چونکه انتخاب این وزیر عالیمقام اهمیت بزرگ دارد زیرا که بواسطه درایت عقل و کفایت اوست که حقوق و نفوذ ملتش و شان و شرف ملت برقرار میماند در حالتیکه قصور و خطاهای او میتواند ملت را بمخاطرات اندازد و ادوار [illegible] انقلابات و جهالتهای گذشته نتایج و عواقب از آنها [illegible] لهذا لازم میشماریم که در انتخاب شخص چنین وزیری بعضی ملاحظات بمیان آریم

کلیه شعبات حکومت داخله هر مملکتی بر نهج و نسق قرار دادهای مقرره و معینه هستند حکم قانون با اقتدار است و جریان امور و حوادث جزئی در قبضه و حکم [illegible] شد خبطها و خطاها از افراد اشخاص ناشی میشود و بهمین دلیل [illegible] و جبران آنها نیز بر افراد وارد است ولی کار سیاست بسیار سهل چنانکه در جریان عادیه امور داخله و حکومت فقط مراقبت و مواظبت کافی است

و در وقایع و حوادث و سوانح فوق العاده نمیتوان قوه جبریه را در دفع آنها دخالت داد
در این قسمت موارد نه اراده و حال خارجه شرط است و نه ملاحظه و خوف از آنها
ولی در امور و مناسبات خارجه چنین نیست و در آن مورد نمیتوان بهیچ امری اقدام کرد
و هیچ چیز را حکمی خواست باید خوب اندیشه کرد تمکین نمود و مقاوله نمود چه اگر یک کلمه بی ملاحظه گفته شود
اسباب رنجش تمام یک ملتی تواند شد و یک اقدام بی ملاحظه و خبط مدیران اداره با یک تعهد
لغویکه از عدم ملاحظه در کلام واقع گردد باعث تخفیف شان و شوکت و صرف وجوهی را از حد

اکثر پولتیک خارجه دولت دارای روابطی بسیار شده بسیار مختلف و متعلقند
و دارای تغییرات و مخاطرات و مشکلات هستند و عقیده از تصور تکالیف شخصیه وزیر
امور خارجه چنین است که بیچه اندازه سخت و صعب و دقیق و اهم میباشد
عمده جهت سختی و صعوبت شغل وزیر خارجه است که در کلیه مسلک و روش که گمان هیچ گونه
مسئولیت معین نیست و حکم شخص او تمیز خود او است و تصدیق سلطان و مخصوصاً عقاید
عامه که با اسباب شهرت و ترقی میشوند از اعتبارات می اندازند و بدرجه معتاد شده
اند که از عادات و عقاید و صفات وزیر خارجه طریقه و مسلک پولتیک دولت را تمیز میدهند
عزل و نصب شخص وزیر سرمایه مشی وقایع و سوانح پولتیکیه فرض شده و اغلب اوقات تغییر
وزرای خارجه بر حال را از عادات و عقاید و تمایلات میدهند برای آنکه وزیر امور
خارجه بطور لایق از عهده برآید باید از عصر جدیده مخصوصاً بصیرت تامه داشته باشد و از
تقسیمات ارضیه ممالک حالیه و گذشته از مختلف آنها علت موازنه حالیه هستند

هستند دارای اطلاع کاملی باشد و نیز باید معرفت صحیحی بفواید تجارتیه و روابط بین
دول است و استعداد تأدیه از هر قسمتی که مایه قدرت و قوت آنها است و از معاهدات
و قراردادهائیکه دول را متحد میکند و از عقاید و اصولیکه مصدر و مأخذ پولتیک آنها است
و از اشیاء و اشخاصی که آن پولتیک را اداره میکنند و از خلق و میل سلطان که باعث تغییرات
پولتیک میتوانند شد و از موصلت بین خانواده های سلطنتی که در آن پولتیک اثری دارند
و از رقابت و همچشمی بین رجال و عمال آن پولتیک را دشوار میسازد معرفت صحیح داشته باشد
در کلیه هیئت اجزاء و مامورین خارجه خود انتخابات لایقه تواند نمود تا اینکه بتواند حرمت و حفظ
فواید مهمه کند و آن شرف را بدست کفایت و لیاقت اشخاص شایسته بسپارد
تجربت حاصله و خدمات سابقه و شیوع فضل و هنر موجب اعتبارات شخصیه اشخاص و اعتماد
دلایل شخص وزارت است

فصل سیم در شغل وزیر امور خارجه

از تکالیف وزیر امور خارجه است در باب امور خارجه بمقاوله بین الدول اقدام نماید
و دعاوی و تکالیف آنها را حفظ کند و از جانب متبوعه یا سلطان خود با اظهارات جواب ایشان گوید
و در مباحثات فواید مشترکه بین الدول دخیل شود تا اینکه اتفاق عمومی نموده مطالب
مخصوصه را با حسن وجه انجام پذیر سازد و نیز شغل وزیر خارجه است که مامور اعلان و نشر است
و مراسلات صادره از شخص سلطان است که راجع با امور پولتیکیه بوده باشند از قبیل عهود
صلح و اتحاد و تجارت وغیره و همچنین قراردادها و مقاولات خارجه بتجدید عهود و اعلان

جنگ و اظهارات کتبیه و عرض جهات و دلایل جنگ و یا اقدامات خصومت آمیز سلطان
خود را در مبادرت و اقدام آن دیگری نموده اند و جواب مراسلات خارجه و غیره
بالجمله وظیفه و حق رئیس این اداره است در طریقه و مسلک پولتیکی که اتخاذ نماید در میان
صرفه و فواید مملکت خود بهتر باشد و تدابیر لازمه بکار برد که مملکت خود را از وقایع و حوادث
بهره حاصل کند و برای حصول نتایج از آن حوادث طرق مستقیمه حسنه را پیروی نماید
و نیز از وظایف این وزیر است که برای عقد مزاوجت شاهزادگان و شاهزاده خانمهای
خانواده سلطنت مقاولات و مذاکرات لازمه بکند و از تولد و وفات افراد
خانواده سلطنت دربار سلاطین خارجه را اطلاع بدهد در صورتیکه شخص سلطان فی نفسه
و بدستخط خود بهمچو اقدام نماید و نیز او را رسد در خصوص تشریفات مامورین خارجه
در دربار دولت خود یا مامورین دولت خود در دربارهای خارجه قرارهای لازمه بدهد در غالب دول
اداره قونسولها در تحت ریاست مستقیمه این وزیر هستند و او است که اجازه‌نامه بکار
پرداختن حال جنسیت مامورین ولایات مملکت خود میدهد در ممالکی که قونسولها در
اداره وزارت بحریه میباشند نیز در وزارت خارجه بجهة آنها دستورالعمل مخصوص و تعلیمه
میشود بعض اوقات ضبط دفاتر دولتی در تحت حراست این وزیر است مثل اینکه دفاتر
مملکتی در تحت نظارت و محافظت وزارت عدلیه یا داخله است
در هر حال وزارت نه تنها خازن نوشته‌جات صادره است که راجع بتعهدات
و قرارات سلاطین دول و دعاوی و حقوق آنها است بلکه خازن جمیع یادداشتها و لوایح داده

و باید رجوع بقراردادها و مذاکرات و نوشته‌جات و مراسلات متبادله فیمابین این وزیر
با مامورین دولت خود و سفرای مقیم دربار دولت خود است
چون تشریفات مقرره هر درباری بمناسبت روابطی است که با سایر دربارها دارد
لهذا صورت اصطلاحات و عنوانات والقاب و سفارشهای احترامیه معموله و رسوم و آداب
متداوله در مراسلات و مکاتیب بین دول رعایت میشوند تماما در آن دفتر ثبت و ضبط
است که در حین ضرورت بکار برده شوند

باب دویم در باب سفرا و مامورین پولتیکی عموماً

فصل چهارم در باب سفرا عموماً

اگرچه لقب وزارت عموماً خاص شخصی است که ریاست دائمی یکی از ادارات دولت حکومت
ملکیه و داخله را دارا باشند مثل رئیس بحریه و داخله و عدلیه و خارجه و غیره ولی نظر بامتیازاتی که مامورین
و سفرای خارجه در خصوص امور جمهوریه دولیه مذاکره مینمایند یا شورای بین دول مامور میشوند و یا
صاحب اعتبارات و امتیازات و اختیارات هستند و باقتضای حقوقی که بآنها تخصیص شده
لهذا لقب وزارت در حق آنها نیز اطلاق میشود و بمقتضای این معنی و سفرا و اجزاء
این لقب است و حقوقی که از امتیازات و اختصاصات و حقوق آنها بحث میکند
بدان عصر در بعضی مواقع فقط برای ادای تکلیف و رعایت رسوم و آداب نیز معمول
شده است و سفرای مقیم مامورینی هستند که از طرف دولتی مامور تهیه دائمه تکلیف
و ماموریت وزرای مقیم در دربار دول با سلاطین خارجه فقط حفظ و استقرار تجهیز و حمایت هموطنان

خود و اطلاعات درباره دولت خود از وقایع و مطالب مفیده مباشر بدون آنکه از وقایع

اتفاقیه و سیاسی و امور مهمه مخصوصه دخالت نماید (بعضی هر وقت مهم فوق العاده روی بدهد

با برای از روی دستور العمل مخصوص که از دولت متبوعه آنها میرسد و اغلب در مذاکرات و معاهدات

کردند) و در چنین موقعی همان امتیازاتی که خاص سفرای مخصوص است حقوق اهالی درجه سفرای مقیم

نیز مرعی میدارد

فصل پنجم در باب حقوق ارسال سفارت

دول مستقله که استقلال آنها عموماً شناخته شده است حق مسلمی در ارسال سفیر بدولت

یکدیگر دارند چنانکه فقط استقلال دول و سلاطین مستلزم ارسال و پذیرفتن سفرا میگردد

دول تابعه غیر مستقله در هیچ موردی حق ارسال سفارت ندارند اگرچه از جانب دولت

متبوعه و حامیه خود هم ماذون فیه باشند در صورتیکه حق ارسال سفارت محل شبهه و تردید و ایراد

باشد یا در نتیجه حوادث پولتیکی مانع جریان آن گردد در این صورت میتوان از طرفین

مامورین غیر رسمیه که عاری از سمت وزارت باشند فرستاد و یا پذیرفت

حق ارسال سفارت منحصراً مخصوص رئیس دولت است و لیکن حق نظارت و تسلط او در این

ممکن است بطورهای مختلفه یا بواسطه قوانین اساسیه و اداره مملکت و حکومت محدود از جانب

او هستند و یا بواسطه قواعد اصلیه متداوله آن مملکت محدود گردد

هیچ دولتی مجبور از ارسال سفارت بممالک خارجه نیست مگر اینکه بموجب عهدنامه و قرارداد مخصوص

بتقید اجبار درآورده باشد

دول

دولی که حق ارسال سفارت دارند حق پذیرفتن آنرا هم وجوباً دارا هستند و چنانکه در مقام

خود ذکر شد حق ارسال سفارت و همچنین آن مستلزم سلطنت مستقله است

از آنجا که ارسال سفارت حق مخصوص دولت است در حالت فوت سلطان و تعطیل تاج

و تخت یا در مدت سفر سلطان یا اسیری او در جنگ یا ممنوع بودن او بواسطه امراض دماغی

(چنانکه برای ژرژ ثالث پادشاه انگلستان اتفاق افتاد) حق مزبور بشخص یا اشخاصی تعلق میگیرد که

بموجب قانون اساسی آن مملکت یا قواعد اصلیه عادیه امانتاً دارای نیابت سلطنت شده باشند

چنانکه صغر سن پادشاه یا علت مزاج او اقتضای نیابت سلطنت نماید در این صورت

نایب جمیع مکاتبات و احکام و اعتبارنامجات و مرقومات باسم او نوشته و منتشر شود

سلطانی که بمیل خود از سلطنت استعفا کند حق فرستادن سفارت ندارد و چون سلطانی که در دست

خصم اسیر شده باشد در مدت حبس و اسیری خود از سفارت مأمور کند (؟)

هرگاه سلطانی را بعنف از سلطنت خلع کرده باشند کلیتاً یکدرجه حق ارسال سفارت از او

سلب میگردد چنانکه سلطان غاصب یکدرجه حق ارسال سفارت پیدا میکند بنابر علیه

چون پذیرفتن سفرا در اروپا بمنزله تشکر و شناختن از و بمنزله تصدیق آن بغیر مداخله میشود هیچیک از

دول راضی نمیشوند سفرای سلاطین غاصب و منصوب بطریق عادیه و تشریفات و شروط

معموله سفرای دیگر را پذیرند چه این قبیل سلوک اسباب تشنج و اشتباه (؟) انگار (؟) میگردد

فصل ششم در تکالیف و حقوق پذیرفتن سفرا

چنانکه در فصل پنجم ذکر شد هر دولت مستقله حق پذیرفتن سفرای خارجه را دارد مگر آنکه با دولت

دیگری مخصوص معاهده کرده باشد از مورد خلاف دولت متبوعه تمام هستند دول غیر مستقله که بهره از دول
مستقله حق پذیرفتن سفرا را ندارند یا اگر هم دارند محدود است و همچنین حق گسیل سفارت و تعیین حق
پذیرفتن نخواهند و در صورتیکه دول غیر مستقله بعضی حق ارسال و قبول سفیر را هم داشته باشند غالباً تخفیف و تعدیلی
در این حقوق منظور شده است دولتی که حق پذیرفتن سفرا را دارد باید وظیفه مجبور از قبول هر سفیر نیست
مگر آنکه بمعاهده مخصوص مجبوریت را او وارد شده باشد و همچنین مجبور نیست سفیر مملکت خارجه را بطور
موقت در مملکت خود اجازه اقامت بدهد مگر آنکه مقصود از مأموریت آنها تصحیح و تسویه مسئله
متنازع فیها یا ختم و اصلاح کلیه مطالب مسئله باشد در اینصورت وسیله چاره دیگری نداشته باشد
در چنین مواقع تکلیف مطلب منظور معلوم گردیده (بمعنی تذکره دادن و در جواب دادن تذکره
سفرا علامت قبول آنها است) در صورتیکه دولت راضی بپذیرفتن سفرا شد حق دارد
هر شرطی را با آنها بکند ولیکن در هر حال مادام در مملکت خارج توقف دارند شخص
سفرا از تبعه و امنیت آن دولت خارج هستند

گاهی نیز اتفاق افتاده است که نفراتیکه رتبه وزارت داشته اند نظر باینکه شخص آنها را دارد مشکوک
نپذیرفته و لهذا موجب عدم قبول آنها قائمه داشته اند گفتن احتراز از این قبیل اتفاقات است
و هنگام ارسال سفارت از راه کمال احتیاط و رعایت نزاکت در انتخاب شخص آن دولت
با دربار رسمی بنمایند که سفرتش در مقام نیز و لیکن این فقره فقط یک نوع ملاحظه است و بدیهی می
آورند و داند عقیده (بن هره) که یکی از علمای این فن است چنان است که اگر
انتخاب شخص سفیر حتماً در دربار دیگر واگذار شود از احترامات و شئونات دولت یکباره برخی

برخی از دول بر خود مقرر کرده اند که هیچیک از تبعه خود را بسمت سفارت و وزارت
از جانب دولت دیگر قبول ننمایند

هرگاه در مقام صلح بدون عذر موجه سفیر دولتی را نپذیرند علامت نقار و برودت بنظر می‌آید
و از جمله دلایل و معاذیر موجه که میتوانند سبب رد و عدم قبول سفرا شود سوء سابقت و صفات
ذمیمه و خلق غیر سلیم و عادات ناشایسته شخص سفیر است اولین تکلیف شخص سفیر است
که خود را مطبوع دول و حیثیت قسم بدهد و بحسن معاشرت جلب اعتماد نماید و طرف تمجید عامه گردد
هرگاه از جانب سلطان در قبول سفیری اظهار اکراه شود خارج از نزاکت است که در قبول او ابرام و اصرار
نماید هر چند طبعاً این مسئله سبب از عبارت است ولی رعایت این نکته را نیز باید کرد که سفیری که اول در دربار
بسبب حسن قبول پذیرفته نشد هرگز نمیتواند از عهده خدمات مرجوعه برآید این فقره بطوری ثابت
گرفته شده است که مأمور دیپلوماتیک شخصاً باید قبول عام داشته باشد و طرف حسن قبول واقع شود تا که
بتواند مقاصد دولت متبوع شایسته خود را حصول کرده مهمات را انجام دهد هر چند یکبار در دربار نتوان صفات
ذمیمه آن سفیر مخفی داشت ولی این عمل امثال سفیر فراموش گشت که در مأموریت او خطر است
و همچنین سفیر شانی و شرکت سلطانی است که اصرار در نقار اظهاری و برقراری سفیر خود نماید
مسئله قبول سفارت که از جانب سلطان غاصب ارسال شده باشد مطرح مذاکره گردیده و چنان سنجیده اند
که هر کس بهر تعهد و غیرانکه باشد در یک مملکتی دارای مقام سلطنت گشته رشته امور دولت را
بدست اختیار خود درآورده باشد علیحضرت که رعیت و اهالی آن مملکت او را باین سمت شناخت
و تصدیق نموده باشد میتواند از شرایط و حقوق سلطنتی خود در ممالک خارجه نیز تحریری و رسمی دارد

دلیل واضح باینکه دول خارجه بهیچوجه قادر و حکم و امین و اصلح سیاسی داخله یک ملتی نمی‌شوند مگر در صورتیکه آن
ملت بدون مخالفت و ممانعت دیگری در داخله ممالک مسلط و مقتدر گردیده در خارجه نیز اعتبارات
او مسلم و مقام او محترم باشد تا بتواند حقا وظایف خود را عملی نماید معذلک ممکن است در قضایای پولتیک
و اختلاف مناسبات بین الدولی و مقاصد خاصه هریک از آنها قانون مزبور در نزد بعضی معمول
و در نزد بعضی متروک باشد و فی الحقیقه باید پذیرفت که گفته قانون مزبور را نمیتوان یک اصل
مسلم تغییر ناپذیری دانست پس باید دانست که بنا و اساس این قانون چنان ثبات و استحکامی ندارد
که هرگز تغییر پذیر نشود زیرا که بهمان درجه که دولتها میتوانند حدود و حاکمیت را در ممالک خارجه بگیرند
که بهمان درجه میتوانند حاکمیت را مسلم و رد حق نمایند
پس بحکم پولتیک و تقاضای موقع است که سفرای سلاطین غاصب گاهی مقید و گاهی رد میشوند
اعم از اینکه اقتدار و تسلط آنها با قوای حربیه یا بمرور ایام حاصل شده باشد

نسخه بدل: حرمتیه

فصل هفتم در تعیین درجات سفرا و مامورین دیپلوماتیک

غالباً تعیین رتبه و درجات سفرا و وزرای دیپلوماتیک بسیار دشوار است که آنها را بطور کلیه
در امور قیاس نمایند و نظر بروابط و مناسباتی که درجات مختلفه سفرا با تشریفات دیپلوماتیک
دارند و بملاحظه اینکه تشریفات مزبوره در جمیع دول یک نهج و یکسان نمیباشند هر دولتی
که سفیر را می‌پذیرد در تخصیص تشریفات او محق و مختار خواهد بود
درباب سفرای کبار و وزرای درجه اول مخصوص شاهنشاهان تاجدار و سلاطین اولوالعزم و صاحب
شرف سلطنت و جمهوریهای بزرگ میباشد و این قانون متفق علیه جمیع دول است

دول است
هر دولتی که حق ارسال سفارت کبری داشته باشد از جانب دولت صاحب حق مزبور نیز سفیر کبیر
جمهوریهای کوچک و دول متوسطه و دول غیر مستقله سفرای کبار نمیتوانند بپذیرند
هرگاه دولتی از قبول سفرای درجه اول دولت دیگری امتناع نماید خود نیز باید سفیری از درجه
اول بآن دولت نفرستد
گاهی بر حسب اتفاق سفرا در ظرف مدت ماموریت خود برای صلح و عقد مسئله مخصوصه موقتاً از رتبه
خود از نقطه حیثیه بدرجات عالیتر از آن و غالباً بسفارت کبری نایل میگردند و گاهی نیز بتغییر
عادی مقیم میگردد

فصل هشتم در تعیین عدد سفرائی که پذیرفته میشوند

هر دولت مستقل میتواند سفرای متعدد مامور یک دربار نماید اعم از اینکه تمام آنها ماموریت واحده
داشته باشند یا هر یک از سفرا ماموریت مخصوصه و نیز سفرائی که مامور میشوند میتوانند حائز درجات
مختلفه باشند یا تماماً دارای درجه و مقام واحد علاوه بر اینکه دولت حق ارسال سفرای عدیده یکبار
دارد میتواند بر سفارت خانه خود که در سابق داشته است یک یا دو سفیر دیگر هم اضافه و الحاق نماید
و نیز ممکن است دولت در آن واحد یکنفر سفیر عادی مقیم و یکنفر سفیر فوق العاده مامور دربار نماید
مثل اینکه میتوانند یک سفیر درجه اول باتفاق یک سفیر درجه دوم یا باتفاق یک سفیر درجه سیم مامور کنند و
اتفاق افتاده است که چندین سفیر از درجه اول متفقاً مامور دربار شده‌اند پذیرفته شده‌اند
چنانکه نیز اتفاق افتاده است که ارسال چندین سفیر درجه اول متفقاً تمنا و خواهش شده است و همچنین عالی

ارباب جنس نسبت به سفیر در درجه اول متفق علیها و خواهش شده است و همچنین غالباً اتفاق افتاده است

اتفاق افتاده است که یک سفیر در چندین دربار مأموریتهای عدیده داشته است چنانکه از جانب چندین دول نیز یک نفر از اعضای دیپلوماسی بیک دربار ارسال شده است

فصل نهم در باب انتخاب مأمورین

در این کار شخص ممیز قابلیت مأمور شرط عمده و بیش از آنچه در سایر امورات منظور است مطلوب میباشد معهذا لکن غالباً در انتخاب مأمورین دیپلوماسی ملاحظه نسب و مذهب و تمول وغیره مینمایند بسیاری از سلاطین کاتولیک مذهب اشخاص خارج از مذهب خود را بسفارت نمیفرستادند و برخی دیگر از این شرط افراط درباره زنان درجه اهمیت رعایت کرده اند و در صحبت را در خارج مذهب مأموریت نمیدادند از تواریخ چنان برمی آید که سابق بر این زنها نیز رسماً مأموریت دیپلوماسی نائل شده است ولی معلوم نیست که از کتاب عصر حالیه و عادات جاریه این زمان تقاضای تجدید این رسم بکند

فصل دهم در اقسام مأموریتهای دیپلوماسی

مأموریتهای دیپلوماسی بر سه قسم هستند مأموریت عادی که اقامت دربار را دارد و مأموریت فوق العاده مأموریت مخفی و محرمانه

ممکن است این مأموریتهای مختلفه بتوسط مأمور و حرکت متمادی یا بتوسط مأمورین عدیده متفقاً شده باشد ولی از زمانی که بنای سفارت مقیم شده است عادت بر آن جاری گردید که تمام مأموریتها بتوسط مأمور و حرکت یعنی سفیر مقیم آن دربار محول میگردد در صورتیکه عقب بار مأموریت طی شده باشد خیلی مهم سفیر فقط یا سفیر در حضار ایلچی

یا اینکه بمیل خود غایب از سلطان متبوعه ادوقات هم باشد در این حالت مأموریت او بموجب تعویق می افتد

فصل یازدهم در مأموریتهای مخفیه

بعض اوقات بجهة مذاکره و انجام امورات مخفیه اشخاص مهذب امین بسفارت معین میشوند بدون اینکه رسماً و آشکارا سمت وزارت آنها معلوم شود و یا اینکه جایز بدانند در صورت ضرورت معلوم رسمیت و مأموریت خود را ظاهر و آشکار سازند

و بسیار اتفاق افتاده است مأمورین در سمت رسمیت پذیرفته اند و سفارات حالیه تقاضا می کنند که مأموریت بطور عادی و آشکار پذیرفته شوند نیز بطور رسمی و آشکار پذیرفته شده اند در هر صورت بمجرد اینکه دولت از تقاضا صدور نیابت این قسمت مأمورین مطلع گردید لازم است امنیت کامل بآنها داده و از نیابت حفظ و محفوظ نماید ولی مأمورین نیز بوجه من الوجوه حق تقاضای تشریفات و تشخصات رسوم و امتیازات معموله آن دولت را ندارند

باب سیم در درجات و ترتیب طبقات مختلفه مأمورین دیپلوماتیک

فصل دوازدهم در صحبت درجات و مراتب مختلفه وزرای دیپلوماتیک

حقوق المللی عامه در حق وزرای دیپلوماتیک بهیچوجه درجات و مراتب مختلفه تجویز ننموده است و تصور نمیشود تمام آنها مأمور حضرات دولت متبوعه خود و دارای مقام نمایندگی میباشند و مأموریت آنها منحصر است بآن چیزی که از جانب دولت محول شده باشد و بهمین جهت است که آنها دارای حقوق مختلفه هستند (یعنی اختلاف حقوق مربوطه اختلاف درجات است) لیکن حقوق الملل خاص مناسبت اختلاف مأموریت و شئونات و منظوریت آنها و باقتضای نفوذ و تشریفات

و احترامات ایشان درجات و مراتب عدیده که بین آنها قرار یافته بر حسب اختلاف درجات و تعیین
مراتب در قدیم الایام معمول و متداول نبوده است و سابق بر این نمایندگان خارجه یک رتبه و مقام
بوده اند گاهی آنها را سفیر خطاب مینمودند و گاهی وکیل .
در از منه قدیمه سلاطین بجهة امور شخصیه خود نمایندگان (اوراتور) و بعضی [illegible]
(ژانتیلوم) میفرستادند لیکن هیچ یک از آنها دارای سمت و مقام وزارت نبودند
و چنانکه درباره وزراء آداب تشریفات مرعی میکردند در حق آنها رعایت نمیشد
چون مدتی گذشت و در عصر پانزدهم و شانزدهم دیگر غرور وزراء و نمایندگی دربار سلاطین و ثروت
نظریت سفیر را اعتلاء داد و تجمل و تشریفات آنها از حد خارج گزاف و تولید
مشکلات کردند محض تسهیل امر و رفع محذورات تدریجاً رتبه و مقام نمایندگان خارجه را اندکی
تنزل دادند و نظر باینکه آنها مظهر شخص سلطان و حق تقاضای تشریفات زیاد داشتند
فقط وزیر مقیم نمیتوانستند بر احترامات و تشریفات خاصه سفیر بجهة وزرای
مختار حفظ نمودند چون که آنها فی الحقیقه مظهر سلاطین و مستحق احترامات و تجملات نبودند
لیکن وزرای مقیم دارای سمت وزارت عامه نبودند لابد از امور شخص سلاطین نکرده
داشته اند اگرچه گاهی بر حسب تفویض امورات شخص سلاطین را هم بآنها رجوع مینمودند
و در غالب دربارها هم از آن مخصوص امور شخص سلاطین نمودند تشریفات مامورین
درجه دوم دیپلوماسی در ابتدای عصر هفدهم قرار شد ولی بعداً حرف از عهده برنیامد
چه گاهی تشخیص امتیازات درجه دوم با امتیازات سفیر مشتبه میشد و غالباً منتهی بامتیازات وزیر مقیم

مقیم بود مستمراً عادة غالب اوقات مامورین فوق العاده و تمام ملفوظه مامورین سفیر بودند لیکن از مقام وزیر
مقیمی از حیث برتری داشتند پس از آن تاریخ طبقات و مراتب مامورین خارجه در میان اسامی وزرای
مختار و مقیم و شارژدافرها مورد بحث و ابهام بود تا آنکه دولت فرانسه در سال یکهزار هشتصد میلادی
طبقات مامورین خارجه خود را در چهار قسمت قرار داد و در عده درجات آنها بسیار اندازه
در فصل اول قرارنامه ضمیمه معاهده وین که در خصوص تعیین درجات مامورین خارجه نوشته
شده است مامورین خارجه را به سه قسمت منقسم کرده اند قسمت اول سفرای کبیر و نمایندگان
که صاحب مقام پاپ هستند (فصل ۱۳) قسمت دوم وزراء و مامورین دیگر که نزد سلاطین فرستاده
میشوند (فصل ۱۴) قسمت سوم شارژدافرها که نزد وزرای خارجه دربارها ارسال میشوند (فصل ۱۵)
در سال یکهزار و هشتصد و هیجده نمایندگان دول خمسه در کنگره اکس لاشاپل جمع کردند
متفق شدند که در ترتیب و تقسیم درجات مزبور بنحوی باشد که ... در میان دول
تولید مشکلات نماید متروک گذارده و متوجه شده اند لهذا بموجب فصل ۳۹ قرارنامه
۲۱ نوامبر مقرر داشتند که رتبه و مقام وزیر مقیم در وسط وزیر درجه دوم و شارژدافرها باشد لکن
میتوان گفت این قرارداد پذیرفته و تقسیم حسب الحال بی اثر شد چه بعضی از آنها بعد از کنگره وین
رسماً متروک کرده اند و برخی دیگر از ابتدا قبول نموده خاصه بعضی ضمائم و ملحقات قرارنامه
اکس لاشاپل را وزرای مختار دول خمسه معظمه در کنگره منعقده در آن شهر امضا کرده اند و در این
صورت مراتب مامورین دیپلوماسی را هم در چهار درجه میتوان قرار داد درجه اول سفیر کبیر
کار درجه دوم وزرای مختار درجه سوم وزرای مقیم درجه چهارم شارژدافرها

فصل سیزدهم در ذکر وزرای درجه اولی

اشخاصیکه سمت سفارت آنها بدرجه عالی رسیده باشد از وزرای درجه اولی شمرده میشوند و ایشان طبقه
هستند (لگا الدر) و نونس یعنی سفرای پاپ و سفرای کبار دولت مخصوصه که سفرای پاپ و سفرای کبار
دول را سفرای عادی و سفرای فوق العاده تقسیم کرده اند و این ایام لقب سفیر فوق العاده را اغلب بر سفیر
عادی یا سفیر کبیر است بانهایی عطا میکردد و مدت اقامت آنها در یکجا غیر معین و محدود باشد
امر در کلیه مناسبت درجات سفراء در سه طبقه یکبار قسمت شده اند تشریفات آنها نیز
در اول با سه درجه مقرر و معین گردیده (فصل ۱۲ و ۳۹) ولیکن تشریفات آنها در جمیع دول یک
نهج و یک شکل نیست

فصل پنجم قرارنامه کونگره وینه تقاضا مینماید که در هر دولتی تشریفات مخصوص هر درجه بمناسبت اختلاف
درجات آنها مشخص و محدود باشد

فصل چهاردهم در ذکر وزرای درجه دوم

وزرای درجه دوم ترا از هر سفارت که سمت سفارت ندارند و سمت نمایندگی دولت باشند
هر صورت و کیفیت مختار دولت بهمین جهت است که آنها را دو طبقه قسمت کرده اند
وزرائی که سمت سفارت دارند طبقه اولی و دیگری را طبقه دوم قرار داده اند چنانکه قرارنامه
۱۸۱۵ بتصدیق غالب دول گردیده نیز مصدق و مصرح این مطلب است چنانکه میگوید نظر بعادات
احترامات و اختلاف شئونات و اعتبارات وزرای طبقه دوم بعضی ترتیبات
و امتیازات داده شده است و نیز ملاحظات طبقه دوم وزرا منقسم شده درجه یعنی درجه

درجه دوم و سیم و چهارم قسمت شده است علیهذا طبقه دوم مینیستر و ایلچی های مخصوص و سفرا
و ... مخصوص باین اسم نامیده میشوند) و وزرای مختار و وزیر نویس عبارت است از وزرای مختار
حتی در انعقاد کونگره وینه مسئله تقدم وزرای درجه دوم بر جمیع وزرای درجه سیم متفق علیه قوم است
ولی پس از سی و سه سال ۱۸۱۵ (فصل ۱۵) مسئله مذکوره بتفصیل و مسلم کلی حاصل گردیده است
و نیز در زمان سابق وزرای درجه دوم در تقدم و افتخار شان بحث و نحو میکردند چنانکه وزرای مختار
سفرای فوق العاده عزاو دولت در جهان مینموده اند و باینکه میخواستند از وزرای مختار سنوات
سلاطین خودشان رفتار کنند تا اینکه بموجب فصل چهارم عهدنامه مذکوره تقدم وزرای درجه دوم
به یکدیگر از تاریخ اعلان ورود آنها بمحل ماموریت مقرر آمد و قرار داده شد و بین وزرای درجه سیم و چهارم
یعنی وزرای مقیم و شارژدافرها نیز محدود و معین گردید اما این مسائل در صورتی است که تصور کنیم عهدنامه
اکس لاشاپل که مابین دول خمسه معظمه منعقد گردیده نزد سایر دول نیز مسلم و تصدیق است

فصل پانزدهم در ذکر وزرای درجه سیم و چهارم

اشخاصیکه از وزرای درجه سیم مامورین دیپلوماتی محسوب میشوند وزرای مقیم و وزرای شارژدافر هستند
اشخاصیکه در غیبت وزرا فقط اسناداً شارژدافر میشوند باستثنای بالفرض ریاستهم در امور سفارت و حالت
ماموریت سمت شان وزارت داشته باشند و نیز شارژدافرهائیکه مخصوص بجهه سلاطین
اعتبارنامه باشند و توسط وزیر خارجه فقط بوزیر امور خارجه آن دولت معرفی میشوند
در غالب دول احترامات شارژدافرها غیر معین و نامعلوم است خاصه از شخصی
شود که خارج از دایره دیپلوماتی باشند ولیکن هرچند آنها نزد سلاطین معتبر نشده باشند دیپلومات

و تشریفات آنها تقریباً در بعضی درجه سوم باشد بهمان اندازه هم در بعضی درجه سوم از بعضی تکلیفات معاف
نمیشوند آنها را نیز نمیتوان محروم کرد است که شرایط قرارنامه کسی که دارای نشان زرد و یا درجه چهارم دیپلوماتیک
را هم میباشند

فصل شانزدهم در دوکها و کنتها

دوکها اشخاصی را میگویند که گاهی بامور کوچکی مأمور میشوند اعم از اینکه مأموریت آنها از جانب دولت
باشد یا از جانب هیئت دول متحده و این قسم مأمورین فقط بلقب دوک صاحب امتیازات
و نشانات وزارت نمیشوند و بالعکس چنانچه دوکها شخصاً هم درجه وزارت داشته باشند
خاصه وزارت را دارا باشند نه بعنوان رابطه دوک شدن بعنوان سلب گردد و همچنین بعضی کنتها که مأمور خارجه
میشوند فقط بسمت کنتی جزو وزرا شناخته نمیشوند لیکن ممکن است سلطان متبوع ایشان آنها این لقب را عطا
کند مثل اینکه اتفاق افتاده است کنتهائیکه بامور تحدید حدود سرحدیه یا تحقیق و توضیح [illegible] مأمور بر رتبه وزارت
داده شده است در هر صورت این مسئله راجع بمیل و اراده شخصی است که آنها را مأمور میکند و میتواند
رتبه وزارت آنها بدهد یا ندهد

فصل ۱۷ در آژانها

آژانها فقط مأمور امورات شخصیه هستند و ممکن است که آنها تبعه خارجه باشند گاهی ملقب بلقب مقیم
و گاهی منتسب به سفارت و گاهی ملقب آژانی دولت نیز ملقب میگردند و با این سمت و حیثیت
آنها از امتیازات جزو کوردیپلوماتیک محسوب نداشت علیهذا نباید تقاضای هیچ نوع تشریفات
و امتیازات و مصونیات از آنچه مخصوص است که خاصه کوردیپلوماتیک است بنمایند در هر حال رعیت
رعیت همان حالت باشد که در ابتدا داشت و مأموریت دارند مثل سایر رعایای آن دولت با
آنها معامله میشود و نیز هرگز اعتبارنامه بدست آژانها داده نمیشود یک نظارتنامه کفایت میکند
تعلیمات و تکالیف قونسولها در باب یازدهم ذکر خواهد شد

باب چهارم در باره سفرا و ترتیب هیئت رسمیه آنها

فصل ۱۸ در تحقیق اعتبارنامجات

هیئت و سمت رسمیت سفیر و یا وزرای خارجه حاصل میگردد از بدایت اعطای اعتبارنامه و اعتبارنامه مراسله
که نیز به سلطان توسط سفیر خود به سلطان یا رئیس دولت دیگر که میخواهد آن سفیر نزد او تقرر یابد
ارسال دارد هر چند این قسم مراسلات که بدست سفرا سپرده میشود در حقیقت اعتبارنامه است
لیکن معمول و متداول چنان است که فقط دال بر سمت مأموریت آن سفیر است و دیگر مطالب
مخصوصه حق دولت و مذاکرهها و ممیزها [illegible] وضع و اسلوب اعتبارنامهها بمناسبت شأن و رتبت
سلاطین و اعتبارنامه سفیر تغییر مییابد مگر در تغییر سلطنت رسم چنان است که بدواً نموده صحیح اعتبارنامه
سفیر تقدیم شود معلوم شود موافق قاعده معموله نوشته شده است و پس از آن اصل آنرا در مجلس عام
یا خاص بطوریکه موافق عادت مملکت و مناسب شئونات و اعتبارات رسمیه حاصل باشد
ابلاغ نمایند در صورتیکه اعتبارنامه بعنوان سلطان صغیری نوشته شده باشد این مسئله مختلف فیه است
که آیا آژانس (نیابت سلطنت موقته) یا جانشین سلطان صغیر حق گرفتن آن اعتبارنامه را
از دست سفیر دارد یا نه در سال ۱۸۴۱ میلادی حل این فقره این مسئله در اسپانیا پیش آمد (در آنجا مورد گفتگو در)
آژانس آن مملکت در دعوی اخذ اعتبارنامه ابرام و استحکام کرده و نتوانستند آن گروه که

باری گرفتن ما در سلطان نیز از آن جهة و اعتبارنامجات را بدست خود گرفته است غالبی از اینکه
لقب و شأن مأموری سلطان چه قدر دخیل است در شئونات ایشان می افزاید
در باب سفرا در مواقع مأموریت رفتنشان را از طرف دولت که (در کرد ردن) ایشان الی مملکت
در حضور توپ یازده هم اعتبارنامجات را می گرفت مگر آنکه خود ابد سلطان صغیر سید بود و این
قسم رفتار را موافق معمول و معروف بقاعده بوده است
چون سفراء فی الحقیقه وکلای دولت متبوعه خود هستند در صورتیکه در هیئت آن دولت تغییرات
حقیقی حاصل گردد یا اینکه سلطانی آنها ترک سلطنت نماید یا وفات کند بدیهی است در چنین
مواقع اعتبارنامجات از درجه اعتبار ساقط و بعضاً مسلوب الاختیار میگردند لیکن از آن رو که
با دوام در اعتبارنامه مجرد بانها رسیده اند و اختیارات تازه تحصیل نکرده باشند مانع مسموع بود
که در میان داشته اند مسکوت فیه گذاشته دیگر مذاکره و دنبال نمی نمایند و نیز حقوق
سفراء (مقصود مصونیت از بعضی تحمیلات مالکی است) خاصه حق حمل و نقل تا هنگام در باب آنها مرعی میگردد
ولیکن تا هنگام مراجعت بطور ملاطفت و مهربانی با آنها رفتار شود نه بطور خشونت رسمی و در غالب
موارد در محل است مرتب بطوریکه اعتبارنامه رسیدن دولتی یا تجدید اختیار
شخص سفرا با آنها رفتار شود همینکه اعتبارنامجات مجدد بسفیر رسید مجدداً بسمت سابق گردیده مشغول امور
سفارت خود شود دیگر آن مراسم تقدیم رسمی اعتبارنامجات مجدد لغایت ضرور نیست فقط بحضور سلطان رفته
با یک نطق رسمی اعتبارنامه خود را ابلاغ نماید
بگونه چنین در مورد همه آنها یک رتبه دارد و تغییر دولت ها مورد شده باشند فقط تجدید اعتبارنامه کافی است

کافی است مثل اینکه یک سفیر که بچندین دربار مأمور شود چندین اعتبارنامه داده میشود بسیار بارها است
که جواب اعتبارنامه ها را بنویسند مگر اینکه بسمت مخصوصی داعی شود مثلاً محض اظهار کمال خوشوقتی
سلطان از انتخاب این سفیر جواب اعتبارنامه او علامت نهایت میل و توجه خود نسبت
بشخص سفیر قرار دهد چه مقصود از اعتبارنامه معرفی و اعتبار آن سفیر است در حضور سلطان فی الحقیقه
قبول این فقره بمنزله جواب است و در این صورت بجواب علیحده حاجت نیست
سفرا گاهی نیز علاوه بر اعتبارنامه جات سفارش نامه از جانب سلطان یا نظیر سلطان بجهة
خانواده سلطنت یا رجال دولت و عمال مملکت و حکام میشوند

فصل ۱۹ در اختیارنامه

محض اینکه مأمورین دیپلماتیک حق مذاکره در امور مخصوصه مثل قرارداد صلح یا معاهدات تجارتی و اتحاد
و غیره داشته باشند لازم است از طرف دولت خود دارای اختیارنامه های
مخصوصی باشند که موافق عادت و بعضی صورتاً بسیار وسیع و کافی است ولی احکام آنها
بموجب دستورالعملهای خارجی در هر مورد بعضی و محدود بیان تغییر میشوند
چنانچه سفرا گاهی از آن اختیارنامه ها دور و تخلف نمایند هر اقدام خود را نتیجه خود را
دچار مخاطره نمایند چه در این صورت سلطانی مجبور از اظهار شده عهدنامه که بسم
او امضا کرده اند تصدیق نخواهد نمود و هر گاه جز این هم ممکن است که سفرا آن اختیارنامه
که در دست دارند دولت خود دچار ذلت و بدبختی کرده مملکتی را از دست بدهند
یا در امور سلطنتی اختلال نمایند فی الحقیقه غالب اوقات مذاکرات مأمورین عبارت است

ادای چیزی که یک طرف مطالبه میکند و ادای چیزی که طرف دیگر میدهد هر دو کوشش میکنند هر طرف غالب
که مطالبه خود را باید بخشی اجرا نمود (یعنی از آنچه که در ابتدا مطالبه میکند در آخر تخفیف میدهد) پس در این
صورت جایز نیست که اختیارات مأمورین دیپلوماتیک را آشکار و محدود نمود (یعنی در باطن قیود دستورالعمل
آنها محدود گردد) و هرگاه از طرف دولتیکه ادعا و مطالبه میشود در تخفیف و تغییر دعاوی مساعدت بعمل
نیاید مذاکرات بمجرد شروع منقطع گردیده سکوت حکم فرما میشود بعضی از اوقات مأموریت سفیر
فقط محض ضمانت تکالیف طرف مقابل است و در کم و زیاد آن اختیار گفتگو ندارد یا آنکه صریحاً
مأمور طرح مطالب دولت متبوعه خود است که بعدها از روی آن معاهده طرفین قرار قطع و فصل آن
داده اند سفرائی که در یکدیگر مأموریت دائمی دارند و مقیم هستند اختیارنامه آنها منحصر به اعتبارنامه است
سفرائیکه در یک مسئله و گفتگوی مخصوصی علاوه بر آن مستوان اختیارنامه نیز بدست آنها داده
سفرائیکه مأمور کنگره ها میشوند اعتبارنامه ندارند فقط یک معرفی و تصدیق مأموریت اختیارنامه بدست
آنها میدهند که صورت آن در مجلس کنگره در میان خودشان مبادله و با سفیر رئیس مجلس بالت و تصحیح
داده میشود هیچ معمول و مرسوم نیست که به یک سفیر اختیارنامه داده شود که با جمیع دول
معاهده و مقاوله نماید

فصل ۳ در تعلیمات

هر چند وضع رفتار مأمورین دیپلوماتیک کلیتاً مشخص و معین است که باید در دستورالعملهای عمومی و تعلیمات
مخصوصه به آنها داده میشود مشخص و تا به حد طریقه گفتار و کردار خود را بدانند و مکلف به اطاعت
و تبعیت آن تحریرات باشند لیکن به اتفاق میافتد که اگر سفیر بخواهد طابق النعل

طابق النعل بالنعل متابعت آن تعلیمات را بکند فایده مطلوبه دولت متبوعه حاصل
ابداً حاصل نمیگردد یا آنکه بر خلاف مقصود نتیجه میدهد هرگاه سفیر امور و مقاصد اصلیه و نسبت
آنها است لهذا در چنین موقع آن سفیر مسئولیت اجرای احکام را بعهده خود گرفته
شرح حالات و تفصیل ملاحظات را به دولت متبوعه خود مینویسد و منتظر دستورالعمل
مجدد میشود و نیز قبلها ضرورت چنین موقعی میتوانند قبل از استیذان از دولت خود
بر ضد دستورالعمل و احکام سابقه عملی نمایند مشروط بآنکه دولت را به راه مخالف پولتیک
اصلیه و مقاصد کلیه از مأموریت آن سفیر در نظر داشته است نیندازد
لیکن قبل از آنکه در چنین امر مهمی اقدام کند باید بدقت هرچه تمامتر دلایل خود را
سنجیده جمیع نتایج آنرا میزان کند خصوصاً باید متوجه ملاحظات شده بمیل و اراده
شخصی خود نتوانند حواس و ادراکات را نموده براه خطر بیندازد احتیاط و عمل نماید
چنانکه پس از رعایت احتیاط و جمیع ملاحظات مذکوره و سنجیدن نتایجی که برای دولت
متبوعه خود منظور دارد خود را محتاج از انحراف از دستورالعمل و انصراف از حدود تعلیمات
و احکام دید در آنصورت محض تعیین حرکات مذکوره به فواید دولت که حاصل کرده است میتواند
تخلف از احکام نماید و در این حال نیز هرگاه دولت اقدامات او را صحیح و مقاعده
باید تصدیق میکند و الا رد خواهد نمود چنانکه در بعضی مواقع سفیر میتواند انحراف از دستورالعمل
نماید مواقع دیگر است که بدون دستورالعمل نمیتواند اقدام به امری کند و تشخیص و تمیز اینگونه مواقع
بسیار مشکل است

سفیر هرگز نباید بنفسه جواب مسائلی جهت خود متحمل الزام با هر کس است که رضا و صرفه و شئونات سلطان

باشد چنانکه بحکم ضرورت بخواهد از بعضی تعلیمات اقلیت تخلف و انحراف ورزد در اینصورت

باید با رعایت سلطان از عواقب پولتیک و روابط عموماً با جمیع دول و خصوصاً با هر یک از آنها

دارد از هر اکراه است خفیه و محرمانه است همه آنها واضح شده با شرح اطلاعات کامله کافی بنماید تا اگر

دچار سهو و خطا نگردد و اعمال او در حضور دولت متبوعه رد و تکذیب نشود بحکم عقل در حین مذاکره نباید

مرتکب خبط و خطائی گردد و چنانچه از طرف مقابل در تحصیل مقصود ابرام و اصرار شود در صورتی که

جواب نگوید و در هر فقره از جانب دولت متبوعه خود دستورالعمل و حکمی ندارد و حتی الامکان

مسامحه و تعلل نماید چه امکان دارد که در این گونه تأخیرها آثاری مترتب گردد هرگز بر خلاف عقل و

ترتیب نخواهد بود و در غالب این مواقع چاره کرده‌اند (

است و در صورت طی مسافت بین دو دولت تقاضای ضرورت تکلیف با تعیین اظهار طرف

مقابل دارد) خواهد و نیز نقص است که اگر دولت با

خود بتکلیف تکالیف شاقه نماید بر هر اکراه است و دسترست نخواهد گردید و فی الحقیقه در مملکت

خارجه از جهات آن مأمور کاسته و به مخالفین او طرف مقابل نسبت تصور خواهد کرد و در حالت

بامانت و کفایت مأمور خود اطمینان ندارد لهذا قوت و اعتبار او را در نظر آنها مبدل بضعف

و عدم قدرت خواهد کرد دستورالعملها یا عمومی هستند یا خصوصی محرمانه و مخفی هستند یا آشکارا

و شفاهی هستند یا تحریری مفصل هستند یا مختصر بغیر از این دستورالعمل خفیه با شرح مبانی و حکم مخصوص حقوق دولت

متبوعه خود نمیتواند آن دستورالعمل را ابراز نماید ولیکن دستورالعملهای آشکار را در مقام ضرورت و صلاح و حقیقت

و صلاح و حقیقت میتواند آشکار سازد چنانچه بعضی سفرا بنا بر دستورالعمل دولت متبوعه خود با نیز تحقیق اصلی خاتمه کرده‌اند

بجهت اطمینان بصدق قول او اسباب اعتبارنامه یا چیزهایی تسلیم شده در دست دارد کافی است

فصل ۲۰ در رمز

در غالب موارد صرفه دولت مقتضی آنست که در مکاتبات با سفرا و مأمورین خود از انواع احتیاط

اجتناب نماید علیهذا در نوشتجات و احکامی که از جانب وزارت خارجه به مأمورین خود

رویش داده میشود از جانب مأمورین به دولت خود اطلاع میکنند باستعمال رمز عادت شده است

و در امور خارجه و مأمورین که در خارج هستند هر کدام صفحه کتابی میدارند و پیچ کشف رموز میکنند

و دیگری مطالب را برمز در می‌آورد مصنفینی که در علم دیپلوماتیک نوشته‌اند بعضی از کتاب خود را

مخصوص شرح خطوط رمز نموده و طریقه استعمال آنها قرار داده‌اند و نوعی الفاظ قرار داده و عبارات

مبهمه بیان کرده‌اند بنظر می‌آید و اهمیت داشته‌اند از اینکه سفرا دارای آنها پس از رمز که

با که مطلب محرمانه و سری میدانیم لازم میدانم در این باب شرح و بسط داده نمونه و شکلهای رمز را

در این جا درج کنیم خلاصه هر وزارت خانه در این مسئله سبک و طریقه علیحده معمول میکنند

در هر دیپلوماسی راجع که حتی ضرورت کرده رمز را استعمال نماید مشکل که نتوانستیم

در این موقع ذکر کنیم قرار فهمای خطر نمیرود و چون کتابت بیانی حقیقت رمز را نمیکنند لهذا

صرف نظر کرده سکوت نگاه داشتیم از جمله اقسام مختلفه رمز آنچه در وزارت خارجه و سفارتخانه‌ها

معمول و متداول است رمز حروفی است که با علامات حروف و گاهی اسم با اعداد ترکیب

شده باشند قسم دیگر اسم رمز معروف به رکربی نقش مرکب است که مرکب است از اینکه

رمز حروفی وقت بسیاری بجهت جمع و عقد لازم دارد باز کردن و خواندن آن بجهت اشخاص فایده هم
نمیرسد اگرچه مفتاح هم در دست داشته باشند چرا که احتمال تغییر دارد و دیده شده است که بسیاری از این رمزها بواسطه وقت
زیاد یا مسبوق بودن یا تردید مطلب یا قرائن و جهات دیگر خارجی بر موقوفات را حل کرده و تحریراً
که بجهت پنهان داشتن اسرار بکار برده اند باطل نموده اند
استعمال رمز کلمه که گذشته از اینکه وقت زیادی لازم دارد جز در مطالب بسیار مختصر بکار نمیخورد
منحصر استعمال این قسم رمز بهتر از رمز حروف مرکب یا علامات است چنانکه عددی و یا رقمی
بهتر از هر دو قسم سابق است چونکه ترکیبات آن بی نهایت و استعمالش در وقت ترکیب
یا حل و فکش سهل‌تر و زودتر است

فصل ۲۳ در باب تذکره و جوازنامه سفر فایده و معنی تذکره در زمان حالیه معلوم میشود
ضمانت عبور از مملکتی است از طرفی بجهت دیگر در تحت حمایت حکومت نظامی و غیر نظامی سفرا و دول
خارجه و قونسولها حق دارند با اهالی مملکت خود تذکره بدهند هم از اینکه بجهت [illegible] خود عبور نمایند
یا بممالک دیگر روند هر گاه در حالت صلح و ملایمت مسافرین تذکره صحیح نداشته باشند
بطور تکفل [illegible] در مملکتی عبور و مرور [illegible] مأمورین دولتهای بیطرف [illegible] حق ایشان اعتبار [illegible] داشت
دیگر آنها نیز بدون تذکره عبور و مرور میکنند
اما در حالت جنگ جمیع مأمورین و دولتهای اجنبی [illegible] یا وطن خود مراجعت نمایند
عدم [illegible] بتذکره و خروج ایشان از جانب کارگزاران دولت در حین جنگ [illegible] نیز [illegible] مخصوص [illegible]
اینکه مرور با آنها داده میشود [illegible] عبور کنند و در مقام ضرورت

ضرورت سربازگیری یا هر یک از رؤسای قشون میتوانند جایزه مرور را بدهند و این در صورتیست
که ضرورت و اهمیتی تقاضای عبور و مرور آنها را بکند [illegible]

باب پنجم در حقوق و امتیازات مأمورین خارجه

فصل بیست و یکم در احترامات بموجب حقوق الملل بعضی امتیازات در حق مأمورین دول باید
مخصوص و طبیعی [illegible] مودت و [illegible] آنها کرده اند و عمده‌ترین آن امتیازات احترامات ایشان است
و فی الحقیقه هر چیزیکه باحترام آنها برخورد و شئونات مأمورین و حرمت رسمیت آنها برخورد [illegible]
احترام مأمورین دولتی بدرجه منظور نظر است که در ممالک خارجه [illegible] از محاکمات آنها معاف
هستند و این معافی نه تنها اسم است بلکه در مقام ضرورت و حاجت رسمیت و اجرای پیدا
میکند مأمور نیست سفیر که در تحت تسلط و اقتدار سلطان خارجی است [illegible]
آن آزادی شئون و قدرت و قوت قلب که مأموریت او اقتضا میکند نتواند [illegible]
ولیکن معافی آنها از محاکمات دلیل معافی از مؤاخذه و تنبیه نمیشود چه اگر سفرا عادت شئونات
و امتیازات خود را بنا بر دولت آزادی و آزار مردم بگذارند و بر خلاف قاعده
و قانون رفتار کنند [2] یا اسباب فتنه و شورش گردند یا اگر [illegible] باشند یا وسیله بدگمانی
مرتبت دولت باشند این قسم مأمورین [illegible] مستوجب میشوند اما فقط مرتبت کسی که او را [illegible] کرده است
هر چند این فقره الحال شرط نشده باشد ولی [illegible] از شروط صحیح و تحقق شدن سفرا [illegible]
همچنین هنگام وقت محض حفظ احتیاط [3] [illegible] فتنه [illegible] سلاطین [illegible] جمیع روابط
سفیر را منقطع سازند مهم است میتوانند او را از خاک خود اخراج کنند و [illegible]

[2] و با آن مردم را بر ضد [illegible] / اغتشاش نظم عامه شوند یا / با اهالی مملکت در حال [illegible] / و سلطان خلاف کنند

داشته ولی نه اینکه اجرا طرد و تبعید کنند زیرا در چنین حالتی آن سفیر علانیه جلو رفته و در مقام لجاج
و عداوت واداشته خود دولت این نوع تحقیر کرده است و وظایف و حقوق شأنی
خود بلکه شئونات و امتیازات خاصه سفیر نیز تضییع کرده است

هر چند قبل از تسلیم اعتبارنامه و پذیره شدن رسمی سفرا سفیر و مأموریت آنها صورت رسمیه پیدا
نمیکند و حق احترامات آنها نمیدهد ولی عموماً در جمیع دول باید رفته و تسلیم کرده است
که بمجرد اینکه دیپلماسیها بمملکت خارجه مسافرت کنند تا وقتیکه از آنجا خارج میشوند احترامات آنها مرعی
و مسلم است احترامات مأمورین دیپلماسی در هر موقع لازم و واجب شمرده شده است
خاصه موقعیکه مربوط بشغل و مأموریت آنها باشد در صورتیکه [illegible]
روز کنند ضمناً احترامات آنها نمیشود حتی در صورتیکه کار بقطع روابط داده و جنگ هم کشد

فصل ۲۴ (اکستر تریتوریالیته) یعنی خارج بودن از ایالت معافیت در حق سفرا
و عموم مأمورین دیپلماتیک تخصیص داده اند شامل منازل و جمیع بستگان و خدام آنها نیز
میشود و از این رو است که چنین گفته اند که سفارتخانه بمنزله اکستر تریتوریالیته یعنی خارج از
ایالت و حکمرانی است و حکم ملت را دارد و اشرار عرب و رومی میتوانند در آنجا
پناه بگیرند و بنابراین در صدد دستگیری و طلبیدن ملت بر آمده اند و حال آنکه عنوان چنین نسبتی
که بوجهی شباهت و مناسبت با قواعد و اصول دیپلماسی ندارد خود دلیل واضحی است
بر لغو و بیهوده آن زیرا مقصود و قصد آن با سنخ قوانین حالیه عدالت میتواند شد
و در یک رشته خط و عادت غلطی را از نتایج جهالت و بدعتهای عصر باستانی سخن

نیز جایز نیست و فقط باید دانست که حقوق عمومی عامه سفرا و وزرای خارجه و عموم ایلچیان تصور
نمایند که از مملکت خود خارج نشده باشند و بهمین لحاظ بعضی حقوق اکستر تریتوریالیته با آنها میدهند
ولی حقوق العموم خاص بطوریکه بیان کردیم در این امتیاز خیالی را داده است و اهم تکوینی نیست
یعنی یکی از این امتیازات جمله عمارت و کالسکه و مبل و سایر متعلقات او در حکم خاک
دولت متبوعه تصور شده اند و خارج از املاک [illegible] باشند و بنابراین از محاکمات محلیه معاف میباشند
مشروط بآنکه از آن طرف نیز مقابله و معامله بمثل بعمل آید و لکن این نوع رسمیت قبول فقط
از عادت یا نتایج عهدنامهها ناشی گردیده است اسباب بسی اشکال است نتوانند شد
بلی میتوان همیشه بر تضییع حقوق اکستر تریتوریالیته چشم اجرا داشت اگرچه بر حسب علائق عمومی
شده باشند و چنان عادت نیز وضع تواند گردد زیرا این حقوق فی نفسه ازلی [illegible]
همانطور و سهولت که حالت آنها را وضع نماید و یکی از دیگران [illegible]
و یا باطل نماید

فصل ۲۵ در [illegible] معلوم شده بموجب حقوق بین المللی احترامات زیادی بمأمورین
خارجه اولین صفت دیپلماسی شمرده شده است و فی الحقیقه نتیجه احترامات زیاده از آزادی
مطلق است نه اینکه خود آن احترامات هم نتیجه از آزادی هستند و بنابراین مستند نیست
همین اینکه آزادی بطور صحیح و کامل برقرار و ثابت باشد باید مأمورین دیپلماسی آزادی طبیعی خود را
بطور محکم حفظ نمایند و اجتناب کنند از چیزهائیکه میتوان بر آنها تسلط و تفوق داشت
نیز در اینصورت از دربار سلطانی رخصت داده و فرستاده شده اند هرگز نباید حرکتی قبول نمایند

و بفضای شرف و صداقت بهیچ اسم و رسمی متعرض و موجب ضرر نشوند اعم از اینکه آنها را باشند یا نهان
و نیز بدون اجازه مخصوص دولت متبوعه خود نباید هیچ قسم لقب و نشان و منصب و امتیازات
دیگر از سلطانی که نزد او مامور شده‌اند یا از سایر سلاطین خارجه قبول نمایند هرگاه رئیس سفارت
سفیر تبعه دولتی باشد که در آن دولت مامور شده است و سلطان نیز او را بماموریت قبول نموده راضی شده باشد که با
و مشی سفیر خارجه رفتار شود در این صورت باید آن سفیر مطیع قوانین مملکتی دولت خارجه باشد مگر در موارد که
راجع بسفارت او است لکن با اینکه رعیت سلطانی است که نزد او مامور شده مادام که از طرف
سلطان دیگر ماموریت دارد باید تمام امتیازات و احترامات و مصونیت‌ها که دارای شأن رئیس مقام
سفارت است در حق او رعایت گردد مگر اینکه سلطان شرط نموده باشد در جمیع حالات با او مثل رعیت
خود با او رفتار کند
اینکه سفرا (اکستر تریتوریالیته) میتوانند اسباب پناه کسانی که از خارج سفارت
در منزل خود پناه آورند این مسئله با مقتضیات حقوق عامه تعارض و تباین دارد ولی برخی عقیده
با فسخ و ابطال چنین امری که مختص بهر قسم اشکال و جریان عادت ضمیمه است انجام داده است

فصل ۲۶ در معافیت از محاکمات محلیه

اگرچه اصل (اکستر تریتوریالیته) یعنی خارج بودن از قلمرو سفیر و شخص سفرا از محاکمات محلیه تحصیل
نمایند و محاکمات آنها را در غیر دولتها و عهدنامه‌های مملکت خود تجویز نمیکنند ولی بر ورود حقوق ملل عامه
بطور مطلق و صریح قبول نمایند هرکه وزرای خارجه و اتباع آنها که از محاکمات محلیه معاف و آزاد باشند
و فی الحقیقه حقوق اصلیه خاص نیز در مسئله سفرا از روی ملاحظه و اندیشه از اینکه با احترامات شخص

شخص سفیر را برخورد و یا شئونات منصبی او را آزادی مطلقه که در جریان امور مستلزم ماموریت اوست
ضرر برساند بعضی مستثنیات کرده است مثلا باینکه محققان قبول از ارتکاب ماموریت سفرا
بجهة قرض در سفارتخانه توقیف کرد یا احکام دیگر در حق آنها جاری نمود و با وجود بعضی عهدنامجات
و جریان عادت با ظن قوی بر آن است که طلبکاران نمیتوانند احکام قضائی او را توقیف نمایند
چنانکه گاهی اتفاق افتاده و حکومت محلیه هم از طلبکاران اظهار مساعدت کرده است
هرگاه از اعضای دیپلماسی در مملکتی که مقیم است صاحب ملک شده باشد و مدعی و گفتگو پیدا کنند راجع
در صورتیکه او مدعی علیه باشد نمیتوانند از مراجعه و حکومت محلیه سرپیچ باشد و همچنین نیز در صورتیکه
او مدعی باشد و نتواند علاج کند لابد بحکومت محلیه تمکین خواهد نمود هرگاه سفیر در مملکتی
خارج و ادبیت سفارت بعنوان گرفته بعد اتفاق نیافته و در امور جزئیات صفار طرف
بر جهة و گفتگو واقع شود در مواقع مذکوره و امثال آن جریان مطالبات و محاکمات در حق
او تجویز شده است حتی کارگزاران و توقیف سفیر و ضبط ملک و تصرف اموال هم میکنند
بدیهی است در چنین موقعی سفارتخانه با آنچه در آن محوطه است از حکم این قانون خارج است
و حکومت محلیه در هیچ موردی بهیچ بهانه و عذری برای اجرای احکام شرعیه نمیتوانند اوراق
سفارت تملک کرده داخل عمارت شود حتی اگر کسی در سفارتخانه وفات کرده باشد
حکومت حق ندارد بجهة بازکردن وصیت‌نامه متوفی یا صورت حساب و تقسیم ما ترک و ترکه
و غیره داخل سفارتخانه گردد
چونکه تمام این تکالیف حق خود سفیر یا کسی است که از طرف او مأذون باشد

در صورتیکه سفیر تبعهٔ سلطانی باشد که بدربار او ارسال شده است اگرچه آن سلطان او را بحضور از
محاکمات محلیه معاف نموده باشد معذلک نمیتوان چنین سفیر را از معافی محاکمات که خاص
عموم سفراست بی بهره و متمتع نداشت بلکه مانند سایر سفرا در جمیع امتیازات و معافیت برقرار است
و نیز همین حالت را دارد افراد دیپلوماسی در دولت اجنبی که ماموریت پذیرفته باشد
همینقدر که سلطانی یکی از تبعهٔ خود را بماموریت دولت دیگر شناخت و پذیرفت باید
در جمیع حالات حقوق امتیازات او را در خور شغل و ماموریت او است مرعی دارد فقط ملاحظه
اینکه احترامات و امتیازات و معافی از محاکمات تا تاریخ بدو تاسیس دوران
سفارت کرده است نه شخص مامور سفیر

فصل ۲۷ در معافی از محاکمات و جنایات

حقوق الملل عامه در معافی از محاکمات جنایات ولیعهد در تمام شرایط آن تاکید میکند
که در معافی از محاکمات سیویل (حقوقی و عادی مالی و غیره) مفهوم است زیرا ممکن است
در محاکمه جنایات [illegible] تحت تربیت شود [illegible] نفع از حقوق آن مامور سفارتی مامور گردد در
اینصورت عدالت قانونا باید بهیچوجه نسبت بشخص [illegible] طرح محاکمه رفته و برخلاف حقوق
راتش نکشند و یا تعلیمات [illegible] ننهند و نیز [illegible] درباره امکان [illegible] سفارت جنس نباید
[illegible] آنها حکم [illegible] سهل است [illegible] بلفظ هم برآنها تقصیر و تنبیه وارد نمود لکن [illegible] در
سفارت [illegible] دولت [illegible] تقصیر شود حضور [illegible] سفیر
در عهد [illegible] همیشه از لوازم شمرده شده است

ولی

ولی هر حکمی که در حق او صادر گردید مجری نشود مگر باجازه و رضایت سفیر سفیر هم خود در مورد دعوی تعلیمه
باید در این قسمت سیاسی که نزدیک [illegible] بمحکمه مرتقص شود قبل از وقت از حضرت خود خارج
کند کلیتاً ضبط سفیر بواسطه تن شاهد و شنوائی دعوی جایز شمرده اند هر چند نسبت
بشخص سلطان یا نسبت بدولت او ماموریت مرتکب تقصیر و خلاف نشده باشد
و همچنین با حکومت او هم خللی و نقصانی وارد نمیشود در صورتیکه تقصیر متین انکاری از او ظاهر
شده باشد این سفیر نمیتوان او را دلیل محکمه عدالت خانهای محلیه کشیدند و موقوف نمود
بلکه او را فرار کرده ولی میتوان در اطراف منزل او قراول گذارد و از تشخص او مراقبت
کرد تا وقتیکه از دولت متبوعه او حکم برسد و یا اینکه او را تحت الحفظ بسرحد فرستاد
در صورتیکه از ذوات دیپلوماسی تقصیر مهمی سرزده باشد تبعید او از حقوق مسلمه شمرده اند
لکن چه با اجازه و تسلیم دولت متبوعه خود مرتکب آن تقصیر شده باشد و چنانچه
مامور مقصر مهمی نباشد که نسبت بدیگری تقصیر کرده باشد آن دولت حق دارد در احضار
او بوسیله از دولت متبوعه او بجا آورده در وطن خود موافق قانون محلیه محاکمه و تنبیه شود

فصل ۲۸ در خصوص محاکمه سفیر در دعاوی و مرافعات حقوقی سفارت المللی همیشه حقوق
اتفاق میافتد

اگر چه سفارت و منشی با ماموریتهای دیپلوماسی ندارد که دعاوی سیاسی با سفیر باید مطرح
در محکمهای محلیه حکم و فیصل شود ولیکن موافق عهد نامجات دعاوات جاریه در عادات
دول اروپا سفرای در هر ماه وجه هم حق از اینها دلالت را با خارج مدعی و مدعی علیه بعض دعاوی گفتن

سفارت خودشان رسیدگی نمایند و نیز کلیه سفیر میتوانند در صورت اقتضا اهالی سفارتخانه را
ضبط نمایند و اسناد و نوشته‌جات آنها را با حفظ حقوق صحیح و مکتوب نمایند و همچنین میتوانند
بقیه مختلف است که تمام ترکات آنها بعد از فوت به ورثه نمایند
تا در باب محاکمه تبعه دولت متبوعه سفیر در مورد عضو سفارت باشد از قرار این اجمالی
شخص مذکور ... در حق محاکمه در مسئله ادعای آن قسمت دارند ولی در حق سفیر
مأمور است بهیچوجه مختلف رسیدگی و تصدیق این قسمت از محاکمات نیست چنانکه مختلف
نیست ... محاکمات دولت متبوعه سفیر بوده باشد چنانکه تقاضای ضرورت حضور
یکی از اهل سفارت در دیوانخانه‌های محلیه لازم بشود کسانیکه بنا بر عادت جاریه این ممالک
باید توسط وزارت خارجه آن مملکت از آن سفیر خواهش شود که آن کس بجهت شهادت
خواسته شد در دیوانخانه حاضر شود نزد خود وزیر خارجه روانه دارد و یا توسط وثوق
سفارتخانه در دیوانخانه حاضر نماید و نیز کلیتاً پذیرفته و معمول است که جمیع
ارزانی‌های دیپلوماسی از هر درجه و رتبه باشند حق دارند از اهالی مملکت خود هر که بخواهند
در حق خود تمام ... رجوع سفیر کنند تذکره و ... خاصه ... در ... که از آن
... و تبعیت دول خارجه ... ... فرستادن ... و دیگر لازم است ... تذکره
یا تجدید تذکره قدیم ... فقط ... دیپلوماسی ... ... دولت
متبوعه ... نقصانی ... در صورتیکه از جانب طلبکاران ... از طرف حکومت
محلیه اظهار ... شود ... تقصیر و گناهی در معرض محاکمه واقع شود.

باشد یا آنکه مواقع حکم و تقاضای قانونی اشخاص در معاودت داخل ممنوع شده هر نوع تهمتی نشده باشد بدیگر
بر نهند و نه تذکره قدیم را در اختیار کنند موافق قانون کلیه ازای دیپلوماسی یا قونسولگری همچنین
حال نیستند به تبعه دولت در اینجا مأمورند یا تبعه رجال خارجه تذکره بدهند[2]
و در حالت ثانی وظیفه ... دیپلوماسی است ... در تمام اقامت دلالتی ... فرمان ... دارد
جمع شده‌اند از ازای دیپلوماسی تذکره که آنها باید ضبط ثبت و امضا نمایند مگر در صورتیکه قبل از وقت
قدغن شده باشد فلان شخص ... ورود ... ممنوع است در اینصورت
مأمور دیپلوماسی تذکره او را ثبت و امضا نخواهند نمود

[2] در حالت اول تکلیف سفارتخانه حکومت محلیه است که بر تبعه خود تذکره بدهند

فصل ۲۹ در محاکمات سفیر در حق اتباع سفارت که مرتکب خیانتی شده باشند
حق محاکمه سفیر در جنایات جزو کمتر ... در مملکت ... دولت متبوع
خود دارد ... در همه جا خصوصاً در ممالک اروپا و آمریک که کاتولیک ... حق
محاکمه سفیر ... ترتیب جنایات ... عضو سفارتخانه ... تقصیر ...
او هر گاه مقصر در سفارتخانه ... سفیر او را توقیف نماید و اگر در خارج سفارت
بدست حکومت محلیه گرفتار شده باشد سفیر مطالبه او را از حکومت ... تسلیم میکنند
ثانیاً سفیر با تحقیقات لازمه بعمل آمده تقصیر او را معلوم و ثابت نماید و در صورت لزوم
بطور خواهش ... از حکومت محلیه اقدامات بخواهد
ثالثاً اگر اهل سفارتخانه اگر مطیع باشند ...
را تا مقصر ... حکومت محلیه دولت متبوعه خود تسلیم نماید که در آنجا موافق ... محاکمه ...

برای تقصیر او داده شود

خامساً لدی الحاجه با اطلاعات و توضیحات لازمه در خصوص تقصیر یا شخص مقصر به دولت متبوعه خود به
سابق برای هر یک از نوکرها و بستگان شخص سفیر که مقصر شده سفرا خود تنبیه منضبط دایم
عمل بود حق مخصوص خودشان میدانستند ولی امروز علمای مذهب هیچ یک از این ادعاهای دیپلوماسی
خود این حق نمیدهند حتی به سفرای درجه اول
بنابراین چون این قبیل اشخاص هرگز جزو سفارت محسوب نمیشوند و از امتیازات مخصوص منافع
مأموریت شده و با مأمورین خارجه تخصیص یافته است لکن بی بهره هستند و نیز حسب قانون این
قبیل اشخاص از محاکمات محلیه راجع به جنایات معاف نخواهند شد لهذا اگر در خارج سفارتخانه
یکی از آنها مرتکب تقصیری شوند به قانون آن مملکت مستحق تنبیه شده باشند مأمورین باید به محاکمات
محلیه تسلیم نمایند اگر که سفیر راضی نباشد چون که این قبیل حقوق که به سفرا اعطا شده مسلم است اگر
از اتباع سفارتخانه مرتکب کارهای شده باشند هرچند دیپلماسی محلیه در این حالت حق صدور حکم
نداشته باشند حق تحقیقات و کسب اطلاعات دارند چونکه هیچ چیز منظور نیست مگر تنظیم
نمایند و بعد التماس محلیه که قوانین عامه آنها منظور و محترم در دولت است اطلاع بدهند
دیپلماسی محلیه حق دارند هر کس از حضور او به جهت تحقیقات اداری لازم باشد احضار نمایند
مادام که این عمل تحقیقات انجام گرفته و بعد نماینده دولت متبوعه هر عرضه وارد نشود زیرا
که بوسیله اطلاعات همین تحقیقات و صورت مجلس هر عمل میتوانند که محکمه خارجه نیز
مراجعه وارد نشود اثبات کند پس اگر در یکی از محکمه خیانت شده است آن اشخاص نتیجه

نتیجه در فصل ۲۸ ذکر شده است کفایت تحقیقات اهالی دیپلماسی را نمی‌نمود آنوقت میباید
قانون عمومی عمل کرد مشروط بر اینکه هرگاه جنایت محترمین و معتبرین به جهت تحقیقات و شهادت
مقتضی شود ملاحظات به رسمیت دعاوی محکمه است در باب آنها مرعی شود پس از اتمام ملاحظات
به عمل آید و ممکن تحقیق نظر به مناسبت و ترادف است تمکین شد ولی حتی خود سفیر گمراه حق ندارد
که خواهش دیپلماسی را پذیرفته از ادای شهادت تمرد نماید

فصل ۳۰ ملاحظات در تنظیمات پلیس

معافیت سفرا از محاکمات جنایتی و دعاوی مستلزم و دال است بر اینکه سفرا شخصاً در محلیه پلیسیه
نیز معاف باشند بلکه برای اهالی خارجه که در آن مملکت که کلیتاً تابع محاکمات پلیسیه محلیه
هستند چون حفظ نظم عامه منظور اعتنا گرفته شده است میباید که هر کدام در داخله سفارتخانه و عمارات
نماینده هیچ وجه بی‌نظمی و اغتشاش در اینجا بروز نکند و مبادا چون در خارج سرایت کند اسباب
اغتشاش امنیت و تنظیمات گردد و به همین ملاحظه است که سفرا با استعمال مواد محترقه را
که محل خطر است در داخل سفارتخانه ها منع و قدغن نمایند و این چنین چیزها موجب باشند و احراز از
اهالی مملکت در سفارتخانه مرتکب کارهائی که در آن جهت قوانین ملکیه ممنوع است نشوند و نیز باید اتباع
و بستگان خود را از تجارت قدغن دارند و تعلیم صنایع به اهالی آن مملکت و تجارت چیزهائی
که ممنوع دارند سفرا باید همیشه مطیع تنظیمات و احکام پلیسیه باشند بر آنها در عاید و عام
و امثال آن که در جمیع موارد مقتضیه مثل احکام راجع به حرکت کالسکه و غیره
هرگاه یکی از بستگان سفیر به واسطه تقصیری از خارج سفارت دستگیر شده باشند غالب(۱) آنست

که حکومت محلیه بحفظ حرمت اکس ترریتوریالیته مقصر را بنمایندهٔ سفیر بسپارد

فصل ۳۱ در معافی اموال و مخلفات و اسباب غیرمنقول سفرا از رسوم و دعاوی

حقوق اهالی ثابته چنانکه ذکر شد مخلفات و اشیاء غیرمنقوله سفیر را اعم از اینکه متعلق بشخص او باشند یا متعلق
بسفارت از هر گونه رسوم و دعاوی و ضبط و تصرف معاف داشته است لکن املاک
یا معمولات دیگر شخصی که بسبب وصایت و وکالت و غیره در تصرف سفیر باشد از رسوم
معاف نیست

این نوع معافی بطور مطلق در حق عموم اعضای دیپلماسی تصدیق شده دال بر اینست که احکام حکومت
هم در صورتیکه طلبکاران خود را راضی نکرده باشند مخلفات شخصی و منزل سفارتخانه را بعنوان ضبط
و تقاص توقیف نمود اگرچه گاهی هم مخالف این قانون اتفاق افتاده و اموال سفیر را در عوض طلب
ضبط نموده باشند چنانکه در فصل ۲۶ اشاره شد

ساکت

فصل ۳۲ در معافی از مالیات مستقیم و غیرمستقیم

سفارتخانه از مالیات نزول قشون و نظایر آن معاف است ولی از مالیاتی که بملکیت آن تعلق میگیرد
معاف نیست چون دلیلی ندارد در منازل سفرای خارجه خاصه در صورتیکه ملک شخصی آنها
هم باشد از مالیاتی که مخصوص اسباب و اشیاء غیرمنقول تعلق میگیرد معاف باشند به
هر گاه خانه را سفیر منزل ندارد ملک سلطان تعلق گیرد آن سفیر باشد تخمینا بملاحظهٔ کشف سلطان از
مطالبه نمود بهر صورت این قبیل معافی فقط محض مساعدت است و بهیچوجه ربطی بحقوق خاصه
دیپلوماسی ندارد بموجب اکس ترریتوریالیته سفرا و اتباع آنها از هر قسم مالیات شخصی معمول

و اموال امانی آن مملکت علاقه میگیرد معاف هستند جز حقوق گمرک و راهداری و امثال
آن نیز در این قبیل حقوق شخص سفیر نیست بلکه تعلق بمال میگیرد در دست هر کس باشد
ولیکن چندی بر حسب عادت قدیمه اجازه میدادند که اشیاء آن هنوز در حق سفرا معمول در
قرار بوده است حتی اوقاتی در قرارنامه‌های دولتی داخل شده و مخارجی در حال خارجه بنا
سفیر موقوف کرده باز از حقوق گمرک معاف بودند و چنانچه تعدی و عادت زیاد
آنها باعث شد که اجازه نیز در حق آنها بالکل برقرار بود ولی تعدیات و بی
اعتنائی آنها غالب دول را مجبور کرد که این امتیاز را فسخ نمایند و یا اینکه ما حال حق گمرک را
دریافت نمایند و اکنون گمان نمیکنیم که این امتیاز کلیةً برقرار باشد در بعضی ممالک
سفرا از داخل کردن مال التجاره در دول ممنوع هستند و در بعضی دیگر مخصوصاً اسباب
آنها بوده در سر حد است و [illegible] و بعضی دیگر گمرکهای سرحدیه مرکب از عده شخص
نمیشوند) ولی در جمیع ممالک بازدید نشده است مخصوصاً آنهائی که در سفارتخانه واردی نمایند
مگر بملاحظهٔ اینکه باز کردن و تفحص صندوق در گمرکخانه باعث خسارت و تضییع است
سفرا خود اجازه بدهند مباشرین گمرک داخل سفارتخانه شوند و بهنگام گشودن صندوقها حاضر شوند
در خصوص تفحص و تجسس کالاهائی که سفرا در هر مملکتی تفاوت است و غالب اوقات
کالاهائی که از آنها [illegible] تجسس معاف داشته اند لیکن بسبب آن بوده که کلیه موقوف
میکنند چه این حرکت نسبت بشئونات سفیر و دیپلوماسی منقصت میرساند در حال
کیفیت فقط بموجب معاهده مخصوص سفرا حق دعوی این [illegible] ندارند هر چند در بعضی دولتها

محض ملاحظه و احتراما امتیاز برخورداری تامه به آنها داده شد

حقوقی که بجهة حفظ طرق دیپلوماسی داده شده و قیودات مخصوص شده چون فی الحقیقه عوض مزاحمتی است
که گرده در حکومتی است که کشیده‌اند لهذا از هم نیست مأمورین دیپلوماسی از این قبیل حقوق
مختصر که طبیعتاً با سفرای خارجه در یک رتبه و مقام هستند برتری در رفتار کرده به این قانع و شاکر
شده توقع و تمنای حقوق ممالک نمایند چنانکه بعضی بجهت ملاحظه خاص یا مقام شخصی تمیز
تفوقات را هم کنند

فصل ۳۳ در آزادی و مصونیت سفارتخانه‌ها

امتیازی که سفرا و اتباع آنها دارا هستند باقتضای کشور متبوعه به سفارتخانه‌ها نیز تعلق میگرفت بنابراین
که سفارتخانه‌ها از تفحص پلیس و حمله گمرک و نزول اهالی خارجه در داخله معاف و آزاد
میدارد سابقاً در بسیاری از ممالک معظم و متمدن معمول است که هم سفرا علامت ملت
متبوعه آنها را بر در سفارتخانه‌های خود نصب نمایند و این واسطه آن خانه‌ها از حمله حکومت محلیه مصون
و محفوظ میبودند ولی امروز در جمیع ممالک که اصول حقوق معتبره جدیده اتخاذ و قبول شده این
عادات زشت عموماً منسوخ و باطل شده

فصل ۳۴ در حق بست

چنانکه ذیلاً اشاره رفت (موضوع بودن از قلمرو) را تقریر و وسعت داده‌اند که حق
پناه دادن مقصرین داخله و خارجه را در سفارتخانه‌ها پیدا کنند و باعث اغتشاش نظم عامه
و عدالت کردند هر آینه ضد و مخالف آزادی ملی است چنانکه سابقاً نیز تسمیه بعضی

بعضی و مقصرین را زمینه که طرفه مهم در سفارتخانه‌ها ملتجی میشدند ولی این رسم غلط اکنون متروک داشته شده
هرگاه کسی مقصر و یا متهم و در یکی از سفارتخانه‌ها متحصن شده باشد حکومت محلیه حق دارد از طرف
سفارتخانه تسلیم او را مطالبه نماید و اگر از تسلیم مقصر امتناع کنند سفیر است که پس از خواهش حقانه
حکومت مقصر را تسلیم نماید نتواند خودسرانه داخل سفارتخانه شده اگرچه بعنف و جبر باشد او را بیرون
بکشد و چون حقوق ملی ثابته در موارد در جمیع بخصوص حیثیت ممکن و مقتضیات مأموریت
دیپلوماسی تعدی بسیار زیاد منتشر است ممکن نیست حقوق دولت را با مأمورین دیپلوماسی زیاد این
قضیه‌های مختلفه [illegible] وقوع یافتن اگر ما نمودیم کاملاً بعضی از اینها قسم تفحص و تجسس
معاف است ولی با این مسانی در تحت نظارت پلیس دولتی باشد مگر اینکه
مقصرین را از حمایت محلیه طرفه نیز نیست کاملاً خود نیز کاملاً آنها را استعمال نمایند و به
تعقیب در آن کاملاً که [illegible] تعرض وارد کنند

فصل ۳۵ درخصوص عبادت و نماز در سفارتخانه‌ها

تا در تاریخ کشور مقابله آزادی عبادت و اعمال مذهبیه در داخله سفارت است لیکن حقوق
عام ممانع در فی الحقیقه با تقاضا مأمورین دیپلوماسی مربوط نیست لکن مستعرض نیست
و فقط حقوق ملی ثابته است که چون بواسطه ترقیات روشن و مربوط گشته است
تحقیق مأمورین دیپلوماسی را در باب طاعات و عبادات مذهبیه تمهید و روشن کرده است
از وقتیکه در اروپا تنظیمات شده قیود عادت عمومی که آن ...
در این باب نیز بهتر است سفرای خارجه از هر درجه که باشند حق دارند در سفارتخانه‌های خود معبد

توسط اجرا کننده در صورتیکه در آن بلد عبادتگاه عمومی تابعین مذهب آن سفیر نبوده باشد یا اگر دایر
که هم مذهب این سفیر است معبدی داشته باشد که هر چه تبعه در آنجا عبادت کنند
مثل علیوی مذهب در جمیع عهدنامه‌ها که با دولت عثمانیه دول اروپ بسته‌اند شرط نموده‌اند که
حتی قونسولهای آنها حق دارند معابد در منازل خود داشته باشند
چون عبادت خانگی شخص خود سفیر طبیعی شمرده می‌شود و غیر از آنکه در مملکت خارجه ادای آن توقف داده
نمیتوان در این نوع عبادات ممنوع داشت فی الحقیقه دین و مذهب شخص غریب هر چه باشد نمی‌تواند
از تمکین و کسب و خدمات او در مملکت خارجه منع شود ولی نظر بآنکه عبادت خانگی اهلیه فی الحقیقه عام شمرده
محتاج بمعابد و بناهای مخصوص خواهد گردید و طاعات و اعمال شرعیه مربوط از کار آورده شود
این نوع عبادات بموجب قوی‌تر تمکین کشیش‌ها و خواهش از حکم بودن طبیعی خارج است علیهذا
در صورت آن برخلاف آن در حقوق سفیر و هم اعمال شرعیه در داخله سفارتخانه اما محدود به شخص سفیر
در اجرای آن اعمال مذهبیه بطور مطلق آزاد نیستند و این فقره جزء حقوق مأموریت آنها محسوب نمی‌شود
در صورتیکه اعمال مذهبیه آنها به طور عام در آن بلد جاری و معمول نباشد و عبادتگاه مخصوص
هم که به مذهب آنها در آن بلد نباشد لابد در منزل خود به شخص عبادت نمایند اما چنین حال
تمکین شرعی دیده شده خارج از انصاف است در صورتی که مجبور باشند در سفارتخانه
خود عبادت کنند لهذا امروز تمام این فقره بنوعی اصلاح نمودند
چونکه عبادت خانوادگی که عام است تمام جریان طاعات و اعمال مذهبیه در محوطه سفارتخانه
محتاج بکشیش باشند و چنین نیز حرام میشود و این قسم عبادت را اجازت نمی‌دهند که مخصوص سفرا داخل آنها

اما لهذا آن پیشنماز هرگز مأذون نیست اعمال مذهبیه خود را در خارج سفارتخانه بجا بیاورد و حکم
حکومت محلیه هم مجبور نیست که نیز او را با آن سفیر هم مذهب بشمرد اعم از اینکه اهالی بوده باشند
یا خارجه اجازه دخول نماز خانه سفیر و عبادت مذهب او را بدهد لیکن این اوقات بعضی از دول
از روی طلب از راه اغماض یا در روی عهدنامه در این باب چندان سختی نمینمایند خاصه نسبت به تبعه
خارجه حتی بعضی اوقات ملاها را هم اذن داده‌اند که در خارج سفارتخانه با اعمال مذهبیه خود بپردازند
سهل است گاهی از جانب دربارها مخصوصاً خواهش شده است که ملاها برود در خارج سفارتخانه
نیز متعلقین عبادت عادیه خود باشند
این قسم عبادت کم اند که عام شمرده و حکم قانون جاریه پس از رضای سفیر از آن مملکت موقوف شود ولی
هرگاه سفیر موقتاً رفته باشد یا در میان سفارتخانه چند نفر از اتباع خود را گذارده باشد در اینصورت مدام می
عبادت را تجویز کرده‌اند اما اگر مأموریت سفیر ختم شده و معاودت نکند باز عبادت ترک
میگردد بنابراین است که هرگاه پس از ختم مأموریت و معاودت شکایتی نشد و آنها را از درجه
ممیت ترک شده شاید در شرایط مراد از طاعات مذهبیه دایم شود لیکن در صورتیکه
مأموریت سفیر بواسطه فوت یا از سفر طبیعی تعطیل گردد بپا مدت یکسال تقصیری در وضع دایم شود
تا معین شود سفیر از جانب دولت متبوعه خود تقسیم طاعات نماید و در چنین حالت مرتفع
نگردد و نیز هیچ دلیل قوی نیست که حکومت محلیه اوراد و اذکار و طاعات و عبادات را بازدارد
هرگاه مذهب خانواده سفیر غیر از مذهب خود او باشد بر حسب قانون مذهب خانواده در داخله
سفارتخانه و تسهیل این مسئله مطلق موقوف بعهدنامه مخصوص یا آئین معموله مملکت است و یا بعلم

غیر خواه از سلطان آن مملکت ، اما شکی نیست که اجازه داده شود در این امور و قرار بعضی نهی
قرار است که هر مأمور دیپلوماسی حق دارد با اذن مخصوص و مقطع رفتار دولت خود طلب امتیازات نماید
در صورتیکه معاهده مخصوص حقوق او را کمتر یا زیادتر از سایرین معین کرده باشد

فصل ۳ در احترامات مأمورین دیپلوماسی در دولی که نزد آنها در پایتخت نشسته باشند

مطابق حقوق ملل عامه فرستادهای دیپلوماسی حقوق و امتیازاتی سابق ذکر شد فقط از سلطان و مملکتی
میتوانند بطور مطلق و کامل منتظر باشند که در آنجا مأموریت دارند ولی این یکی را هم نمیتوان قبول کرد
که مأمورین دیپلوماسی هنگام عبور و مرور از خاک ممالک خارجه فقط مثل سایر [illegible] محسوب و از
جمیع شئونات و اعتبارات درباره آنها مسلوب شود
لهذا نظر بموجبات حقوق مللی سیستمکه منصب و مأموریت سفرا در ممالک خارجه عرض و معروف شد
گذشته از تقاضای رأفت سلاطین مأمورین دیپلوماسی حق تقاضای بموجب رعایت و حرمت مخصوص
نسبت بشخص خود و همراهان و کالسکهای خودشان میباشند دول خارجه در حالت صلح عموماً [illegible]
بدون اجازه مخصوص از خاک هر دولتی عبور کرده هر قدر بخواهند در شهرها بمانند منتهی جمیع مسافرینکه
دارای تذکره صحیح باشند چنانچه هنگام عبور از مملکت یک سفیر اجازه درک حضور سلطان آن
مملکت داده شود دادرا بموجب قانون سلطنت و مجالس وزراء و درباریان دولت دعوت نمایند
هرگاه در آن موقع از راه تلطف و مهربانی احترامات او را بموجب شئونات مأموریت آن وزیر
هستند قرار بدهند شاید خلاف میل آن سفیر شده باعث از [illegible] او گردد
و تولید مباحثات و گفتگوهای سخت مابین آن دربار و دولت متبوعه سفیر مزبور نماید

نمایند باین ملاحظه است که پذیرائی آن دربار نه باقتضای حقوق ملل بلکه از راه ادب و صرف
انسانیت در احترامات سفیر فرمانفرمایان تقسیم انها فرق گذارده و بعضی بیش از انها احترام نماید
چنانچه آن از جانب دربار خود مأمور شده باشد و هنگام عبور از آن مملکت قبول [illegible]
رسوم اهتمام بر مراعات بعضی قانون سلطنت احترامات و اتحاد نماید در آن حالت
آن سفیر بوجه حق انتظار و استدعای احترامات و امتیازات مزبوره را ندارد بنابراین هرگاه اجرا
سفیر که دولت او داخل جنگ نباشد بلکه در حالت جنگ قشون فاتح و غالب
مصاف شد اعم از اینکه در خاک دشمن باشد یا در خاک متصرفی آن قشون در چنین حالتی حفظ
احترام آن سفیر بوصول دزدی و لشکری حتم و لازم شمرده اند
چنانکه بعضی از دول مخصوصاً بر خود حتم و لازم شمرده اند سهولت در باب خصوص استدلال هم مینمایند
که در چنین حالت جنگ هرگاه سفیر بدون اجازه مخصوص از خاک دولت آنها عبور نماید [illegible]
[illegible] نمایند یا اینکه فوراً از همان راه آمده است مراجعت دهند ولیکن بزعم ما نمیتوان
این حقوق سیاسی قانون حقه و اصلی صحیح گذارد و همچنین در صورتیکه مابین دولت متبوعه آن
سفیر و سلطان آن مملکتی که از پایتخت آن سلطان گذر داشته و ورود نمی باشد نیز دلیلی [illegible]
آن سفیر نمیتوان شمرد و اگر سفیر مأمور پایتخت دولتی باشد که با آن دولت که سفیر عبور کند
شغل محاربه باشد و این جهت بخواهند او را توقیف کنند نیز دلیلی موجه مخصوص نیست
خلاصه در هیچ موقع و موردی نمیتوان سفرا و مأمورین را توقیف نمود اعم از اینکه با اجازه مخصوص
یا بی اجازه بخواهند در یک مملکتی عبور نمایند خرج باید نسبت بحقوق تعرضی بمأمورین نیست

جمیع سفرا و وزرای صلح طلب عامه در تحت حرمت و حمایت آن دولت است خطا و خیانت
کرده باشند بعضی مستثنیات هم که در این موقع روایت میکنند و نهی ناشی از اینکه
نمی‌سازند (فصل ۳۲ در باب اجازه مرور مداخله شود) از آنهائی دیپلوماتیکی که در حال مرور از ممالک
عرض ملتوی اند متوجه شده با رعایا شرکت بر سر ملاذ از عقب خواهند رسید از حقوق
گمرک و راهداری آن مملکت معاف باشند و اگر کاری بر خلاف عادت مخصوص یا معامله مشهور

۲ اثبات

یا مخل مداخله و احترام از طرف دولی متوسطه در حق سفرا چنین رعایت نشده باشد نیز حقانیت نمیکنند
و دلیلی مشروعیت نمیشود سابقاً بر اتفاق قضا به است در خارج سفرا و در سرحد سفر داده
از جانب دولتی خارجه شده است که مامور شایستت آنها بوده اند ولی امروز این عادت در میان
دول متمدنه بکلی متروک و منسوخ گردیده است و بهیچ وجه مسموع نیست مگر در حق مامورین دول
نفیر یکه نزد چنین دول متمدنه مورث باشد در جستجوی آنها ادیان رفتار خواهند کرد
مگر در صورتیکه عهدنامه مخصوص جهة تفاوت و امتیاز باشد

باب ششم در تشریفات دیپلوماتیک

فصل ۳۲ در خصوص تشریفات عموماً

در هر عهد و زمانی خلایق بتقلید رسوم و رسم آداب و امتیازات بوده اند نظر آداب و تشریفات
و شأن آنها بطور یقین مشخص است که آداب از متمم عادات انسانی بلکه فطری و جبلی
نوع بشر است در صورتیکه میان قبایل و عشایر وحشیه هم بعضی رسوم و تشریفات و آداب
برای رؤسا مقرر است بطریق اولی برای ملل متمدنه بعض آنها منسوب و از قبیل

از قبیل فسانه است چنانکه تشریفات مداخله خواهد شد تمدن مانند دستگاه است که یک
از اجزاء آن نسبت بدیگری متفاوت است و باتفاق حرکت میکنند و باید متوجه شد
که مخلوط یکدیگر نشوند زیرا بدیهی است که احترامات و طاعات و آداب و حمایات
در باب است از تکلمات و بیانات مکاتبات و مراسلات رسیده است
تشریفات معموله باعث استقرار نظم و عدم محکومیت و انقیاد و مانع از جسارت
و بی ادبی مخلوق میشود خلاصه تشریفات قانونی تامه آداب و رسوم است
و حافظ مراتب و درجات بنا بر حقوق و امتیازات حاصله و عادات مستدامه
که نسبت بهر درجه و رتبه تغییر میپذیرد تشریفات را منقسم بچند قسمت کرده اند
تشریفات درباری خارجه که خاصه سلاطین و خانواده آنها است
تشریفات دیپلوماتیک مخصوص احترامات و امتیازات مامورین خارجه است نسبت بدرجه شئونات
و رتبه آنها
تشریفات و مراسمی که تعیین القاب و عنوانات و تشخیص اصطلاحات مستعمله در مکاتبات
تشریفات بحریه احترامات و ادای مراسم در کشتیها در حق سلاطین و شاهزادگان و صاحبمنصبان و جنرالهای
مامور منظور میشود نماید
سایر اداره‌جات از قبیل مذهبی و عدلیه و لشکری و کشوری نیز دارای تشریفات مفیده
میباشند و لیکن در این موقع درج ندارد و آنچه راجع بمقصد و منظور است از قرار تقسیم فوق هیچ
اولاً تشریفات درباری است که در باب دهم مندرج است مطالعه کننده

این رساله را بابت مذکور هدیت میکنیم و خاطر او را قرین امتنان میداریم که آنچه راجع بمعاملات
من سلاطین در هر مراسم و تکلفات است در باب ششم از مجلد دوم این رساله بمطالعه نماید
ثانیاً تشریفات بحریه است که در باب یازدهم همین مجلد است
ثالثاً تشریفات و قنسولگری در باب از مجلد دوم تشریح است و بعلاوه در طی آن مجلد
و مخصوصاً در فصل متعلق بمفاد عهدنامجات در صفحه (۱۱۳) اطلاعات لازمه در خصوص
آداب و رسوم متداوله برای تسویه و تمضیه و امضای نوشتجات دیپلماتی نوشته ایم
رابعاً تشریفات دیپلوماتیک متعلق بباب است که دنباله باب مخصوص بحقوق و امتیازات [۲]

سفرا و مامورین خارجه است جز تشریفات بزرگه نتیجه مستقیم آن حقوق و امتیازات است

فصل ۳۸ در بیان درجات مامورین خارجه و اعتبارات که بر آنها تعلق میگیرد
از زمانیکه ماموریتها متعدد و دائمی شدند خاصه از وقتی که کونگره وستفالی تشکیل شد و [illegible]
سفرای چندین دولت مختلفه القدره و القوه اجتماع نمودند از آن زمان قرار تشریفات
دیپلوماتیک متدرجاً داده شده است
بواسطه اختلاف درجات و مراتب دول معظمه و تفاوت طبقات سفراء و وزراء
و عهدنامجات بین الدول و رسوم و عادات مخصوصه هر دربار در امتیازات و احترامات
مامورین خارجه فرق و تفاوت کلی حاصل گردیده است
مقصود ما آن نیست که شاید هم از عهده بر نیائیم در شرح تشریفات هر دربار از روی
دقت و تحقیق در این جا بیان کنیم بلکه قناعت میکنیم فقط ببیان اطلاعات مختصر
از روی عموماً امروز در میان دول متداول و معمول گردیده

گردیده هر چند ترتیب تشریفات و احترامات منحصراً حق
سلطانی است که سفرا از دول در دربار میشوند معذلک سلاطین نمیتوانند [illegible]
از حدود اصولی که در این خصوص اتخاذ و معمول گردیده تجاوز نمایند
بعلت آنکه اهمیت این تشریفات دلالت شده است و فی الحقیقه غالباً توجه احترامات
سلاطین و ملل هستند لهذا هر قصور و انحرافی در این مورد ظاهر شود بمنزله بی احترامی بلکه
دشنام بدولت طرف مقابل شمرده شده است
هرگاه از جانب پادشاه نسبت بیکی از سفراء بذل تفقد و امتیازی شود مستقیماً بعالم
ماموریت سفیر مربوط باشد و وضع اهمیت حکم و مناصب آنها نسبت بدانان تعارفات [illegible]   نوع [۲]
محبت خاص سلطانی محسوب میشود یا اینکه بموجب معاهده مخصوصه و عادات جاریه
بین الدولتین بوده است
بنابراین قاعده اگر مشاجره و گفتگوئی در این باب ظاهر شود باید سنجیده و تمیز داد در
صورتیکه گفتگو راجع به تشریفات دولت باشد در باره سفرا تعمدی داشته اند و قصوری
در آن ظاهر کردیده است که اسباب تکدر سفیر شده بدیهی است که در این صورت مسئول
دولت است والا در صورتیکه مشاجره و گفتگو مابین خود سفرا برخاسته باشد بهیچوجه بدولت
ربطی ندارد و نباید مداخله نماید سهل است خلاف حزم و احتیاط است
فصل ۳۹ در بیان ترتیب مامورین خارجه بین خودشان   مامورین [۲]
ترتیبی را مامورین خارجه استحکام اقامت در دربار مابین خودشان باید رعایت کنند

هرگز نشده است که از جانب دول اتفاق در باب قسمی دلیل باشند لیکن قرارنامه‌ای که در وینه در
سنه ۱۸۱۵ میلادی فقط در جانب سفرای هشت دولت را در عهدنامه ۳۰ ماه مه سنه ۱۸۱۴ را امضا
نموده بودند مشخص داشته است و اینک ما در اینجا موقع نقل قرارنامه مزبور را خواستند مندرج میداریم

مقصد احتراز از مشاجرات و مشکلاتیکه مابین مأمورین خارجه در خصوص تقدم و تأخیر یکدیگر غالب
اوقات ظاهر گشته و محتمل است من بعد نیز تجدید شود، که و رسای مختار دولتهای امضاکنندگان عهدنامه پاریس
همچنین فصول ذیل را مقرر داشته سفرای مأمورین سیاسی دیگر را نیز بتقلید این قرارداد دعوت
نمایند فصل اول مأمورین خارجه سه طبقه قسمت شده‌اند طبقه اولی سفرای کبار و لگا و سفرای کبار
پاپ که نونس خوانده شوند طبقه ثانی ایلچی‌های مخصوص و وزرای مختار و غیره که در نزد پادشاهان
اعتبار دارند درجه قبول شده‌اند طبقه ثالث شارژدافرها که در نزد وزرای امور خارجه دول اعتبار داده شوند

فصل دوم سفراء کبار و لگا و رسولان پاپ دارای صفت نمایندگی هستند
فصل سیم سفرای فوق العاده تنها بواسطه این سمت یعنی سفارت فوق العاده حق تفوق
و برتری بر سفرای کبار ندارند
فصل چهارم مأمورین خارجه بموجب تاریخ اعلان رسمی ورود خود بر یکدیگر تقدم میگیرند و قبول این نظام
که زحمتی وارد نشده باشد بر دیگر یکدیگر که در ترتیب آن مقدم است) و فرستادگان پاپ از این قرار
داد مستثنی هستند یعنی همیشه مقدم هستند

مقدم شوند
فصل پنجم در هر دولتی بجهة تشریفات پذیرائی سفرا از هر طبقه رسم و طریقه واحده معین خواهد شد
فصل ششم مناسبات خویشی و نسبی و قرابت یا اتحاد و وداد مابین خانواده‌های سلاطین بهیچوجه برای
سفرای آنها نمی‌افزاید و همچنین است مناسبات و اتحاد پولتیکی
فصل هفتم در نوشتجات و معاهدات مابین چندین دولتی که حق تقدم و تأخر مرتب [illegible]
باشند ترتیب امضای سفرای آنها از روی قرعه است قرارنامه حاضر در پروتوکل
(بصورت مجلس) و در نسخ مختار دول هشتگانه امضا کنندگان عهدنامه پاریس در مجلس ۱۹ مارس ۱۸۱۵
مندرج خواهد گردید

محل امضای وزرای مختار

(اطریش) (اسپانی) (فرانسه) (انگلیس) (پورتگال) (پروس) (روس) (سوئد)

میتوان بمنزله خاتمه و تکمیل قرارنامه مزبور گرفت قرارنامه وزرای مختار دول معظمه پنجگانه را
که در سنه ۱۸۱۸ در کونگره اکس لاشاپل و در مجلس ۲۱ نوامبر منعقد گردیده و اینست نص این قرارنامه
چون در خاتمه قرارداد وینه که در باب ترتیب درجات مأمورین خارجه ترتیب یافته است نقطه مهمی
که در اینمسئله محتمل بروز جر و بحث و مشکلات میتوان هنوز از نظر انداخته و متعرض نشده بودند
لهذا مابین دول خمسه چنین قرارداده میشود که درجه وزرای مقیم مابین درجه وزرای مختار و شارژدافرها باشد

(اطریش) (فرانسه) (انگلیس) (پروس) (روس)

در صورتیکه این قرار صحیح فرض شود چنانکه نزد غالب دول نیز پذیرفته و موقع حسن قبول یافته است در مقصود

مأمورین و سفرای بچهار طبقه منقسم شوند

طبقه اولی سفرای کبار دول و فرستادهای پاپ   طبقه دویم ایلچیهای مخصوص و وزرای مختار

طبقه سیم وزرای مقیم   طبقه چهارم شارژ دفر

در کونفرانسهای وسیلهای که مقصود مصالحه بین دو یا چندین دولت بهم باشد مأمورین دولت واسطه و مصلح که مداخلهٔ این امر را پذیرفته‌اند غالب بر مأمورین سایر دول مقدم است اگر چه در رتبه و تساوی سایر دول به دولت واسطه و مصلح مقدم باشد

فصل ۳۰ در باب ملاحظه ترتیب جاهای مأمورین خارجه در مجالس متحرکه

چون در این موقع چنانچه لازمه مواقع دیگر است تفحص و مطلب بعنوان از شرح و بسط صرف نظر کرده با حمایت و ایجاز کلام پرداخت معذلک حتی المقدور در تشخیص آن سعی خواهیم کرد در تعیین جاهای مأمورین خارجه در مجالس رسمیه و کونفرانسها و مهمانیهای آن بنحویکه مقتضی درایت و مناسب آنها نیز باشد طریقه ملاحظه شده است و در تعیین جاهای مأمورین خارجه نیز همین طریقه اتخاذ گردیده است

ترجمه کرده ... [illegible]

شد در تالاری که سلاطین یا رئیس جمهور تخت سلطنتی را مرکز قرار میدهند و در کلیسا و معابد محراب را قرار میدهند و در طاعات مذهبیه قربانگاه مرکز است و در مجالس عزا جنازه است و در میان جمعیت شخصی که بر همه برتری دارد هر جا ایستاده باشد آنجا مرکز است

و بعد از همان نقطه مرکز ترتیب جاهای حضار متفق و شروع میگردد

هرگاه حضور کور دیپلماتیک یعنی مأمورین خارجه در یکی از مجالس رسمیه مقتضی گردد هر یک بر وفق ترتیب درجات که در قرارنامه سنه ۱۸۱۵ وینه مقرر گردیده در سمت راست نقطه مرکز یا که نقطه محترم آن مجلس است قرار میگیرند و در صورتیکه ممکن خارج از این سمت و خط معین تماشا باشد بلدی آنها جاهای مخصوص معین مینمایند شد در کلیسا طبقه بندی و در تماشاخانه غرفه مخصوص میدهند هرگاه دو نفر ایلچی نشسته باشند یا راه بروند جای محترم از راست که در سمت راست نشسته باشد یعنی دیگری در طرف چپ او باشد و هرگاه سه نفر باشند جای محترم وسط است و جای دوم سمت راست و جای سیم سمت چپ آن

اینها که گفته شد در باب ترتیب درجات مأمورین خارجه و تعیین جای آنها درج نمودیم و شرح دادیم کاملاً کفایت بیان حقیقت مطلب را نمیکنند و ما را از ذکر تفاصیل دیگر لازمه و دقت و حقیقت نویسی مستغنی نمینماید پس شایسته است که در چنین مجالس موقته اتفاقی درهم و بی ترتیب نشستن اسباب شلوغی و بی نظمی قرار داده‌اند است چه جمع آنها بطور صحیح دکاری [illegible] صعوبت و اشکال دارد که باید از تو [illegible] و از جای راست وزرای مختار [illegible] و عقد [illegible] و گفتگوئی در کونگره یا کونفرانس اجتماع مینمایند

با مأمورین خارجه یک مجلس رسمی دعوت شوند ترتیب نشستن جای آنها در سر میز بقرار تفصیل ذیل است

در سر میز که تمام اطراف را فرا گرفته باشند (اطاق بهر شکلی و وضعی بخواهد باشد) جای اول
نقطه است که مواجه درب اطاق باشد یا مقابل پنجره لطیفه که درب اطاق بسمت راست
یا چپ باشد و باید دقت نمود که درب اصلی که مورد دخالت است عقب شخص و در جای
اول نشسته است واقع گردد لطیفه روشنائی یعنی پنجره در سمت چپ شخص و در مرکز
نشسته واقع شده باشد شروط اینکه همیشه ملاحظه نماید درب اطاق عقب شخص اول
واقع نشود پس از آن از جای اول شروع کرده ترتیب سایر جاها را معین نمایند
باینطور که جای دوم سمت راست شخص اول و جای سوم سمت چپ باشد و جای چهارم
دست راست شخص دوم و جای پنجم دست چپ شخص سوم و بهمین طریق الی آخر
در حالت ایستادن یا نشستن دست راست محترم تر است یعنی اگر دو شخص باشند ثانی
در دست راست آن شخص قرار میگیرد که تکلیف معلوم نماید

در ترتیب نعیال یعنی وقتیکه چند نفر دنبال یکدیگر راه میروند طریقه های مختلفه پیش گرفته اند
گاهی از کسی که مقدم راه میرود شخص اول است و گاهی متعاقب او است در درجه
دوم واقع است و همچنین تا آخر گاهی جای آخر را اول فرض کرده اند و کسیکه مقدم از شخص آخر
راه میرود در جای دوم واقع شده است و بهمین طریق است تا آخر و در دلخواه
این نوع ترتیب در موقع ظاهرات مذهبیه و اعیاد شرعیه معمول است خلاصه گاهی اوقات
ترتیب یکسان نمیگذرد روی عدد اشخاص معین نمیشود اگر دو نفر باشند کسی که جلوتر است

که جلوتر است در جای اول است و اگر سه نفر باشند وسط جای اول است و جلو جای دوم
و اگر چهار نفر باشند جلو جای آخر محسوب میشود و دنبال آن جای دوم و دنبال او جای
شخص اول است و دنبال شخص اول هر کس میرود در جای سوم واقع است و اگر تعداد اشخاص
پنج نفر باشند وسط جای شخص اول است مقدم بر او دوم و دنبال او جای سوم و بهمین منوال است
تا آخر

در ترتیب اندرال یعنی وقتی که چند نفر پهلوی هم صف کشیده باشند جای اول گاهی نقطه
آخر از سمت راست یا چپ است و در اینصورت جای دوم آنست که بلافاصله
بعد از اول است و بهمین ترتیب جای سوم و چهارم می آید گاهی هم نظر روی عدد اشخاص در جاهای
مختلف داشته باشند جاها را مشخص میکنند مثلاً اگر عدد اشخاص از دو تجاوز نکرده باشند
طرف راست جای اول است و اگر سه نفر باشند هر کدام معتبرتر است در وسط قرار
میگیرد و پس از او دست راست او معتبر از دست چپ است و جای دوم
محسوب میشود و اگر چهار نفر باشند جای آخر از طرف راست جای دوم است
و پهلوی آن جای اول و جای آخر از طرف چپ جای چهارم است و پهلوی آن
جای سوم و اگر پنج نفر باشند معتبرترین آنها در وسط قرار میگیرد جای دوم دست راست
و سوم دست چپ او و جای آخر از سمت راست چهارم و از سمت چپ
پنجم است و بهمین نهج از نقطه محترم یا از شخص وسطی شروع کرده بطرف راست و چپ
میروند و عدد اشخاص هر چه باشد جای آنها را معین مینمایند

در صورتیکه چند نفر از دولت صاحب یک مرتبه و مقام باشند یا شأن و مقام ایشان در زمان حضور
ممکن بحث و گفتگو باشد سفرای آنها در ممالک خارجه گزیر از ملاقات بهم در مکانی باشند
در جشنهای بخصوص چاره جوئی و راه حل سئوال کردید رفع اشکال تمنه سوزنیسند
از بحث جره ساکت نماید شعائر اظهار و اعلان نمیکنند که در عنوان مجلس بر جای
بمنزله جای خود فرض کرده اند و تقدم و تأخر موقعی ضروری تحقق نمیکند اختیار نمیشوند
یا اینکه قرار میدهند که آنها نوبت تغییر میکنند یعنی هر مرتبه در جلسات دیگران
آنها از روی حروف الفبا یا از روی طول مدت سلطنتشان یا از روی قرعه یا از روی
تاریخ مأموریت یا تاریخ سفرای آن مملکت در هر نوبت یکی از این نسبتها را
تغییر میدهند

هر سفیر در دربار دیگر رسمی در منزل خود سفرا پذیرائی باید بهمه درجه مستند به حق تقدم میدهد
جاهای محترم که عبارت از دست راست باشد نیز بآنها میدهد هر چند برعایت
شئونات سلطنتی چنانچه مسئله خصوصیت و رسمی ملازم است سفرای طبقه دوم
در دربار دیگر طبقه سوم سفرا از این قبیل احترامات را کمتر منظور میدارند اگرچه این
چنانچه در دربار دیگر اتفاق و تمیز شده سفرای کبار در زمان در دربار دیگر بطور رسمی تعهد
نسبت بزرگترها از این قبیل احترامات را بر ادراک رعایت نمیکنند

فصل ۴۱ در بیان مرتبه و مقام سفرا نسبت باشخاصیکه در حال ولیعهدی یا در ابتدا
اعتبار یافته اند و یا اعضای خانواده سلطنت

سلطنت تاجداره و دعوتشان و تقدم مابین سفراییکه نزد سلطانی با اقتدار
یافته اند یا وزرا و در حال حالت آن سلطان مرتفع در ابتدا میگردد از روی درجه و روابط
حاصله بین حال مفتوحه آنها با آن حالت و یا از روی عادات و رسومات آن مملکتی
اگر تواریخ دیپلوماسی از این قبیل مشاجرات و مباحثات متعدد و بسیار درج نموده لیکن
امروز هیچیک از حال متوسطه تحمل و تکلیف خواهند در مسکون درجه های بزرگتر و سلطانی از دولت
تقدم بیابد حال مورد شک در دعوی سلطنت ضد جمهوری مشتقه تا آنکه پس از کبوتر
امپراطورها و اعلیحضرتهای همیشه تقدم بر سفرای کبار داشتند در باب تقدم و تأخر آنها بر سفیر اعیان
خانواده های امپراطوری و سلطنتی قراری مخصوص و رسمی داده نشده

فصل ۴۲ در باب پذیرائی مأمورین خارجه و پذیرفته شدن سفرای کبار در سلام
اختلاف در عادات مأمورین خارجه و عهدنامه جات و قرار نامجات و عادات درباری
در آداب پذیرائی رسمی سفرا تغییرات و اختلافات کلی داده عموماً در این باب رسوم رسمی
دستمی کرده از این قرار است

اینجا در نسخه اصلی سه سطر سفید است
به در نسخه اصل هم سطر
از این خالیه

سفرا از هر درجه و رتبه باشند بمحض وارد دربار شدند اولین تکلیف آنها این است که ورود خود را
مستقیماً یا توسط دیگری بوزیر امور خارجه آن دولت اطلاع بدهند
در صورتیکه سفیر از درجه اول باشد ورود خود را توسط نایب سفارت و اگر نایب نباشد
توسط نایب دوم اطلاع میدهد و در همانوقت نایب سفارت صورت اعتبارنامه

سفیر را بوزیر امور خارجه اطلاع داشته برای رفتن سفیر بحضور اشاره و وقت میطلبد سفیر

درجه دوم نیز بهمان ترتیب ورود خود را نزد وزیر امور خارجه اعلام میدارند ولی غالب

اوقات بیان جاری شده که کتبا اطلاع میدهند و در بعضی جاها توقع مینمایند که تسلیم

اعتبارنامه از سلطان تحقیق اجازه حاصل نماید صورتی هم از اعتبارنامه در موقع ملاقات بجهة وزیر

امور خارجه بعلاوه میسپارند

پس از آنکه ورود سفیر بنحو مذکور اعلان شد و از طرف وزیر امور خارجه رسم تعارفات معموله

بعمل آمد سفیر در حضرت سلطانی پذیرفته میشود موقوف قبض رسم و قانون مملکت

به قرارهای دیگر است و سفیر یا در سلام عام پذیرفته میشود یا سلام خاص

در حال ستیزه اروپ آداب پذیرفته شدن سفیر کبیر رو دوش تا در حضور پادشاه

در هیچ وقت یا بکلّی مرخصی اندک تفاوت و اختلاف دارد و آن از این قرار است

مقدم السفرا در روز ساعت مقرره با شوکت و جلال تمام در یکی از کالسکه‌های پیشکش

اسبه که بعمارت رفته سفیر کبیر و در آن کالسکه نماینده خویش در مقابل او قرار میگیرد

و کالسکه بعد همه با هدسته سوار متعاقب آن تا عمارت سلطانی میروند

اتباع سفارت نیز در کالسکه‌های شخصی خویش از دنبال کالسکه سفیر میروند کالسکه سفیر را

هم شش اسب بسته است خالی و بعد فاصله دنبال کالسکه پادشاهی میکشند همینکه داخل

حیاط مبارک سلطانی شدند در اینجا تشریفات نظامی بعمل می‌آید قراولان سلام

میدهند و وزرات میزنند به در عمارت که رسیدند سفیر پیاده شده در اینجا

در اینجا بعضی از رجال دولت او را استقبال مینمایند مقدم السفرا جلو و اتباع سفارت از عقب

او از پله بالا میروند و آن پله‌ها را طی میکنند تا در بزرگ اطاقی که در صدر آن تخت

سلطانی (سریر تخت و وزیر ترتیبی در جلوی آن بردن تخت سلاطین را نامند است) در حالت قعود

و خواه قیام شاهزادگان و خانواده سلطنت و صاحبمنصبان بزرگ و محترمین رجال دولت در اطراف

او قرار گرفته‌اند سفیر با اتفاق جمیع اتباع سفارت داخل شده نزدیک سلطان تعظیم شرعیه بجا آورده

سلام میدهد سلطانی را جواب داده و در آن حالت سر خود را میپوشد سفیر هم اشاره میکند

سر خود را بپوشانند و نشسته سفیر در جائی که معین کرده‌اند نشسته سر را میپوشاند و خطابه سلام را میخوانند

همینکه در خطابه ذکر اعتبارنامه شود همانا اعتبارنامه را از دست نایب اول سفارت گیرد

گرفته بسلطان عرضه داشته بدست وزیر امور خارجه میدهد عادت بر آن جاری است که نطق

رسمی با بیان فرانسه باشد همینکه تمام شد سلطان جواب میدهد و پس از ادای سفیر برخاسته

کلاه را از سر برمیدارد و بهمان ترتیب که آمده بود مراجعت میکند و چون از حضور سلطان بیرون

آمد او را با همان تشریفات و تجملات بمنزل خود میرسانند

و همچنین رسم است همین که سفیر از حضور سلطان بیرون آمد نزد حضور ملکه و ولیعهد و سایر

اعضای خانواده سلطنت میرود و شاهزادگان خانواده کان جواب خطابه سفیر را بکفایت

میدهند یا توسط پیشکار خودشان اگر در جمهوریها رئیس جمهور که تشریفات در اول سلام

رسمی یک بار ترتیب داده‌اند قضایا قرار از مخصوصه و عادات آن مملکت تغییر مینماید

لیکن پوشیدن سر و حرف زدن نشسته از امتیازات مسلمه ایشان است

در ممالک مشرق سفرای کبار و بعضی طبقه دوم هم اعتبارنامه به صدراعظم تسلیم میدهند بعد عین اعتبارنامه سلطان را
و شارژدافرها در ملاقات رسمی فقط اعتبارنامه به صدراعظم تسلیم مینمایند

فصل ۴۳ در باب پذیرفتن سفرا در سلام خاص کمتر از سلامهای عام منظور میشود و باید
دانست که سفرای درجه دوم یعنی وزرای مختار در سلامهای عام کمتر پذیرفته می‌شوند
سلام خاص در باب الدوله ملحوظ میشود سفیر بدون هیچ تجمل بحضور میرود و سلطان او را در اطاق تنهائی می
پذیرد خواه وزیر امور خارجه حاضر باشد یا غایب همچنین اگر کاغذ معمولی سفیر که آورده علیحده با
خود سلطان هم در اول وقت صورت آن تقدیم شده بود بدست سلطان میدهد اما
در باب سفرای درجه سیم یعنی وزرای مقیم در هر دولتی رسم تشریفات تفاوت است بلکه بحسب اختلاف
در روابط مخصوصه بین دو دربار نیز تشریفات و تجملات آنها تغییر مینماید
عادتکار اینکه هنگام ورود در حضور سفرا با سلاطین ملاقات مینمایند در مدت توقف
و مأموریت شان نیز گاهی اتفاق میافتد که ملاقاتهای حضوری میکنند مثلاً وقتی سفیر بخواهد مراسله
مخطط ولینعمت خود ابلاغ کند یا نشانی از دولت متبوعه او بجهة سلطان فرستاده باشند
یا در یک مطلب فوق العاده مأموریت مخصوص داشته باشد یا اینکه بخواهد از طرف سلطان خود تبریکات
یا تهنیتی به پادشاهی که نزد او اعتبار یافته بگوید

فصل ۴۴ در باب دید و بازدیدهای رسمی
عادتکار اینکه سفیر قبل از سلام سلطانی با مأمورین خارجه ملاقات شخصی نماید آداب و میل بمقتضی
الفت و پس از سلام سلطانی نیز مجدداً از مأمورین خارجه بمقتضای آن دربار دیدار رسمی بعمل دارد

بیاورد تا خود بود رسانیده تا بنهاد سفرای که بهر یاشد بدیهی است دولتی که دید و بازدیدها ملاحظه
شان سفیر و ولینعمت او در رعایت آداب و رسوم مملکتی کرده میشود و مادام در این قسمت دید
و بازدیدها بعمل نیامده باشد سفرا بسمت رسمیت شناخته نمیشوند
همینکه سفیر کبیر بحضور سلطان رفت برحسب عادت روز دیدن سفرای خارجه و وزرای دربار
حالت و همچنین وقتی که در تحریرات مملکت نیستند بهر جهت تغییر داده حاضر شوند در اوراق
اعلانی و روزنامه‌جات نشر میسازد
سفرائی که از بعضی طبقه سیم و چهارم بازدید نمیکنند و فقط کارت میگذارند مگر در موارد شخصیه
تنقیص شود بخلاف در بعضی درجه دوم و سیم با استثنا از جمیع سفرا که قبل از آنها اعتبار یافته
باشند رسماً دیدن نمایند
پس از آنکه سفیر کبیر در حضور سلطان پذیرفته شد وزیر امور خارجه از طرف خود و هم از جانب
سلطان از او دیدن میکنند فی الحقیقه بمنزله آنست که از جانب سلطان بازدید کرده
باشد چون سلطان شخصاً نباید بازدید کند
سفرای درجه دوم بعضی حال معتبره پس از ورود از شارژدافرها دیدن نمیکنند
و نایب‌های سفارت دایمی خود سفیر هستند و چنان نماید که منتظر شوند شارژدافرها
در رسم دیدن دیدن سبقت گیرند این قسم مباحثات جزئی بالاتفاق اسباب
برودت و مشاجرت میشد در حق سفرای کبار که حقوق آنها مسلم بوده و هست
حالا در همه جا موقوف گردیده و هر سفیری که وارد می‌شود همین که از حکمش هم شان

خود دیدن کرده بعضی لقه در دیدن شارژدوفرها نیز سبقت می‌نماید

در خصوص بعضی تشریفات و اکرامات که گاهی در دید و بازدید رسمی مابین سفرا
و رجال دولت ظاهر میشود میباید همیشه موافق رسم و عادت آن دربار رفتار
کرده مطیع قرار دول متبوعه [illegible] شد

فصل ۴۵ در باب خطاب جنابی

موافق اصول و احکام وسیلهٔ خطاب جنابی در حق سفرای کبار تخصیص شده و جز
سلاطین هر کس به آنها طرف باشد این خطاب را شفاهاً یا کتباً به آنها میدهد
چنانچه بعضی از وزرای درجه دوم یعنی وزرای مختار بخطاب جنابی خوانده شده باشند نیز از باب
شغل و منصب وسیلهٔ تمکین آنها نیست بلکه عنوانی است فقط از مناصب نظامی و غیر نظامی آنها باشد.
چنانکه در غالب دول اروپا این خطاب به وزرای دربار و مارشالها و امیرالها
و سرتیپهای اول و شخصهائیکه دارای مشاغل معتبره ملکیه جلیله باشند داده میشود

فصل ۴۶ در باب بعضی امتیازات مخصوصهٔ سفرای خارجه

قبل از بنای مأموریتهای دائمی رسم چنان معمول است که در ورود سفرای کبار به دربارها
یا هنگام عبور از شهرها عرض سلام به اسم آن حکام و تشریفات را از جانب پادشاه
خود بعمل می‌آوردند در حق آنها نیز معمول میداشتند اما امروز گذشته از بعضی سفرای
عثمانی بسیار نادر است که سفرای دیگر متوقع و منتظر این قبیل احترامات باشند
تشریفات ورود دیگر موقوف شده لیکن هر وقت سفرای کبار از دریا وارد

وارد شوند از قلعه‌جات کنار دریا رسم سلام بعمل می‌آید چنانکه در باب یازدهم متعلق
به تشریفات دریائی شرح داده خواهد شد احتراماتیکه بالاستثنا
منحصراً بسفرای کبار [illegible] تعلق میگیرد از این قرار است

اولاً رفتن با کالسکهٔ شش اسبه
ثانیاً رسم احتفال احترامات عسکریه
ثالثاً داشتن چتر و [illegible] برای خودشان
رابعاً حق پوشانیدن سر در حضور سلطانی در نزد او اعتبار یافته اند

هیچ سفیری حق ندارد از دیگر سفرا که با او هم درجه و هم رتبه باشند علاوه تقدم حقوق
درباری باشد جز آنکه بموجب عهدنامهٔ مخصوص در حق آنها [illegible] فرقی داده
شده باشد غالب دول معظمه در حق سفرای درجه دوم تشریفات زیاد قرار
نمیدهند بخلاف دول متوسطه کوچک از جمله دول آلمان در احترام سفرای درجه دوم
نیز خاصه که از جانب دول معظمه مأمورین را منظور نمیدارند
عموماً عادت بر آن جاری است که در عیدهای بزرگ و مجالس رسمیه سفرا از هر لحاظ
خانه‌های خانوادهٔ سلطنت اولین جای بعمل مأمورین خارجه میدهند
جمیع سفرا بلااستثنا در شب عید دربار دعوت و پذیرفته میشوند نواب سفارتخانه‌ها
نیز در این امتیاز شریک و بهره‌مند هستند
فقط مخارج سفرای کبار و مأمورین فوق‌العاده را از مورد تنبیه و غیره باشند گاهی

حاشیه: ... در فصل ۵۰ ذکر آن است ... سفرای کبار در ... مطبوع ... حقوق ... باشند ... طلب نمیکنند ... در عید ... رسمی ... [illegible]

دولی که آنها را عیسوی مذهب نمی‌شوند

مأمورین خارجه حق دارند در صورت علامات و نشان دولت متبوعه خود را بالای در ورودی
درب اصلی عمارت خودشان نصب نمایند

فصل ۴۷ در امتیازات و نشانها و تعارفاتی که بمأمورین خارجه میدهند

همین که معین در دربار دولت زمانی ثابت نمود خاصه که مأمورین در عقد مسئله عمده
و انجام مهمی بوده باشند و بخوبی از عهده برآمده باشند یا اینکه برای ابلاغ تهنیت
و القای رسم مودت آمده باشد در چنین موارد قرار چنان است که از جانب سلطان
چیزی که علامت رضامندی و خوشنودی باشد هنگام مراجعت آن سفیر اعطا میگردد
و چنان رسم شده که سلطان یکی از نشانهای دولت خود را با تعارف دیپلوماتیک
میدهد و آن تعارف غالباً عبارت است از یک قوطی توتون که صورت
سلطان در آن نقش شده باشد یا علامت اسم سلطان را از برلیان در روی آن
نصب نموده باشند

سفرا بجهت استعمال نشانهای دول باید از دولت متبوعه خود تحصیل اجازه نمایند
دول جمهوریه نظر بملاحظه که در احکام ملت دارند همه وقت این اجازه را نمیدهند

فصل ۴۸ در باب ترتیب رسمی سفارتخانه‌ها

عدد اجزا همیشه بنسبت درجه و رتبه رئیس سفارت است ولیکن همیشه بدو صنف
تقسیم شده‌اند صنف اول منشیان و نواب اعم از اینکه نایب سفارت کبری
باشند یا سفارتهای دیگر و آتشه‌های سفارت و دفترداران و خزانه‌داران
و کشیشان مخصوص سفارتخانه‌ها این اشخاص اجزای رسمی سفارتخانه‌ها شمرده میشوند
و بهمین جهت است که سابقاً نیز ذکر کردیم که در مصونیات دیپلوماتیک شریک
هستند صنف دوم نویسنده شخصی سفرا و صاحب‌منصبان عمارت و نوکرها
که بهیچ وجه اجزای رسمی سفارت شناخته نشده‌اند ولی چنانکه در فصل ۴۹ ذکر
شده آنها نیز در حمایت حقوق ملل هستند

همین که در فرانسه مابین نواب سفارت تمیز داده و آنها نیز نایب اول و دوم هستند
این قرارها در غالب دول نیز پذیرفته شد (باید دانست در این فرق فقط
مابین نواب سفارتهای کبری و وزرای مختار است لاغیر)

موافق قرارهای عمومی در صورتیکه سفیر معتمد بسفر رفته باشد میتوانند نایب سفارت را
بسمت شارژ دفر موقتی بوزیر امور خارجه آن دولت معرفی نماید بشروط اینکه از جانب
دولت متبوعه آن سفیر نیز تصویب و تصدیق کرده باشند
فقط در دولت انگلیس رسم است همین که سفیر کبیر موقتاً شغل خود را ترک میکند نایب
اول آن سفارت بالا رتبه وزیر مختاری میرسانند
مادام که منشی سفارت بلقب وزارت نایل گردیده است پیش از نایب اول همیشه بودند
متوقع امتیازات و احترامات بیشتر مقصود منشیان رسمی و اجزا هستند نه نایبی در فقط
والا لقب منشیگری باشد

در صورتیکه سفیر و وسایط عدیده‌ای نمی‌توانند شخصاً در کنفرانس حضور بهم رسانند می‌توانند
یادداشت و لایحه‌ای را امضا کرده اند توسط نایب خود در مجلس کنفرانس عرضه دارند
ولکن هرگاه آن نایب بخواهد در کلیه امور متعلق بآن سفیر دخالت کرده و مطلقاً
جانشین و قائمقام او باشد محل حرف و تأمل است اگرچه حتی از وقت شارژ دافرهم
وزرا فر بعضی شارژ دافر بوقته او معرفی و پذیرفته هم شده باشد نایبان سفارت
مخصوصاً مکلف هستند در مخابرات شفاهی سفیر را با وزرای امور خارجه آن دولت و دیگر
سفرای دول در دربار تأسیست دارند اطلاع نمایند و مراقب ثبت و ضبط دفاتر
سفارت باشند و آنتشه‌های مزبوره را حاضر و مرتب کنند و نیز یادداشتها و مراسلات
که گاهی از جانب سفیر [2] بسفرا مقیم و یا بروسا ارکان آن دولت صادر میشود
مسوده کنند و همچنین تکلیف آنهاست در صورت مجلس محاکمه را بنویسند
اعلان نامه‌ها را هم ضبط و ثبت تصحیح کنند و اسناد دیگر که اهالی مملکت خود الزام آن
حاضر سازند و تصدیق نمایند در باب سلوک و رفتار آنها بپرسند و نیز تذکره
امضای رسمی نمایند هرگاه در آن سفارت دفترداری باشد این تذکره و امضای آن
تکلیف دفتردار است هر قدر رتبه اجزای سفارت و مقام آنها رفیع‌تر باشد چون
جزو سفارت هستند تکلیف آنها اطاعت و کمک کردن بریاست سفیر
در جمیع امورات متعلقه بسفارت و مأموریت او

فصل ۴۹ در باب اجزای غیر رسمی سفارتها

در باب

در باب معاف بودن از محاکمات دیوانخانه محلیه اشخاصیکه از اجزای رسمی سفارت
شمرده میشوند منشی نویسنده شخصی و صاحبمنصبان عمارت و نوکرهای شخصی
سفیر دارند و در باب اینکه هرگاه یکی از آن اشخاص متعه دولت متوقفه سفیر باشد و در خارج
سفارتخانه مرتکب تقصیری شده باشد آیا سفیر حق توقیف و دعوت او را بمملکت خود
دارد که در محاکم آنجا محاکمه نمایند این فقرات که در فوق ذکر شد غالب مصنفین تصدیق نموده
و مسلم نموده‌اند و لکن بعضی از اینها در سفیر دولت که میگویند اختلافات سفیر و در جاده اهل د
اطراف او ملاحظه نشد باید ملاحظه کرد والا امور در تعطیل خواهد داشت
اگرچه ما در این باب کشف و ایرادی داریم و عقیده مصنفین مذکور را چنانچه باید ولی
بعقیده ما میگوییم در این مسئله چنان خالی از اشکال و عیب و ایراد و دقت چه هرگاه
این صاحبمنصبان و نوکرهای سفیر گفتگویی نموده و کار کنند با احترام و حرمت سفیر
بموجب حقوق او فرق و تمیزی داده نشود خللی و نقصانی در سلوک و شرف امور سفیر روی
نخواهد داد پس هرگاه یکی از احترام نسبت بسفیر تقصیری برخلاف قانون کرده باشد تعاقب
سفیر نسبت بحال او و حکم در جزا که بشرف و شوکت ملت و همچنین بنظر آن سفیر لازم است
قرار دارد که از محاکمات این جسته این اشخاص گردد علی الخصوص اشخاصی که بموجب قرار دارند
اهل مملکت او باشند و بنظر ما نسبت برعیت دولت متوقفه که مختلف از محاکمه و شبهه
چنین اشخاص مانع باشند و چون مسلم نموده‌اند تمیز و مقام سفیر و هر آنچه حال
جمیع مستحقان و اطراف او باشد عهده دار حتی مدعی ملاحظات لازمه

و احترامات بدرجهٔ اولی منظور داشته چنانکه در فصلی نیز ذکر کردیم مادام که سفیر آن تقصیری
از حد خود خارج نکرده باشد بهیچ کلمه و نسبت باو اهانت نکنند

فصل ۵ در باب قنسولها

عمال دولت و وکلای سفرا در مملکت اجنبیه قنسولهای آنها باشند نیز در طبقات سفیر سرکنسول هستند
اما نه چنانکه شخصاً متمتع باشند بدلیل آنکه اینها رسماً از اتباع سفارت محسوب نمیشوند بلکه
بواسطهٔ عهود و شروط خارجی و مقتضیات عادت مخصوص بتوسعهٔ تجارت سفرا یا شهبندران خارجی
بستگان آنها نیز میشوند این مسئله در بارهٔ قنسولهای آنها مقرر گردیده است
بهمین جهت است که وکلای سفیر در زیر رقابت باو داشته باشند از تجارت و اختصاصات
و [illegible] بی بهره هستند جز معافی از تکالیف محقه

در مجالس دربار و مواقع دید و بازدید رسمی و اعیاد و غیره جزو کلات و تقدم زبان سفرا
بر سایر زبان رجال دولت و مامورین خارجه بهمان نسبت رعایت میشود و ما پیش تر از آنها
ملاحظه شد تشریفات و آداب دربارها بدرجهٔ تغییرپذیر هستند در این جا
تحقیقاً نمیتوان نگارش داد ولیکن مختصر معلوم میدارم در مجالس ایران طرز [illegible] تا
(طامورها) غیر صاحب منصبان جا بسته و بیشتر مخصوص زبان سفرای کبار است

فصل ۱۵ در باب چاپار

هر چند که تبادل و مراسلات دربارها با مامورین خارجه در تحت حفظ و امنیت و حقوق اهالی است
لیکن در بسیاری از مواقع صرفهٔ دولت اقتضا میکند در مراسلات آنها مستقیماً و جداگانه

و چاپک ترا از پست معمولی ارسال کرده لهذا برای همین مقصود قرار داده اند چاپار
مخصوص روانه نمایند در مقام صلح و سلامت شخص چاپار باید محترم داشت و نقض مکاتیب
و ضبط نوشته جاتی که او حامل است قویاً ممنوع میباشد و نیز هر قسم بی اعتنائی نسبت باو
ظاهر گردد خواه در مملکتی باشد که سفیر مقیم است و خواه در ممالکی که عرض راه است در حقیقت بمنزلهٔ
آنست که مانند بی اعتنائی در حقوق اهالی آن ناحیه باشد لکن در صورتیکه از خود آن سفیر نسبت بحقوق
اهالی خیانت و بی حرمتی ظاهر شده باشد یعنی شخص سلطان یا نسبت بنیت دولت تقصیراً
ازو تقصیری سرزده باشد و یا محرک تقصیر دیگران شده باشد چنانکه در حق چاپار تقریر کرده
در چنین حالتی ممنوع نخواهد شد از آنکه نوشتجات او ضبط و برای کشف گناه تفتیش و تجسس بعمل
آید و در صورتیکه دولت مراقبت بعهده خود گرفته و با مامورین دول خارجه معاهده
اتفاق زیارت عطا کرده باشد نمیتوانند تجهیز روز فتنه و فساد کرده دولت هم مانند اهالی مملکت
وجود خود را در معرض خطر دیده حکم مدافعه همه قسم اقدامات در دفع دشمن بعمل خواهد آمد
برای اینکه چاپار شناخته شود و نسبت باو بی اعتنائی واقع نگردد لازم است علامتی
مانند نشان و غیره بر خود نصب کند نمایان باشد علی الخصوص [illegible] کرده‌اند باید صحیح
و جمیع صفات در او مندرج باشد برای تسهیل و تسریع حرکت چاپار غالب دول
کالسکه او را در سرحدات از تفتیش و تجسس معاف داشته اند از این جا معلوم میشود
که بچه درجه [illegible] و مهم [illegible] است بعضی از آنها اشیائی را که قدغن است در کالسکه خود
گذارده برای خود نتایج [illegible] خاصی نمایند و گاهی نیز کالسکه چاپار را از [illegible] رسم معاف داشته

و فقط با کلیدهائیکه در دست عده معدودی مأمورین است از تفحص و تجسس معاف داشته اند

هرگاه در حالت جنگ در باب امنیت چاپارها بین دول قراردادی منعقد نشده باشد حق
دارند چاپار یکدیگر را گرفته نوشتجات آنها را ضبط نمایند و بهمین جهت است در اغلب
و حالت صلح از ارسال مکاتیب و چاپارهای دولتی تخلف نکنند

در صورتیکه برای این خدمت نخواهند چاپاری مخصوص بگمارند ممالک بزرگ آنرا از مستخدمین
نظامی یا غیر نظامی منتخب می نمایند سفارت و احیاناً در صورتیکه سفیر یکی از صاحب منصبان
معتبر نظامی باشد از گماشتگان امین و محرم نوکرهای شخصی سفیر را نیز و آنها را در تذکره
این قسم معرفی میکنند (چاپار حامل ریش)

گاهی نیز برای صرفه جوئی وزارت امور خارجه ممالک خارجه از گماشتگان وزارت خارجه امور چاپاری میشوند

باب هشتم در تکالیف و مأموریت مأمورین خارجه

فصل ۵۲ در تکالیف مأمورین خارجه

اولین وظیفه سفیر که تحت عنوان اعتماد دولت بریاست مأموریت دیپلوماسی انتخاب میگردد آنست
که بواسطه روابط حسنه بین دو دولت انتظارات کامله حاصل نموده و وضع حالیه امور
سیاسیه تسویه و اداره آن بعهده مأموریت او موکول است ملاحظه کند برای تحصیل
بصیرت و وصول این مقصود بسیار قبل از وقت نوشتجات مأمورین سابق را در دفاتر
وزارت امور خارجه ضبط است مطالعه کرده از مراسلات تکثیر مقصود از تذکار نوشتجات
غیر رمز است) در باید دنبال کند و از مسائل پولتیکی و تجارتی و از صفات

و از صفات و عادات سلطانیکه نزد او روانه میشود و رجال دولت که در دربار
او قدرت و نفوذ امروزی دارند و اعضای شورای آن مملکت و از چاره و وسائل تسهیل مراودات
و از مخاطرات و مشقاتیکه ممکن است تصادف کند و اطلاعات کلیة از طرز و طریقه انجام
امورات و مهمات سیاسیه بوجه احسن تحصیل بصیرت و خبرت نماید و چنانچه در بعضی
مسائل راجعه به تشریفات گفتگو و تخفیف خواسته باشد نوشتجات مأمورین سابق او را
هدایت نموده در اجراءات راجعه بخود بصیرت داده[2] تشبیه خواهد نمود و یا تخفیف
و از ملاطفات و امتیازات و عطایائی خیلی که وارد و ضیافتی در نفس روابط و اتحاد تعیین
باشد احتراز نماید

[2] و دوزار

چون سفیر بنحو مذکور از امور اساسیه و عالیه استحضار یابد در حقیقت تعلیمات و تعلیمات او قبل از حرکت
وسائل توضیحات مذکوره تکمیل گردیده است و کلیتاً راهی که برای انجام مقصود
باید طی کند ساخته و حاضر شده است

در صورتیکه سفیر از وقت اطلاعات کم بهره باشد بس است پس از وضع تصمیم بمأموریت اکتفا لازم بفوریت
حال خارجه و با دولت متبوعه خود تمجید و تعارف نموده در خصوص رسوم و آداب شرفیابی بحضور سلطان
و دیده و باز دید در پیش شور نموده بصیرت حاصل کند چنین تقریباً در هر دولت هر دربار
رسوم و تشریفات ثابتی دارند و سفیر هر تقاضا خلاف صرفه و صلاح دولت او باشد
سلطنتی معمول و متداول در هر سمانی در ورود بدربار معمول شده است مراعات در رفتار نماید
فی الحقیقه منصب و شئونات خود سفیر در رتبه و مقام و شخصیت او تعیینات در دیوان مورد دلالت آنست

اورا بوضع رفتار و سبک کردار از امور سیاسی خواهند نمود

امور ملکی خصوصیت از جانب آن امور نسبت بوزرای امور خارجه آن مملکت بعضی بر آید خواه
مربوط باشد از تشکیلات سفارت و ورود خود یا اطلاع بر هر دو خواه خود او مستقیماً و خواه بواسطه
در صورتیکه سمتی در آن مملکت داشته باشد

امور باید روزهای اول خود را بمطالعات و دقت صرف نماید که فی الحقیقه روزهای اول مخصوص ساختن
و بصیرت حاصل شخص است در باره طرف رجوع خواهند بود چنانکه دیده و بارها دیده شده روزهای
اول که مدت خیلی کم را در خود صرف نماید هر چند از حیث حسن ادراکات قبل از وقت
بصیرت امور را عادت نماید لیکن فقط هوش طبیعی کافی نیست بلکه تجربه نیز لازم است کلیه
کسی که نیز امور خارجه را لازم میگردد و چون استعداد خوشان را به معاونت تجربه قوت دهد کافی
دهنده ... فوراً اشخاص را سنجیده قدر هر کس را باندازه استعداد و لیاقت او شناخته
حقیقت و باطن را از صورت و ظاهر تمیز بدهند

همیشه امور خارجه باید در نظر داشته باشند در تکلیف آنها در هر موردی تشخیص تکلیف سفیر بمصلحت است
لهذا باید ساعی و واقف در حفظ سلامت و استحکام روابط دولتین متبوعه بوده بجا آورند بدیهی است
که هر گاه زبان سفیر بملاحظات عادت داشته و با ملاحظه گفتگو نماید و خود را محبوب القلوب کند
بیشتر اسباب پیشرفت امور خواهد بود هر گاه ما بین دو دربار برودتی ظاهر شود سفیر در رفع
آن اهتمام نماید و ضد ... نسبت بدولت متبوعه او رسیده باشد تصحیح کند و تکالیف
خودرا به ... حاضر دارد
سفیر

سفیر باید ملتفت این نکته نیز باشد که اشخاصی که طرف رجوع هستند او را دائم سهل القبول
بجا نیاورند و ... تکلیف را بدو وارد کنند و بتوانند از عهده برآید در صورتیکه سفیر تحت کفایت
و اقدامات خود بیشتر از رفع برودت حاصله و دوری و تجدید الفت و مودت ...
الحقیقه نسبت بولی نعمت در نظر خود خدمت بزرگی کرده باشد مانند آنست که در طب
بعضی مخصوص امور دیر اکره و انجام آن مهم است بخوبی انجام داده باشد

بعلاوه جلب اعتماد خلق از شرط عمده پیشرفت امورات سفیر است در صورتیکه خود را طوری معرفی نماید
که از روی اعتماد و بی تعصب او یقین بر صدق او حاصل گردد هر کس بجودت و هوش معروف
شد لابد در امورات با ملاحظه و تأنی رفتار کند تا حریف را مشتبه نکند اگرچه این
دو فقره فی نفسه مانع پیشرفت امورات است

خیره ... در حالت برودت مابین الدولتین مأمورین خارجه بتکلف هستند
با اینکه هیچ چه از احترامات سلطانی در نزد او اعتبار یافته اند نگاه ... و بهمین جهت است که گاهی
خارجه با پادشاهان و خانواده های سلطنت در جشن و شادی و هم و غم شریک باشند
چنانکه در کتب ... حکایات ... نیز امثال عدیده مشروح و مسطور است ... قصور
احترامات و ترک آداب و تقلید ... سفارت در برودت ما بین دو دولت ...
محض اینکه سفرای خارجه بعضی تکالیف را در حرکات تملق و تشریفات ... تقاضا ...
بجا نیاورده ترک داشته اند و یا اینکه قبل از وقت از خیالات ... در حق
خودشان غفلت ورزیده دولت را ... ملزم ... چاره و ممانعت ...

علاوه بر تکالیف عمومی که تخلف از آن بهیچوجه جائز نیست گاهی اقتضای ترویج تکالیف دیگری نیز می‌نماید
که مخالف و مغایر وضع عادی است در این صورت سفرای خارجه علاوه اتباع آنها نیز بر سر اقدام
آن تکالیف و احکام آنها مناسب شغل و مأموریت آنها نیست یا مخالف قوانین دولت
متبوعه یا ضد و مغایر قواعد مرعیه آنهاست و یا آنکه تعهد و اجرای آن مستلزم مخارج است که مجبور
از تحمل آن نیستند لهذا این عمال عذر آورده و نمی‌پسندند و چنین صورتی که این قبیل مباحثات
و مشاجرات مذمومه علاوه بر خرابیات و لغویات چنانکه دیده و شنیده شده است گاهی در
حال گفتار از ادوات باعث برودت و نقار و عداوت گردیده و چنین حالتی را مقتضا شمرده‌اند
از نتایج آن غفلت ورزیده‌اند

لهذا شایسته است هرگاه در سر این مطلب اندکی تأمل نموده شرح و تقسیم این قسمت و جهات
انواع مختلفه در این بعضی از وقوع متخصص و معلوم است و در موقع خود باید تکلیف خود را ظاهر نماید رسید
در این صورت چنانچه تکلیف سفیر را قبل از وقت از ظهور احکام و تعیین مشخص نموده باشند
البته بطور رسمیه باید فرمان آن لهذا رسمی است و ممکن است توضیح قرار کرد و اصلاح کرده هم شکایات
سفیر برقرار باشد و هم احکامات قوانین ملکیه و اعمال مرعیه حفظ شده باشد
در صورتی دیگر اتفاق شده و قبل از وقت تشخیص نتوان کرد لهذا در صورت وقوع چنین حالت
مأمورین خارجه مکلف با احکام قوانین و تکالیف مأموری خود می‌باشند تشریفات مرعیه
با خود مذهب روابط و مناسبات دقیقه در میان دارند لهذا عدم رعایت تشریفات
مزبوره بهیچ‌وجه ممنوع مذهب است پس سفرای خارجه بهانه مسافرت و ملاحظه نباید خود را عاید حفظ

در حفظ احترامات مذهبیه اهالی آن مملکت معاف داشته مرتکب معاصی و اعمال نامشروعه
گردیده شریعت آنها را تحقیر نمایند در چنین موقعی سفیر نمی‌تواند معذور باشد چه هر کس
حرمت دیگران را نگاه ندارد بهیچ‌وجه حرمتی نخواهد داشت
در خصوص احترامات مخصوص نسبت بسلاطین و خانواده‌های سلطنت که در هر دربار دستور العملهای
مفصله و دقیقه مرتب کرده‌اند مدرسه هر قسمی سهو و نسیان و حفظ و ضبط برای سفیر لازم شده‌اند
شد گاهی اتفاق می‌افتد در این مواقع از سفیر توقعات غیر معموله می‌نمایند و او دست نمی‌تواند
تقصیر است که منافی مأموریت و مخالف شئونات منصب اوست از قبول آنها امتناع و استنکاف نماید
در صورتیکه در آن توقعات تصور سبقت و علوی نسبت بسفیر شود فی الحقیقه مجبور است
و توبیخ است و اگر این تصور نباشد باید بموجب قواعد کلیه مناسب مقتضی منصب و مقام
تغییر رسم است با ملاحظه اطراف و جوانب و احتراز از ضرر و خطر معمول داشته باشد و در رفتار کند
در باب عادات ملی و آداب و رسوم عامیانه در عوام الناس مردم
معتقد و مقلد آن هستند که بدان واسطه از ترتیب وطن خواه‌اند سفیر را این نوع آداب
نوعی رعایت کند که مقتضی و مناسب شئونات آنها باشد نه چنانکه سفیر از زیر بار
تکلیف رد و اقدام با اشکال کند که منافی مذهب و مخالف اصلی عقاید و عقیده خود دانسته باشد
بلکه بعنوان خصوصیت و مماشات حتی الامکان توقعات عامه را هم بخاطر وضع سفیر
چنانکه از لفظ فرستاده مانند تکمه و غریبی است که وارد خانه شده باشد و با اهل خانه
که لازم زندگانی دوست با اهل آن خانه مماشات و همراهی نماید اگرچه در جای خود

در فصل (۵۱) ذکر کرده ایم که مأمورین خارجه در چه موقع و بچه اندازه میتوانند در عیب اعانه با
طرف شرکت و همسراهی نمایند در اینجا تنها متذکر این مسئله میشویم در هر گاه مأمورین بعضی دول تا در حدود
عمارت خود را کمتر چنان که باید زینت سلطان آن مملکت با تکلیف تجملات
و بی اعتنائی کرده باشند پس در ظهور چنین موقعی میباید با آنها مراعات نماید از طرف خارجه
نیز مانند ملت خود ضرب و قرب نمایند خلاصه سفیر باید متعقق این نکته نیز باشد که اگر
در ظهور چنین تکالیف اندکی غفلت و تأمل نماید جمعی را اکراه آور گردیده در زینت ملل
اسباب برودت و رنجش شود هر صورت سفیر عمارت ... مسئولیت و ...
هر سفیری منوط است باعمال آن سفیر باید دستورالعمل و سر مشق رفتار و کردار خود قرار
داده سنجیده و فهمیده بآن اقدام نماید

فصل ۵۳ در باب مشاغل مأمورین خارجه

مشاغل مأمورین خارجه عبارت است از عمل کردن بتکالیف خود برای توضیح این عبارت
بیانی مفیدتر و مختصرتر نمیتوان کرد چه تکالیف آنها را مفصلاً شرح دادیم در این کتاب
مندرج نخواهیم ساخت مگر بیان طریقه و کیفیت استعمال آنها است همینقدر در مسلوک ...
وضع عمومی ... آنها ... نموده ایم دیگر حاجت نیست ... دل
از برای العین ... لیکن هر گاه ... از شرح و بیان ... همینقدر ... مینویسیم
مشغله سفیر ... عبارت ... خود ... در اینجا ...
سفیر در خصوص ... و مذاکرات و حفظ مصالحات و سایر روابط بین الدولتین

حسن انجام ... دولت و عامه باشد و علاوه بر آن تکلیف مأموریت در رتبه حکمران
عهده مأموریت خود به اداره ولایتیکه در آن سکنی دارد بوده و اتصالاً اطلاعات
صادقانه صحیحه راجع به منافع مملکت در خارجه و امور ملت خود بدربار دولت متبوعه
ارسال دارد هر چند در صفحه ... از این کتاب از تعیین تکالیف مأمورین خارجه
در ... آنها اشاره شده است ولی بمناسبت نیست که در طریقه سلوک و رفتار آنها
و در خصوص بعضی حرکات سنجیده و ناشایسته ... از خصایص و لوازم ... تصور
کرده اند چند سطری در اینجا مندرج سازیم
سفرای خارجه هر چیز را ... بپسندند و در هر امری که پیش میآید باید خود را وقف نظر کرده
و بواسطه استعداد و هوش خود ... حقیقت ... قبل از وقت احتیاط نموده و سنجیده منتظر
اصلاحات ... باشند در لقای وقت ... برای ... تصور داشته است
پس قبل از اقدام در توبه و اصلاح امور ... که مأموریت ... آن سفیر تقاضا میکند
و وسیله بدست ... باید مراقبت و مواظبت نماید و تواند پیش از وقت آن اصلاحات را
... کرده و خود را حاضر سازد و باید دانست که ... استدراکات قبل از وقت
و دقت نظری حاصل نمود ... اطلاعات ... بواسطه تجربه ...
اطراف تحصیل شده باشد ولی باید تحصیل اطلاعات ... فقط تجربه و ... نظری کافی نیست
بلکه سلیقه و ... از صفات ضروریه ... خوب ...
باید ... و نگاه ... اقدامات ... داشت

و منوطات بعقیده و دربست آن نفر را بماند این قسمت مراقبات خفیه در جمیع برقی تکفیر بردن چنانکه
حقوق او در ضعف نگاه نیز با آنچه بموجب عهدنامه مخصوص و تقریرات تمر وکیل دار تیم از لفاف تالیف
خاصه انیسرات در اقتدارات مجردانه و دخالت رسمانه در استیفای حقوق خود بعضی ساوردد
کشیدن چنین غیرت و تدبیر را اندازه فایده معلوم است سپهر جیا بر از اقتدارات حضار که
که باعث تقسیم و تخریب نتیجه مقصود است حتم لازم باشد چنانکه در بعضی موارد با قبضات وضع
امور بغیر محبوبه الذمه عقد اعتدال و ملایمت کار را در حفظ حیله لازم خلقه کلام قانون واجب نیز
میگردد خاصه در صورتیکه انیسر نقض حق کند در طرف تقابل با او در مقام حیله و تدبیر است
و خود را معذور بدارند بس در صورت حیله جایز است کشیدن بصورتی هر تا نی باید
حرکت نمود چنین رفتار را اطوار او در نظر طرف مقابل حمل بر صدق شود دیگر از حیله بکار
برده میزان کذب و دروغ رسیده و اتخاذ عقیده و ادب احتمال و قبال با او حاصل کرده باشند
فوراً اسناد بسوء ظن کرده و در رفته رفته زیاده باب نکته کار میشد درجه بوقتی جمع کرده
پولتیک هم شایسته نیست آن از جاده مستقیم خارج شده خود را براه های کج سوق بکنند
سهو است بعقیده ما چنین حیله برای عدم استعمال بهتر از استعمال آن است بجهة تنفر و ملامت
بهتر از عقیده ما که در مسائل مسیو ان تصور نمود زیاده در زیر سؤال میکنند های تیف است
که بعنوان اسم پولتیک باید جز اینکه حیله نیز یک آن کلمه باشد و نیز جمیع مصنفین حقوق
اهل در باب حیله تمامات دقیقه کرده و در تحقیق این مسئله که آیا حیله جایز است
یا نه تفحص و مباحثات بسیار نموده اند هر چند علت شناخت دلالت آنها بر

بر ما مجهول است لکن بتصور بعضی مسیو اسم لغت که اگر خود ما حیله را تجویز نمائیم محض است که یعنی
و تقلب بشمنان را بر مباحثه و مکابره با آنها رجحان دارد هم اگر چه حیله گاهی با قضای
طبیعت عادی و تمشیت امر است و هر وقت فوائد در آن تقاضا کند بهتر است تقریر امراء و حیله
پولتیک و صلاح امور برای حصول مقاصد تصور نموده و جایز شمرده اند لیکن این رسم و عادت
زشت هنوز در میان دول بسته اهل و معمول است بلکه بر اوداری همه قسم بر زشتی شد

فصل ۵۴ در باب تکالیف و حرمات سفرا نسبت با اهالی مملکت خود

در هر مملکتی که سفیر اقامت دارد رعایای دول متبوعه او بالطبع در حمایت او هستند و از قوا
هر مملکتی که مقیم میشود که وظیفه آنها از جهات دولت تابع سفارت و اهالی وطن
خود در حوزه سفارت نباشد با چه درجه مستوجب باشد در این باب هر یک معاهدات مخصوصه
بین الدول تعیین هر چه نموده باشد بحقیقت مسلم است که امروز تقریباً جمیع دول قدرت و اختیار
خاص سفرای خارجه نسبت با اهالی مملکت خودشان داده شده است و همچنین سفرا در عمل
حاصل ماذون هستند در حق سفر و دستور اهالی مملکت خود در امور شرعیه آنها تراضیه
نموده باشند شرعیه از قبیل نکاح و وصیت و وکالت و امثال وصیت و تحقه و نوشته جات
راجعه بتولد و وفات و ازدواج وغیره صادر نمایند و نیز نوشته جات شرعی و عرفی آنها
تصدیق نموده و تذکره بدهند و تذکره های سابق و امضا نمایند
حمایت سفرا در باب اهالی مملکت خود در مواد راجعه بمطلوبیت با شکایت ارباب عقب ثانی
دیوانی آنها اثبات نمیکنند و دولت متبوعه در محاکمات بین آنها با رعایای خارجه نیز نفیر

حق حمایت و مداخلت داشته باشد مع ذلک ممکن است که گاهی اقتضای منافع عامه
و حقوق بین المللی سفیر را چنین [illegible] حق حمایت به او بکنند در اینصورت اگرچه حکم و دستور العملی
مخصوصی از دولت متبوعه خود نداشته باشد فوراً بدون انتظار ورود دستور العمل مداخله و حمایت
خواهد نمود خاصه در صورتیکه آن مطلب ضمن قرارداد یا معاهده دولتین باشد
در هر کاری که شخصی صرف و خارج از نفع و ضرر دولت باشد سفیر رسماً نمی‌تواند حمایت کند
بلکه حمایت او فقط شخصانه از راه محبت و مهربانی نسبت به هموطنان خود است و لیکن اگر اهالی
مملکه و حکومت حق آنها را ادا نکنند سفیر [illegible] سایر حقوق آنها شناخته و تسلیم [illegible]
بمناسبت و بموقع در قوانین منتظمه آنها مداخلت نموده توسط و سرحلقه خود [illegible]
سلیقه و عقل سلیم باشد والا بی‌تفنن خبط عظیم و اسباب تضییع شأن و اعتبار خواهد بود
علاوه بر آن مأمورین خارجه در تحصیل مسائل رسمیه رجوع به اهالی مملکت [illegible] توسط وزیر امور خارجه
آن مملکت نباید مستقیماً هیچ یک از ادارات مملکه رجوع نمایند اقدامات [illegible]
باشد مجبور اند عدم اثر آن را از تکالیف خود بدانند و لیکن در صورتیکه نسبت به رعایای دولت متبوعه
آنها از حکومت محلیه [illegible] حق دارند رفع و اصلاح آن را از دولت مطلوب [illegible]
دولت اجنبی تحقیق [illegible] دعوت کنند بطوریکه قانون [illegible] دارند هر چیز [illegible]
از مجلس اجرا باشد در صورتیکه معلوم شود قانون برخلاف فصلی عهدنامه [illegible]
و یا در ترجمه فصلی عهدنامه تحریفی شده باشد بدیهی است در اینصورت سفیر باید تعطیل اجرای
آن حکم را بخواهد تا آنکه مجدداً رسیدگی و تحقیق بعمل آید
سفرا

سفرای خارجه نسبت به رعایای دولت متبوعه خودشان ریاست طبیعی دارند چنانکه هرگاه یکی از تبعه
از آنها ناشی شود در ممالکی [illegible] شرف ملکی خطرناک باشد و باعث اختلال آسایش عامه گردد
سفرا حق دارند آنها را تهدید کرده و تنبیهات سخت به آنها جاری نمایند [illegible]
از آنها حمایت کنند

فصل ششم در باب تکالیفات و مراسلات مأمورین خارجه با دولت متبوعه خودشان

مأمورین خارجه نباید قناعت به ادای تکالیف مأموریت و انجام مهمات مرجوعه نمایند بلکه
باید همت و غیرت گماشته تفحص و تجسس بعمل آورند و هر چیزی که باعث اطلاعات دولت
متبوعه خود با فایده باشد تحقیق نمایند [illegible] در سفارت خود اطلاعات
صحیحه صادقانه بدولت متبوعه خود بفرستند علی‌الخصوص سفرا مجبورند که راپورتهای
مفصل [illegible] مطالب [illegible] باشند و مذاکرات و نتیجه آنها
[illegible] کفایت آنها رجوع کرده است بلکه [illegible] و وقایع [illegible] مذاکرات
اتفاق می‌افتد [illegible] باشند [illegible] منافع عامه و فواید [illegible] چنانکه
مراقبت آن [illegible] اهتمام آن وزیر مختار باید از اوضاع و اطلاعات [illegible]
[illegible] باشد و چون روابط [illegible] تجارتی [illegible] و مخالطه و ترکت آنها
آنها در فواید و منافع [illegible] اطلاعات سفیر [illegible] طرف کار [illegible]
نموده [illegible] بدگمانی [illegible] از اقدامات [illegible] تحقیق [illegible]
چنانچه سفیر [illegible] تخفیف [illegible] اصلاح [illegible] دولت [illegible]

سفارت و مأموریت خود در میان دایره بسیار کوچک محدود کرده باشد همچنین هرگاه مراسلات خود را منحصر کند

به اخبار متفرقه یا وقایع بی‌نتیجه و تدابیر و حرکاتی با شرح و تفصیل مطلبی و مخصوصاً امور با کلام آن مهمات

در این صورت نیز از تغییر وظیفه خیرخواهانه خود نسبت به وطن به نحو کامل انحراف نموده است زیرا

صرف وقت نموده راهی پیدا کند و مطلبی بنویسد که توجه دولت متبوعه خود را جلب نموده در امور داخله سلطنتی

و داخله اسباب فایده گردد و در خارجه وسیله عقیده قراردادی داده شده که از نتایج نافعه آن دایره

روابط ملل را توسعه حاصل آید و همچنین از اخبار صحیح نظامی و طرز اداره و استعمال و قوت آن

و اسلحه و شکل قشون و نیز از وقایع تجارتی و اوضاع کشتی‌رانی و از صنایع و کارخانجات تازه و محصولات

و مالیه و چشمه‌های ثروت دولت متبوعه بسیار دور از نکته‌های داخله حیات و ذات [illegible] و خطوط راه‌های

آهن و از تأسیسات قورخانه و غیره و غیره مهم‌تر از آن نیز اطلاعات کامله بدهد

خود اخبار

مأمورین خارجه همیشه را مورد اتهام حقیقت صحیح خود را از اخبار تحقیق غیر مادی نگاشته و نیز به دولت متبوعه سلطنت

سفارت [illegible] باید شرح و بسط [illegible] عقاید خود هم ضمیمه آن نمایند تا اینکه قابلیت و استعداد او

در نزد دولت معلوم گردد و هرگاه از بابت اخبار غیر صحیح نوشته باشد بعضی اینکه ملتفت شد [illegible]

تصحیح کند و همچنین هرچه در ضمن دولت متبوعه او اعمال و اقدامات [illegible] از آنها اطلاع

دهد و از ورود [illegible] مذاکره علی‌الخصوص آن‌هایی که مستقیماً راجع به امور مالیه نیز خود را موظف بداند

چون یقین است که اخبار به علت [illegible] خصوصیت [illegible] نکردند [illegible] امور خارجه

سخت [illegible] کرده است خبرهای [illegible] به دولت خود بنویسند ولی چون این [illegible] از شروط

عمده و صحیح مأموریت او است [illegible] خود را از این نظر [illegible] داشته [illegible] تعیین [illegible]

هرچه بر خلاف وظیفه مأموریت خود رفتار نموده چه شرط مأموریت تحقیق و تفحص و بصیرت

دادن و مطلع داشتن و تفهیم است از هر قسم نفع و ضرر که راجع به وطن باشد لهذا آن مأمور علاوه بر حفظ

احترام سلطان یا تصور اینکه شاید خاطر سلطان و وزرای او آزرده و متأثر گردد نباید به هیچ وجه در ادای

مأموریت دقت و صداقت خود تردید یا تخفیف نماید آنچه را بر حسب یقین صدق و صحیح باشد بی‌ملاحظه

ملاحظه و عذر از ارباب خبر بردن اطلاع مفصلانه و اکتشاف نماید چه جلد علاقه و عدم بصیرت

آنها به ضرر و منافع باشد در حفظ آنها با دقت و صداقت دخالت آن نیز مقتضی است

تکلیف نفع و درایت قسمی موارد از تکلیف بسیار باریک و دقیق است چه اگر از جهت

تکلیف تحقیق دست بسته از جهت دیگر نمی‌تواند اغراق بنویسد و مطالب را با اهمیت بدهد

تا نیز به همین جهت است که هرگاه مأمور خارجه در مطالب و عبارات آنچه در باره دولت متبوعه می‌نویسد

و در تحقیقات و عقاید خود را در ضمیمه آن نماید نیز غرور و دقت نشده نیز در اینکه غرض و نفاق

نخبه دولت طرف دیگر را نیز [illegible] شود در موقع تجدید حاصله بین الدول [illegible] سفارت و ارادت

مبدل نگردد

سلیقه در لزوم مراسلات و مراودات در کار حاصل می‌شود و سهولت عقد و ترتیب [illegible] علی‌الخصوص [illegible]

و احاطه بر طبایع و عادات اشخاصی که طرف رجوع [illegible] هستند [illegible]

از خط و خط خطها نیز

فصل ۵۶ در باب مذاکرات دیپلماسی

مأمور خارجه که صاحب اعتبارنامه و خاصه در صورتی که دارای رتبه و مقام سفارت کبری باشد حق دارد

با سلطان یا نزد او اعتبار به گفتگو و تبیین نماید اما نه بلاواسطه و مستقیما بلکه توسط وزیر امور خارجه
و همیشه در مذاکرات واسطه چیزی است هر چند واسطه اسباب تأخیر و تعطیل امورات است لکن واسطه
از روی آزادی و اطوار تعصب و تندی بهتر بیشتر از آن گفتگو نموده و از جهت دیگر سلطان با بیشتر ملت اندیشه
نخواهد داشت از اینکه حضور او هم قسم سخن گوید در صحبت آن باعث هتک احکام او باشد و نیز بعضی
مذاکرات توسط او اثر بیشتر می‌توان طرف مستقیم ثابت به وجه خوبی نگردد (به اصطلاح اهل شرع
لای زخم گذاشت) و صحبتهای نامناسب بی‌موقع و دعاوی غیر ضروری را بهتر می‌توان انکار نمود و ابطال نماید
غیر منتظر شرکت قرار داد … بعینه … تعویق انداخت تا موقع آن برسد
مذاکرات مستقیمه و بی‌واسطه سلطان با یک سفیر قرار داد با روز خود … تصدیق نظامی دولت
اول اصلاح نمی‌توان کرد مگر آنکه هیچ یک از دول قرارنامه یا عهدنامه … فقط به تصدیق سلطان
رسیده باشد مگر در … یکی از وزرای مشغول کار خود … اجرا نمی‌شود … در ممالک معینه
بلکه در سلطنتهای مستقله و مطلقه نیز و حتی معمول است اما در باب اینکه مذاکرات شفاهی انفع
و اهم است یا تحریری و کتبی خلاف است … جمع از علمای این فن است نیز متوجه شده هر گاه
استعداد و قابلیت طرف مقابل کمتر باشد باید به گفتگوی شفاهی با فایده تربیت بلکه اینکه
اسرار او را به سهولت می‌توان تفهیم کرد و از چشمهای ضمیر او را ادراک و استنباط نمود و عرصه
را تنگ و تدبیر او را تنگ کرد ولکن تفهیم این فقره موقوف است به عدم … قبل از آنچه
در نهایت قابلیت و استعداد … به اتفاق بیافتد در محاوره منسوب … نتیجه
معکوس می‌گردد

ترجیح

ترجیح مذاکرات شفاهی بر تحریری چند وجه دارد جز اینکه نحو ابسط خیالات به تقاضای حضور گفتگو کنند
کننده و توجه حریف بعد از تقصیر منصرف کرد و نیز با تی بهتر ادای مطلب و انکار آن نیز و برای ابراز
موافق سلیقه خود از پیش برد با تعویق جنبه آنرا ممکن نیست بسیار ممکن است که این قضیه شده و بارها در چنین
مکالمه و صحبت مخفی و مستور داشت و حال آنکه جامعه جمیع تعهدات و مکالمات تحریری
را کتبا تحریر نمایند و انهار را پایدار داشت دیگر آنکه نمی‌توان در هر جا با قضایای رسم و عادات صور
مختلفه دارند دقیقه برای وقع خیال و احتساب از اشتباهات عمدی و سهوی در محاوره
اتفاق می‌افتد و تسهیل اطلاعات پیشرفت امور بهترین اقسام مکالمه است
در حقیقت طرف حسن گفتگو ها و قرارداد ها دولت است و مأمور خارجه نیست که رسالت و آداب
پیرو دستورالعمل و تعلیمات دولت … خود مأمور است … رفتار او و احوال مأمور را مشخصه
و بدون اجازه دولت قدرت و اختیار … نداشت و مصالحه و چیزی در وجه …
امری برقرار دارد و مأموریت او نیست مگر ابلاغ مطالب دولت در باب مطالب خود
اما فی الحقیقه تکلیف او بسیار مشکل است زیرا در همان درجه در ابلاغ و اظهار مطالب
دولت مأمور است همان قدر ترجمه کردن و حالی کردن و اقناع آنها سخت و دشوار است
و همچنین تکلیف است و اثبات جمعیت آنها مباحثه و گفتگو نموده به مواقع و نزدیک مناسب تکلیف
پیشرفت آنها انتخاب کند چه تمام کارها را او باید در دوایر سیاسی از پیش بکشد و … قدرت
و اختیار را از او گرفته اند و عجز سلب کند بلکه می‌تواند در تمام حاجت و مواقع صعبه یک
آزادی و هوشمندانه مسئولیت تعهد گرفته از دستورالعمل نیز تجاوز نماید شروط اینکه

در هر حالتی منافع و حقوق و حیثیت خود را منظور داشته و در هر مباحثه و گفتگوئی ملاحظه صورت ظاهر
و معنی و نتایج دولت دوستی خود را جمیع سهو و خطا کرده و مسئولیت خود را منحصر در حفظ و دفاع
حقوق دولت بگذشت و اغماض آنها بداند

پس هرگاه اقدامات خود را با دستورالعمل وارده تطبیق نموده و سنجیده و خود را بهتر صرف [illegible]
تکلیف او خیلی سهل و طریقه است و می‌تواند از هر کسی و هر چیز بهتر بخواهد بیان حاصل کند و نتیجه
مطلوب را همیشه در نظر داشته باشد و با این ترتیبات کفایت نمی‌کند [illegible] تصور [illegible]
کار خوب انجام خواهد داد بلکه این [illegible] به عهده گرفت با ترتیب [illegible] کند [illegible]
بر خواهد آمد و بهتر از آن ممکن نباشد در اداره امور [illegible] کار را [illegible] از روی نتیجه سنجید
بلکه تکلفات و مشقات زیرا نیز ملاحظه کرد هرگاه متوقف گردد در طرح و نقشه او از
روی حزم و احتیاط و اندیشه نشده است و اسباب سلب حریت او گردد یا آنکه تصور
کند در نتیجه حاصله [illegible] مقصود دیگر خواهد شد و یا آنکه بواسطه تکالیف شاقه توقعات [illegible]
بسیار زود و مستقیم متغیر گردد در این حالت بطور یقین فایده و نتیجه مفیدی [illegible]
[illegible] و اقدامات او مترتب نخواهد شد ولی هر وقت [illegible] باشد قابلیت و استعداد طرف
مقابل با یک سعادت و بخت بدتری [illegible] حرکت و فعالیت نماید

هر چند در بدو توقعات [illegible] تکالیف بدو اسباب زحمت [illegible] شود

ولی نباید [illegible] و کمی [illegible] در حفظ منافع دولت متبوعه اقدام ورزید و [illegible]
هرگز اصلاح پذیر نباشد بلکه همین که منقضی شد تکالیف شاقه [illegible] بسیار [illegible] الآن
توقعات و تکالیف خود را تقدیم نموده بعنوان تقاضای صلح و سلامت گذشت و اغماض



و اغماض نماید هرگاه مأمور خارجه در یک مطلبی دستورالعملی نوشته باشد یا آنکه در دستورالعمل تکلیف
او درست و واضح نشده باشد لابد است از آنکه فقط دستورالعمل مجدد بخواهد و در ضمن آن شروع
به مذاکره نماید و یا آنکه تکالیف [illegible] در آن مسئله [illegible] بلا قید شرط
غالباً قبل از شروع به مذاکره مطلبی را در آن طرح خواهد شد [illegible] صورت بگیرد و دیر
[illegible] انقضاء آن رای و قرار [illegible] اما قبل از آنکه [illegible]
[illegible] اقتضا نماید [illegible] طرف [illegible]
[illegible] نوشته [illegible] الله [illegible] جمع کند [illegible]
[illegible] هرگاه در مقاصد خود دولت متبوعه خود مطمئن [illegible]
[illegible] غلط [illegible] و منفعت خود مجبور [illegible] آن [illegible] خواهد کرد [illegible]
[illegible] باید از مسئولیت احتراز کرده مطالب [illegible]
در مکاتبات مستقیمه بین دولت و وزرای امور خارجه غالباً نوشته‌جات [illegible]
[illegible] مسئله [illegible] اعتبارات
[illegible] مطالب [illegible] اهلیت باشد در این صورت
وزرای امور خارجه [illegible] خواهد [illegible]
[illegible] کرده [illegible] در این صورت
[illegible]
غالب اوقات [illegible] انجام مطالب [illegible] آنها [illegible]

ولذا باید از صرافت طبعی با مورات مدارهٔ شغلی و تغییر رای نزد در خلوت دشمن اراده دور بکنند و نباید

خسته نمایند در دست لازم کار رنگ صبر و فراغت پیش بگیرند

هرچند این صفت لازم ذاتی است لیکن نباید بمجرد رسیدن و حصول رتبه و برتری بالای

دیپلماتی شود بلهجات و سکون با ثبات عزم در علم مادره را اداره امور کارفرمای خواهد بود چنانکه

فقط استعمال و تجربه هم در این مقام اثر دارد بلکه رعایت وضع و رسم هم یکی از مقصود حالات به دارند

بسیار اتفاق افتاده است که تکالیف صحیحه و ارادات بلاقاعده چون بی‌خبرانه و بعد حظ و طاقت آمده اند

زحمات بی‌جا کرده که اشخاص از نتیجه امور اطمینان نمی‌توانند حاصل کنند ضرر نگه وقتی از وقت تکالیف

مدت دولت و دارای خود را غافل صرف مرام فهم باشد و چاره انجام آن کار را به آسانی پیش صاحب کار است

گاه اتفاق افتاده در دولت مطالب خود را مربوط با مور خود امتزاج نمایند بلکه مربوط با مور امور دولت

در تعمیم دادار حود است اطلاع میدهد و این نمره در ضمیر که بعضی وجوه با کار مخصوص داشته باشد سیاست

سلف عبارات با مور خود گرویده تصور خواهش نمود در دولت عیناً و وثیقه با ویزارد برای

صورت آن با مور با دیپلماسی بخطی در جهت و این اجراات نظر خود

کرده است تشویش سازد

چون این شغل خارجه تعیین یکدیگر را لازم است که یکی از بعضی اخبار دو قانون اطلاع سازند

لهذا بر سفیر لازم است در دولت قسمت سفارت و تربیت باید و مأموریت

سفرا آنست در با فایده ترین خبر را بتواند تحقیق کرد و بعد این صورت لازم است از یک

ز آنها طرح اتحاد مخصوص ریخته کسب اطلاع بعقیده معتبر کنند و نیز در مقام اجرای مطلب اجزای

با هر یک از آنها صرفه و صلاح پولتیک و ولی نعمت خود را ملحوظ اغراض شخصی خود را نفی بکند

با مدنی خارجه جانب هرگز غافل از این نکته نباشند در خصوصیت و دوستی با مندرج در بار به اندازه

در رشته اتحاد پولتیکی یا خانواده هر قدر محکم باشد باز هر یک منافع جداگانه دارند و مناقضه و منافی

یکدیگر میشوند در باطن مخفی اصرار دارند بدولت که منافع مبارکه و حضرت نشده

چون علم مادره چیزی جزو علوم مرتبه محسوس نیست و در این موقع بیش از این تفصیل نمی‌دهم اما فقط اصطلاحات

بعضی ملاحظات عملیه را به مطالعه خوانندگان میرسانیم در این فن بقدر تجربه و بصیرت شناسائی

برجال عمل و خبرت مخابرات و صفات شخصیه و حالات دارند اهمیت و استعداد فطری را از مطالعه

تواریخ و دیپلماسی مکشوف و روشن می‌توان نمود لیکن فقط دانستن آنچه در تواریخ و کتب مندرج است باب

ظهور قابلیت نمی‌شود بلکه مهارت و مطالعه لازم دارد

فصل ۷۵ در باب توسط و حکمیت

همین که در میان دو دولت برودت و نزاع جاری بر خواست در صورتی که خود آنها بعد از مطالعه قطع

قطع و معادی و رفع نکات نیست با منیر دولت ثالث را واسطه بر می‌گیرند که دو خالت سیرت

و ملاحظه قبضه‌دار حقوق و خیرخواهی میان آن دو دولت را اصلاح نماید و در وقت قطع با ثالث

در رفع شکایت کنند بدیهی است در چنین مقامی بر قدر طرفین را اعتماد گذشته باشد در آخر صلح

ذات البین را بهتر است از حکم تحت نظر هیچ یک از طرفین خوش نشده نشود بهتر است چرا که

مخالفت و برودت مجدد نمی‌کنند کم و بیش فایده و بهره داشته باشد بطرف خود بیشتر

در مقام توسط قبول و نتیجه باشد و در این صورت بهتر طرفین توسط با معرفت او

خود او هم با تبعیت نظم خود همسان قرار داده باشد و با بودن است در مقام عقاید تکفیر و ابطال و تعطیل و عادت
و تسمیت است به نظم صحیح و قانون نهاد و ابطال غیر آن مجبور و محکوم خواهد نمود و نیز در تشکیل و ابطال
و تعطیل است ضامن و کفیل قرار داده که خود مسئله نیست مملکت غالب اوقات که اراده کلیه ملت خارج است
پذیرفته است

عمده اسامی را بسیار رجوع شود در تحت حمایت دولت مشروطه قرار داده شده است شرایطی که متعاهد است
بسیاری از آنها مرتبط دولت مشروطه شده است

خلاصه ضمانت ضامن فرق دارد در میان حکومت متوسطه هم فرق دارد زیرا که حکومت عبارت
از محکمه است که قبل از وقت طرفین خواهش و قبول کرده باشند اما متوسط نیست مگر اقدامات
خیرخواهانه در اصلاح نتیجه پس در مقام محکمه هر قدر رد داشته باشد و هر حکمی صادر شود لازم است که اطاعت
و اجرای آن خواه آنکه معلوم شود که آن حکم جبری وارد در حق او است و در خلاف عدل و انصاف
صادر گردیده نشده دولت مشروطه دعوت نماید به دولت حکمیت که و قرار نشده تعدی
و با حاضر را مثل آن حکم دوستانه و منظورانه رفتار نماید و در هر صورت محض حقوق و احتیاط
از جهت هر کجا که صاحب وساطت و حکم است در مطلق مشروطیت بعد گرفته آنکه طرفین چه از دول
اختیار شده و از او در مطلق و در هر صورت مملکت و ابطال هر قدر تغییر و انصاف شرایط باید از
هیچ از طرفین به هر طرف اراده و شکایت و ناراضی نباشند

فصل ۵ درباب کنگره و کونفرانس

همه میدانند که مجمع وزرای مختار بوده از جانب دول مختلفه قرار داده با هم نشسته و تشکیل مشترکی

مشترکی که عمومی شریک باشند مجلس کنگره مینامند این جماعت محض نظم و ترتیب منافع مختلفه مشترکه مملکت
دعوت میشوند و اصول حقوق هر دو بنابر آن به عدل طبیعی است اتفاق کنند در امور دولت
مستقله هر قدر امر اهم در باب نسبت باشد کلیه مذاکرات در جمیع منافع شخصیه خود محض رعایت کم و بیش جمهور
توجه و اجتناب باشد وزیر مختار به مجلس در باب نماید و در صورتی که خواهند حق حضور در خود و در آن مجلس
کنگره منظور و تفصیل نوشته و تفاوت نماید و در مدارج مطلب و هر باب و مطرح مذاکره نخواهد کرد
در این صورت بر بودن آنکه دخالت نماید در اجلاس کنگره بلا از خارج به ثبت حقوق نماید
بدانند که حق سوال نمیکند

همین که وزرای مختار تفصیل مدت طی کنگره در مجلس حسب آمدند و با ملاحظات عالیه محض رعایت و بهبود است
مقرره با شأن و مقام خود با تحت شهر بوده و صفات بهتر و مناسب تر از جاهای دیگر باشد را بقرار کنگره
انتخاب نمودند و قبل از ورود از دیدار رسمیه رسمیه قرار نمایند است اما در هر دفعه کنگره دایر
شد در دو دفعه مجلس حقیقی اختیار نماید تجربه خود را بر ملاحظه نیز بر که مجلس کنگره منعقد گردد
در میان خود ریاست مجلس انتخاب نماید تکلیف رئیس آن است که قبل از وقت و مدت حفظ اختیار
نماید بیان این اختیار نامه خود را به مجلس ارائه نماید و در صورتی که قرار داده اند کنگره در تحت توسط
و نظارت دولت مشروطه مقرر گردیده ریاست مجلس وزیر مختار دولت وساطت است و پس از آنکه
اسباب و ادوات ظاهر مرتب و منظم گردد و ذخیره رئیس تقریر است قبل از شروع در امر گفتگو
مقصود و منظور کنگره را کلیتاً مشخص و بیان خواهد کرد و دولت متبوعه او مسلک طریقه را پیش
خواهد گرفت

در باب تنظیم مجلس و ترتیب مذاکرات و بیان تشریفات و آداب و تقدم و تأخر و دید و بازدید
رسمیه و غالباً نحو مباحثات با اقتضا به شده اند در نظامنامه داخلی با اتفاق قرار [illegible] قبل از مجالس
مخصوصه که نظر این ترتیب منظم شده است چنانکه قبل از وقت قرار داده در آن ساعت مطرح بشود
مسئله تشریفات و آداب را بنظر [illegible] گرفته و [illegible] اگر چنین مجالس [illegible] پس از اجتماع
که گذشته [illegible] خواهد شد چونکه معلوم نشد کدام یک از [illegible] عنوان
[illegible] مطالب خواهد کرد و بعضی جهات هم [illegible] قرار [illegible] مطالب [illegible]
با توسط وزیر [illegible] مجلس [illegible] هر کدام از جمله [illegible] حرف [illegible]
[illegible] هر یک از [illegible] مطالب [illegible] نیز [illegible]
هر کدام [illegible] خصوصیت [illegible] نفس [illegible] خود [illegible]
نظر کرده [illegible] نیز [illegible] قسم [illegible]
[illegible] کار [illegible] و جمیع [illegible] در [illegible] مذاکرات [illegible]
[illegible] نیز [illegible] و [illegible] قرار [illegible] مذاکرات [illegible]
[illegible] مذاکرات [illegible] در [illegible] عدیده [illegible]
[illegible] صورت مجلس [illegible]
[illegible] نوشته [illegible] در این [illegible] نیز [illegible]
[illegible] مذاکرات
[illegible] کنند
چون

چون غالب مطالب کمیسیون رایج [illegible] که با کمال نهایت صحت و دقت [illegible] دارند
[illegible] که [illegible] کارها [illegible] در تمام مجالس [illegible] داشته
[illegible] رشته [illegible] حقوق و حفظ [illegible]
[illegible] مخصوصه [illegible] آنها [illegible] در کمیسیون [illegible]
[illegible] مجلس [illegible] در [illegible] مطالب [illegible]
[illegible] حالت [illegible] مطالب را [illegible]
[illegible] هر یک [illegible] چون [illegible]
که [illegible] مذاکره [illegible] نوشته جات و تحریرات [illegible]
[illegible] در کمیسیون [illegible] و قیمت [illegible] کارها [illegible]
همین که در هر [illegible] مرتفع کردید [illegible]
که [illegible] آن [illegible] در جزو مجلس [illegible] مذاکرات [illegible]
[illegible] صورت مذاکرات را در [illegible] مجلس [illegible]
هر یک از [illegible] را [illegible] آن [illegible]
آن وقت [illegible] قرائت شده [illegible] مجلس [illegible] آن [illegible] کنند
همین که آخرین صورت مجلس را امضا نمودند کمیسیون ختم میشود و آن صورت مجلس [illegible] قرار [illegible]
[illegible] مجموعه [illegible] قرار [illegible]
هر گاه مجلس [illegible] نفر [illegible] وزیر [illegible] اقدام [illegible]

و قرار داده‌اند آن مجلس کنفرانس خاتمه نیابد قسم مجلس گاهی برای مصلحت دو دولت متحارب
دولت ثالث ختم می‌شود

قبل از اتمام این مبحث نگارش این فقره را لازم می‌شماریم در هرگاه در غیبت سفیر از غضب یکی از مجلسین
و آنها را خبر کنند بشنوند در این صورت آنها حق دارند که از این اقدام جدا در نظر خود بر وقت
تا نیز و ممنوع نیز قبل از وقت تاریخ و اتفاق حرجه بحث مستمره آنها در مجلس گفته نه مرتبه کرده
باشند و در این صورت هرگاه نگارش را در جدید پرداخته نیز تکرار آنها در
دلیل بر رضایت و تمکین قرار داده‌اند مجرا خواهد گردید و هر دولتی در آن کنگره مأمور قطعه باشد
مجبور در قبول و اطاعت آن خواهد شد

این فقره بدرجه مذکور است که مستر [illegible] تصور نمود اما از وقوع حکم غیر ممکن است و بعضی دول معظمه با هم
مجمع می‌نشستند و مجلس می‌گشتند هر کس تحریر و قرار که سلاطین در هر کنگره عرضه می‌دادند و پس از عرضه داشتن
چنانکه [illegible] می‌باشند مدهی است [illegible] علیه و لازم و [illegible] است
و در سنه [illegible] این گونه [illegible] قرار داده‌اند در تحت ضمانت دول معظمه است چه دول معظمه
به بهانه این قسمت تقسیم ممالک دول [illegible] تصرف [illegible] این رسم [illegible]
که حاجت اظهار ندارد

باب نهم در ختم مأموریت‌های سیاسی و تغییر درجات مأمورین خارجه

فصل ۹۵ در سبب ختم و انقضای مأموریت

سفیر که مأمور دولت خارجه یا کنگره باشد مأموریت او به یکی از جهات ذیل ختم می‌شود

اولاً مدتی که برای مأموریت او معین کرده باشند منقضی گردد [illegible] مأمور کنگره باشد و آن کنگره ختم
شود یا اینکه [illegible] سفیر دیگری باشد چنانکه [illegible] از اصلح [illegible] خود عود نمود مأموریت او منتهی می‌گردد
در این موقع آن مأمور شرط احضار نمی‌گردد و پس از ختم مأموریت معاودت می‌نماید

ثانیاً وقتی است که مقصود از مأموریت او حاصل شده باشد مثلاً [illegible] در مجلس تشریفات [illegible]
یا تهنیت) بوده و یا مأموریت مخصوصه داشته باشد و انجام داده یا اینکه صورت گرفته و یا تغییر
شده باشد

ثالثاً در صورتی که آن مأمور احضار شود

رابعاً در صورتی که پادشاه خود یا پادشاهی که نزد او مأمور است رفته وفات یا از سلطنت استعفا نماید و در صورتی که
رئیس جمهور [illegible] در حق [illegible] جمهوریها [illegible] قرار است هرگاه پادشاهان سفیر
وفات کرده باشد لازم است [illegible] سلطان جدید
اعلام [illegible] و سفیر را به صفت و القاب [illegible] است و اگر
سلطان [illegible] در نزد او معتبر باشد وفات [illegible]
[illegible] هرگاه [illegible] آن سفیر [illegible] گردد و اگر [illegible] کرده
[illegible] با کمال اعتبار [illegible]

خامساً در صورتی که ثبت سفیر [illegible] باشد در رجعت [illegible] تحقیق [illegible] گردیده باشد و یا
اتفاق قضیه غیر [illegible] اعلان [illegible] مأموریت او به انتها رسیده است

سادساً وقتی که از آن سفیر حرکتی بر خلاف قوانین [illegible] یا یک قضیه [illegible] ظاهر شده باشد

یا روابط را به تدبیر وقار در دولت متوجه او با سلطان در تغییر داده و عقب‌تر رفته است بدون اطلاع احضار نموده

مراجعت با ورود به بلکه تغییر او در وقت لازم حرکت او در شخص و محو خواهند نمود با قیود قبلیه اهلیت و شخص

شود او در اکتشاف الحفظ تا سرحد رواه نفسه

ب ـ قطع روابط تغییر درجه و رتبه وسیله ختم التغییر خاص گردد

هر یک از جهات مذکوره به سبب انقضاء یا تعطیل مأموریت نظر خارجه باشد مأمور را از سرحد خارج

نمی‌باشند به هیچ وجه از رعایت و حفظ احترامات لازمه منصب و مقام و مزایای آنها مستثنی نمی‌کنند هر دو شخص ایشان را در

هر حالی محترم است

فصل ۵ در باب آخرین تکالیف مأمورین احضار شده

در صورتی که تغییر روابط به موجب حکم ... حرکت خود را باید ... در باب اینکه آیا

ملاحظه حکم احضار باشد و یا بدون انتظار حکم حرکت دو در باب اینکه هنگام هر شخص ... متعاقبت آن

باعث بر این شد و چنانچه حضور ... و دولتی شود ... این حرکت توقف قبیل وقت است اما در

صورتی که مقصود از مأموریت آن تغییر خاص و یا قطع بعضی ... باشد و در صورتی که عزیمتی انتقال روابط

تحفظ روابط است دخل انفصال نماید ... از انتظار حکم احضار است و در این صورت اجرا

هنگام عزیمت تغییر ... و معمول ... معمول خواهد داشت

است حضور سلطان به توسط وزیر امور خارجه ... حکم احضار ... رجوع ... آن ... از سلطان

... و در مجلس ... شخص است و ... حقیقی ... تسلیم احضارنامه

و تعارفات ... هر گاه

هر گاه حکم احضار و قبل از ... تغییر ... پیشنهاد ... یا ... شود ... از

شخص خاص ... الرسوم ... وزیر امور خارجه ... احضارنامه ... سلطان ... اطلاع ...

در حضور عزیمتی خاص کند

جواب احضارنامه ... سلطان ... تغییر سلطان آن ... نوشته شده است در ...

تغییر توسط خود داده در باب ...

هر گاه مأمور ... قبل از حرکت ... وارد شود و در درجه دوم ... داشته باشد ... مأمور ...

صورت داشتن ... دولت متبوعه خود ... در مجلس ... خلف ... سلطان ...

ولی هر گاه مأمور ... شده ... باشد ... رسم ... است ... از ... به ... می‌کنند

فصل ۶ در تغییر درجات ... و حقوق ... توقیر

هر گاه مأمور خارجه از دولت متبوعه مأموریت مخصوصه پیدا کند ... و عظمی آن ... از

درجه ... ترقی ... نماید ... ترقی ... رفع ... و در این صورت ... اعتبار به

... منصب و مقام ... تقدیم کنند و پس از ختم مأموریت ... احضارنامه خود ...

احضار کرده به رتبه سابقه خود تنزل نموده شغل اولی را ... شود

و نیز ممکن است ... ملاحظه ... دولت ... وزیر ... درجه ... داشته باشد

در این صورت ... خود ... مقام اولی تنزل ... این ... تغییرات ...

ولی در صورت وقوع ... احضارنامه ... سفارت کبری ... وزیر مختار ... باید ...

از آن اعتبارنامه به عنوان وزارت درجه دوم یا چهارم

هر سفیری که بمقام سفارت کبری ترفیع می‌گردد ، بهمان احترامات مخصوص وزارت امور خارجه
پذیرفته میشود و پس از آنکه سفیر ترقی او بنهایت رسید به تقاعد خود رسید نیز از احترامات مخصوص
سفارت کبری است محروم نمیمانند

لیکن در بعضی از مواقع نیز بعضی سفرا در غیاب سفرا مأموریت موقتی خاص مینمایند چنانکه سابقاً ذکر کرده‌ایم
اعتبارنامه لازم ندارند و نیز سفارت در مأموریت موقتی واضح است پس از معاودت سفیر بمرتبه سفارت
رجعت مینماید در مراسم مأموریت موقتی اعتبارنامه لازم ندارند و در ختم آن اعتبارنامه

فصل ۲۶ در باب وفات سفرای مأمور خارجه

هر گاه سفیری در مملکت خارجه وفات کند [illegible] نماینده‌شان و میراث او را بمقام او بشود و دفن جنازه او هم بایستی
و صیانت بخلاف آن نکند و در چنین موقعی اجرای رسم تشریفات لازمه بموجب عادت و رسم
مملکت است و سفیر در اثناء وفات نموده باشد هر گاه جنازه او را حمل کنند توسط جنازه او بوطن اصلی
حمل و دفن نمایند و در اینباب حکومت محلیه بایستی بهیچوجه ممانعت نکند

نایب سفارت صورتی از نوشته‌جات رسمیه متوفی برداشته و تمام نوشته‌جات او را بمهر سفارت
ممهور نماید و چنانچه آن سفارت نایب نداشته باشد [illegible] دیگر که [illegible] بایستی ترجمه
وزیر متوفی و یکنفر دیگر باشد [illegible] سفارت خواهند بود و در صورت [illegible] نسخه [illegible]
مملکت مأمور جدید کار متوفی وارد شود [illegible] در حضور او [illegible] آن صورت [illegible]
مینویسند

در اینجا حقیقتی موافق حکومت محلیه بهیچوجه حق مداخله در هیچ امری ندارد در صورت وجوب و لزوم و ان

و آن وقتی است در دوران حکم که سفیر وفات کرده است نایب سفارت باشد و نیز سفیر جدید [illegible]
سفیر متوفی رسیدگی و تصرف نتواند در آن نوشته‌جات متوفی را ملاحظه نماید

در جمیع مباشرت و جمع‌آوری ترکات و منقولات منقوله سفیر متوفی [illegible] اگر راجع بوفات و وصیت او باشد
موافق قانون مملکت و وطن آن سفیر بعمل میآید و اگر [illegible] بمقتضای مأموریت داشته باشد بایستی در وطن او
باز کرده شود [illegible] و هر گاه [illegible] حقوق
که [illegible] خارجه [illegible] ترکات غیر منقول [illegible] تحت حکم
علیه است حکومت محلیه حق همه قسم تصرفات [illegible] بمقتضای تنظیمات قوانین باشد [illegible]
[illegible] و قواعد [illegible] امروز پذیرفته [illegible] است [illegible]
در امر ترکات سفیر [illegible] مملکت [illegible] این مواقع [illegible]
در حال [illegible] ظاهر گشته [illegible] شده

اگر چه [illegible] سفارت سفیر متوفی بعد از وفات او [illegible] لیکن رعایت عادت [illegible] اهل
عیال و بستگان [illegible] مدت [illegible] سفارت و [illegible] سابقه خود برقرار [illegible] و همچنین
در امور تابع رسمی آن سفیر [illegible] سفیر جدید [illegible] مشغول [illegible]
او خواهد بود

باب دوم در خصوص تشریفات دربارها تشریفات خارجه

فصل ۲۷ در باب اصطلاح تشریفات دربارها

حقوق اهل عائله [illegible] استقلال [illegible] مقرر داشته است [illegible]

مختلف القوه و غیره دارای بشنه تقدیم و تأخر آنها بر یکدیگر علت عدم برابری در حقوق آنها نبوده و شئونات
سلطنتی همه ممالک ثابت است و هر چه شئونات سلاطین و خوانین بزرگ و کوچک نیز آنها را دنبال حرمت زده و سلطنت
اصلاح پذیر نبوده منتهی چنین که جمیع سلاطین دارای یک لقب و مقام هستند و در انظار خارجه در شئونات
آنها فرق و تفاوت حاصل نبوده زیرا که اینجانب [illegible] در حرکات و تشریفات آنها فرق یکدیگر را
از زمانی که در دیوان کنگره وین نیز از تاریخ ۱۷۵ (۱۴۵۳ امپراطورهای آلمان و پاپها
تاج بخشی را که گرفته بودند و رعیت و عموم قبول نکرده و تحدیدات فوق العاده آنها را ملغی
کردند از آن تاریخ جمیع دول متفقاً متقاعد شدند هر دولت با استقلال و حقوق مطلق بی معقب سازد
و امتیازات ممتاز نماید و لیکن تفوق در برتری دو هر سلاطین و دول دیگر نخواهد بود و سایر دول در تعقیب
و عدم قبول آن امتیاز نخواهند و لیکن سلاطین محض اظهار مودت و برخی جهات بعضی دول
قوی تر نموده موجب بعضی از حقوق مسلمه و امتیازات مخصوصه خود صرف نظر کنند و بنا بر این
ممکن است گاهی تفتیش بشود که [illegible] بعضی از علت [illegible] و اتحاد و بعضی از امور جهت و دولت [illegible] از حق تقدم
خود در تمام تشریفات بین المللی صرف نظر [illegible] گرفته است بگذرد
همراه [illegible] بر ایجاد [illegible] که دول و سلاطین [illegible] رتبات سلطنتیه
بود تخصیص [illegible] در اصطلاح دیوانی تشریفات [illegible] تشریفات
خارجه خوانند

فصل ۴۶ در باب امتیازات و حرکات سلاطین

گذشته از امپراطور روس که اینک مملکت روسیه جمهوری است لقب امپراطوری [illegible]

در ممالک اروپا از زمان شارلمان تا عهد ناپلئون منحصر به سلسله هائی بود که وراثت قیاصره و سلطان
برگزیده آلمان و پرنس های سلاطین آن ممالک بود
در سال ۱۸۰۶ همینکه دول متحده ژرمن در حمایت فرانسه بر قرار گردید سلسله امپراطوری بر چیده
شد ولی پس از انهدام دول متحده ژرمن و تباهی بقایای آن دولت اطریش در نهایت ضعف
و خرابی بود مجدداً قوت گرفته لقب امپراطوری را در بر نمود و چنانچه سلسله پطر کبیر این لقب را حق
نمودی نپذیرفته با آنکه در ابتدا مورد بحث و ایراد شدند ولی آخر این لقب امپراطوری در اروپا
به مملکت اطریش منحصر نمود
انحصار و طبیعت امپراطوری در مملکت اطریش نفوذ و رقابت عثمانیه آن را باعث
استقلال و اقتدار آن دولت گردید جز دو شارلکن که دارای مقامات عالیه
و رقابت بی اندازه بود دیگری در آن عهد به پایه امپراطوری اطریش نرسید
و از طرف دیگر سلاطین جوان بواسطه تسلط و اقتدار و حوادث بواسطه [illegible] عقاید مذهبیه در زمره
آنها گشتم طبیعت در طبقه دوم و آخر گشته و در ردیف هر ایالت تقدم داشتند
و از آن تاریخ تقدم امپراطورها و سلاطین بر سایر دولتها و امرا در دول مسلم بود تا آنکه در عهد کرامول
جمهوریهای بزرگ انگلیس و پس از آن جمهوری آمریک و فرانسه ادعای احترامات و امتیازات امپراطورها
و سلاطین را در حق دول جمهوری نیز بر قرار و مسلم داشتند
اکنون بواسطه مرور ایام و نظر به آنکه جمیع دول معظمه و حقوق متساوی [illegible] نیز لقب امپراطوری فی الحقیقه
بوجهی و بغیر تفوق و تقدم نمی باشد و امتیاز مخصوص و احترام فوق العاده مخصوص به پادشاهی ندارد [illegible]

لقب است که تمثیل مختصر [illegible] امتیازاتی در خاصه باشد و آن به معروف امتیازات سلطنتی بوده و تعدداً

از آن اختصاص و انحصار قائمه اند چنانکه در همین عصر [illegible] در شناخت سلاطین و در باب جمهوری

رأی و فتوی [illegible] و دیگر از دوک ها نیز در بسیاری امتیازات سلطنتی شرکت دارند و همچنین در ممالکتی

بدرجه دوم امتیازات سلطنتی برای سلطان و مهمترین عبارت است از چهار فقره است

اول تقدم آن بر جمیع دول با سلاطین در حق آن امتیاز نبوده دارند

دوم حق ارسال سفیر کبیر به ممالک خارجه

سیم حق آن داشتن تاج سلطنتی امپراطوری و در روی اکلیل یعنی [illegible] از موارد نصب نمایند

دارای [illegible] صلیب مدور است [illegible] در روی آن [illegible] و علامت [illegible] نصب نمایند و دارای [illegible]

صلیب‌ها است به صورت اهالی خانواده [illegible] در آن [illegible] و علامت [illegible] است همچنین

آن تاج را در مواقع تشریفات در چهره بر سر خود بگذارد

چهارم در [illegible] به سلاطین [illegible] نوشته خطاب برادر که استعمال نمایند [illegible] سلاطین همشأن

او باشند

فصل دوم در باب درجات سلاطین و تقدم آنها بر یکدیگر

در مجالس رسمیه و مواقع تشریفات همه سلاطین و دول که حق تقدم دارند از همین [illegible] حق

از امتیازات تقدم [illegible] و همچنین است در [illegible] عهدنامجات چنانچه خود سلاطین شخصاً در مجلس

جمع گردند [illegible] ترتیب رعایت شود

قبل از وضع و [illegible] دیگر قرار تقدم و تأخر [illegible] در مجلس [illegible] شورت [illegible] در باب

در باب تقدم و تأخر با همین اندیشه که مذاهب در هر درجه و مقام بوده و بحسب رعایت و تبعیت سلاطین

مختلف شأن و درجات آنها تغییر پیدا کرده است ترتیب و قسمتی دائم شده است

برای پیشرفت مقصود در باب تقدم سلاطین در مجالس رسمیه گاهی استناد به قدمت استقلال دولت

یا قدمت خانواده سلطنت و یا تاریخ دخول و یا شیوع مذهب عیسوی در آن مملکت شده اند

گاهی استدلال کرده اند به کثرت و تعدد و تاجداران [illegible] از جنس سلسله در آن مملکت سلطنت نموده اند

و [illegible] در دوره ها نسبت به مذهب عیسوی شده است

خاصه القابی که تشریفات مربوط با مذهب است و آنها نیز از دولت [illegible] بخشیده و سلاطین

رفتار نموده اند و سلاطین را مجبور به تمکین و تبعیت [illegible] طرف [illegible] غرور خود نموده اند

چنانکه هر گونه تفوق و تفاوت است در سلاطین از القاب [illegible] نداشته اند

لکن [illegible] تفوق [illegible] مخصوص [illegible] که ذکر شده دارد [illegible] دیگر حدود [illegible]

واقع است [illegible] یک از دول [illegible] در مسئله تقدم حکم [illegible] هرگاه [illegible] دول

ورود [illegible] آنها [illegible] گفتگوی [illegible] شود [illegible] دول

[illegible] سلطنت [illegible] نمایند

اگرچه حقوق اصلی در حق دول بزرگ و کوچک یکی است ولکن در باب [illegible] رسمی و [illegible]

چنان است که عدم تساوی دول باعث اختلاف وضع آنها گردیده و [illegible] کارها

تحصیل یک اساس [illegible] این ترتیبات و تعیین درجات [illegible] لازم

میشود

تا این تاریخ دول اروپا در این مسئله مخصوصه هیچ نوشته‌اند قرار متفق علیهی نبسته‌اند چنانچه در کنگره وینه
نیز همین مسئله مطرح مذاکره گشته و بی‌نتیجه ماند کمیسیونی که در دهم دسامبر ۱۸۱۴ مرکب از [illegible]
هشت دولت امضا کننده کان عهدنامه پاریس مخصوص تشخیص صدارت و آنچه متعلق به
مسئله بود تشکیل یافته بالمآل نتیجه بخشید در این موضوع نسبت درجات وزرا را در سه درجه قرار
قرار دادند اما بواسطه مخالفت و اعتراضات چند این قرار را نیز موقوف کردند
و بالاخره نتیجه آن شد که در ۱۹ مارس ۱۸۱۵ قرارنامه در باب درجات مأمورین خارجه
نوشته شد و در سنه ۱۸۱۸ در کنگره اکس لاشاپل فصل دیگری تقرار داده بر قرار مزبور ضمیمه نمودند چنانکه
در فصل ۱۳۲ نیز مسطور گشته است این ترتیبات و قرار داده‌ها نیز فقط درجات و مراتب
مختلفه سفرا و تقدم و تأخر آنها نسبت به یکدیگر را مشخص نکرده‌اند و چون از این قرارها حیثیت کلیه
کاملاً مضبوط نبوده است شرح و تفسیر نشده و جامع جمیع احتیاجات نبود در باب حفظ این مراتب
و نسبت به نمایندگان خود و تنظیم و لازم شمرده و احترام کلیه نمایندگان را رعایت
نموده و فرستادگان برابر فرستادگان خود تقدم نپذیرند در زمان سابق نظر به اختلافات
مذکوره بین بعضی دول عهدنامه‌های مخصوصه بسته شده و بالاخره قرار کلیه بر آن داده شد که سلاطین جمهوری
نسبت به رتبه و درجه یکدیگر شناخته شوند و هر دولتی که بر ضد این قرار ادعای برتری و تقدم
نمود به سایر مجالس
تا درین مرکز مخصوص امپراتوری است که دارای شرف و شأن سلطنتی باشند منتخب جمهور
که سلطنت ایشان نیز اگرچه در جمهوری‌ها سلاطین شمرده می‌شوند لیکن امپراطورها و سلاطین را بر خود تقدم

تقدم نمی‌دادند
در زمان قدیم جمهوریهائیکه دارای شرف سلطنتی بودند نیز همین حالت را داشته‌اند (مثل جمهوری
ونیز و هولاند و [illegible]) اما جمهوریهای بزرگ این عصر به هیچوجه سلاطین را بر خود تقدم نمی‌دهند
و در این باب با سلاطین همطراز و این مسئله‌ایست مسلّم و متفق
مناسب است در خاتمه مطلب این نکته را نیز متذکر شویم در حقیقه درجه و شأن سلاطین وابسته است
به ملت چنانچه دنیا حال نیز متوجه گشته و گفته است در تبدیل سلطنت به جمهوری یا جمهوری به سلطنت
تغییری در درجات آنها نمی‌دهد
فصل ۶ — در باب آداب و احترامات و تشریفات مخصوص سلاطین و خانواده‌های آنها
رعایت می‌شود از زمان قدیم تا کنون روابط کثیره خویشاوندی تمام سلاطین اروپا را نسبت به یکدیگر
متحد نموده است در حقیقه بمنزله خانواده حاضر کرده‌اند ایجاد این مودت و اتحاد و اتفاق ازلی
دائمی و ارتباط بین ملل برخواسته مستلزم اظهار علامات مودت و خصوصیات نامه
بین سلاطین و خانواده‌های آنها گردیده‌اند و آن علائم به درجه‌ای توجه و اعتنا شده‌اند که نصف
قسمت عمده تشریفات درباری از آنهاست از جمله آن علائم اعلان جلوس سلاطین
و اعلان عروسی و تولد و وفات شاهزادگان و شاهزاده‌خانمها و تبریک در مقام جشن و تسلیت
و تعزیت در سوگواری و ادای تکالیف ولادت در صورتیکه طفلی ولادت شود و غیره
هنگام باتیم نموده بشرح باتیم عبارت است از وضع کردن به مذهب حضرت عیسی
در تحت آداب مخصوصه که آب بر سر طفل میریزند و دعا میخوانند و در اسم گذاری

دارای هنگام وفات و استقبال و پذیرائی و اجرای سایر آداب و رسوم هنگام ورود سلاطین و اعضای
خانواده‌های آنها به یکدیگر رسم تعزیت و تسلیت و تهنیت را غالباً کتباً و تحریراً بعمل می‌آورند آن
(در فصل ۶۰ از جلد دوم در ضمن تشریفات سلاطین ملاحظه شود) و گاهی نیز توسط سفرای دول
دربار متبوع خود این اطلاع را می‌دهند و همچنین توسط سفرای فوق‌العاده تهنیت می‌گویند خاصه در صورتیکه
مقصود اعلان جلوس سلطانی باشد و گاهی نیز کسی را از کمال خصوصیت و مودت علاوه در میان
باشد سلاطین توسط مأمورین خارجه خود برای یکدیگر تهنیت می‌گویند و گاهی نشانهای خود را
مبادله می‌نمایند

باب یازدهم در باب تشریفات بحریه

فصل ۶۲ در باب تشریفات بحریه که درباره سلاطین و شاهزادگان و شاهزاده خانمهای
خانواده سلطنت و سفرای کبار و سفرای و مأمورین خارجه معمول است

چون کمال اطلاع مأمورین خارجه از چند فقره از تشریفات بحریه لازم بود خالی از صرافت
و لزوم نیست که در این مقام بطور اجمال از تشریفات بحریه راجع به سلاطین و خانواده‌های
سلطنتی و مأمورین خارجه بحث کرده شود

برای مأمورین خارجه کمال ضرورت را دارد که بدانند در بعضی مواقع تکلیف کماندانهای کشتی
های جنگی دولت متبوعه خودشان در حین دخول بلنگرگاه و اسکله‌های ممالک خارجه از چه
قرار است تا اگر در صورت مخالف قرارداد‌ها متوجه شوند از روی بصیرت و اطلاع
جواب بدهند

هر کشتی

هر کشتی که حامل سلطان یا شاهزاده یا شاهزاده خانمی از خانواده سلطنت یا سفیر کبیری باشد
بمجرد ورود باسکله از قلعه جات کنار دریا سلام میدهند و همان وقت قرار سلام
توسط صاحب‌منصبی که از جانب کماندان کشتی فرستاده شده است با حاکم محلی یا کماندان قلعه (مقیم)
او و از جانب دولت رسماً بسته می‌شود و آن سلام عبارت از چند تیر توپ است
که غالباً عدد آن طاق می‌شود

در صورتیکه کشتی‌های سلطانی باشد چون سلام سلاطین فوق‌العاده است آن کشتی‌ها جواب
سلام را نمی‌دهند بخلاف وقتی که از شاهزادگان و شاهزاده خانمها و سفرای کبار و وزرای مختار
باشند در این صورت جواب سلام قلعه را باید بدهند و پس از آن کمال احترام
برای کشتی سلام دیگری چند تیر [illegible] مقصود این است که عدد تیرهای سلام و جواب سلام مطابق
باشد [illegible] بین کشتی و قلعه مبادله می‌شود و عدد تیرهای شلیک از طرفین باید مطابق درجه کماندان
آن کشتی بعمل باشد و همچنین آن کشتی محترم باید بر حسب قاعده و قانون در تشریفات
مقدم دارد در قلعه‌جات شلیک مجدداً نمایند و موقوف بقرار معمول کشتی‌ها است
موقعی چند تیر شلیک نماید

سفرای کبار و وزرای مختار در موقع ورود بکشتی نظامی در تعیین سلام و شلیک سلام بنحوی که مقرر است
حالت مخصوص مأمور هست در بارانی دولت باشد پس هرگاه در اسکله‌ها عرض راه
توقف ننمایند آداب سلام و رسوم احترام مزبوره بوجهی رعایت نمی‌شود

چون نمی‌توانستیم جمیع قراردادها و دستورالعملهائی که در خصوص تشریفات بحریه در دول

تمام ممالک معظم دریا مقرر و معمول است در اینجا شرح سلام لهذا قناعت کرده بشمه فقط به نظر قرار

داده در هر صورت حکم اینست که از تاریخ ۱۸۳۷ در مملکت فرانسه معمول و مرسوم گردیده و آن

از این قرار است

در حین دخول امیر به کشتی خواه در حین معمولی بوده است باشد و خواه در هر جهت یازده تیر توپ

می‌اندازند و کماندان کشتی در بالای پله او ایستاده و قراولان سلام نظامی می‌دهند و طبالها

و درات می‌زنند

برای ورود معاون امیر و نزول ایشان یازده تیر می‌اندازند و کماندان کشتی در روی پله او را می‌پذیرد

و طبل حاضر باش می‌زنند

بجهت [illegible] هفت تیر شلیک می‌کنند و در روی پله کاپیتان کشتی او را می‌پذیرد و قراولان سلام می‌دهند

و طبالها چوب بطبل می‌زنند و برای [illegible] خارجه در این مورد همچنانکه احترامات

منظور شده

و بجهت سلاطین و شاهزادگان و شاهزاده خانمهای خانواده سلطنت علاوه بر تشریفات مذکوره

سلام نظامی می‌دهند و درات می‌زنند و علامات کشتی روی ستونهای بیرق بر می‌افرازند و گاهی

نیز تمام روی کشتی [illegible] ایستند و در این حین از کشتی صدای [illegible] زنده

باد بلند می‌کنند هر گاه [illegible] خارجه در [illegible] قرار است [illegible]

قرار بجهت دولت متبوعه خود [illegible] احترامات [illegible] فوق [illegible]

معمول [illegible] سلام توپ را فقط [illegible] در [illegible]

هر جهت که بخواهد از کشتی تحیت کند و در دیدنهای مقرر سالیانه [illegible] بدون شلیک معمول است

در رسم چنان است که در وقت شلیک هر گاه حرکت کشتی مانع نباشد امیر باید برپا

ایستاده کلاه خود را در دست داشته در حین سلام داده باشد

بقیه از کشتی که در حین نشسته و در تحیت می‌آید از روی کشتیهای مقرری که جز آرام [illegible]

که بیرون آمده شلیک تعارف و ورود بقیه تحیت انداخته شود

در ممالک [illegible] متبوعه [illegible] از کشتی تمام احترامات مذکوره بعلاوه در [illegible] ابتدا

بجا آورند شلیک توپ

فصل ۴۶ در باب سلام وسط دریا و استقبال در جلوی کشتی بقیه

اهمیت فوق العاده در سابقا به سلام کشتیها داده می‌شده است هر وقت در نظر حال حاضر

مقتضیات زمان فزونی کشتیهای تجارتی و جنگی و تعدد آنها در وسط دریا [illegible]

و عادات سابقه را بالضروره تسهیل و تغییر نموده است در کشتیهای [illegible]

رنگ و علامت [illegible] کشیده و [illegible] کردن بیرق [illegible] سلام [illegible]

منسوخ داشته و تبدیل شلیک توپ و صدا کرده‌اند

در سال ۱۷۲۱ [illegible] عهدنامه مخصوصه روس و سوئد [illegible] در خصوص سلام بحری قرار

[illegible] عهدنامه [illegible] کشتیها [illegible]

بحریه سلام [illegible] و لیکن [illegible]

دادن [illegible] کوچک [illegible] کشتیهای [illegible]

دیگر مجبور نخواهند شد که هر وقت بلنگرگاههای ممالک جمهوری ونیز وارد شوند از اول طرف
سلام کنند ولی این توقعات و ادعاها بمرور ایام موقوف گشته و بتقاید سلام دست
طلب آزادی بحری موقوف گردیدند فقط دولت انگلیس رسم و عادت قدیم خود را با همه نبردها داشته
اند حفظ نموده در معاهده ۱۸۱۴ مقرر داشت که کشتیهای هولاند نسبت بکشتیهای انگلیس پیش دستی
سلام باشند خلاصه کلام و آنچه که از مباحثات و مکالمات متوالیه از ماده در باب
سلام بحری تولید شدند بدوا چند دولت قرارداد و مقابله بمثنی دادند و در خیلی از موارد
دیگر بالاخره دست از ادعا کشیدند چنانکه فرانسه و روس در معاهده یازدهم ژانویه سنه ۱۷۸۷ فصل ۲۰
مقرر داشته اند که خواه در وسط دریا و خواه در ورود بلنگرگاهها صاحبمنصبان کشتیهای آن دو دولت
بهر درجه و رتبه که باشند بهیچ قسم و بهیچ طوری بیکدیگر سلام ندهند

پس از چندی بموجب عهدنامه مورخه ۱۹ ماه چهارم از سال دوم جمهوری بکشتیهای جنگی
جمهوری فرانسه حکم صادر شد جواب سلام جمیع کشتیهای دول خارجه را تیر بتیر بدهند
در فصل ۲۲ و ۱۹ عهدنامه ۱۸۰۱ و ۱۸۰۹ منعقده مابین روس و سوئد مندرج است که محض
اجتناب از نزاعهائیکه در مسئله سلام کشتیهای جنگی دو دولت ظاهر میگردد بالاتفاق قرار داده
میشود که هنگام تلاقی کشتیهای جنگی این دو دولت بر روی دریا هر کدام صاحبمنصب آن پست تر
از صاحبمنصب کشتی دیگر است مبادرت بسلام نماید و کشتی دیگر مطابق همان جواب
بدهد و هرگاه رتبه هر دو صاحب منصب یکی باشد هیچیک سلام ندهند و هنگام عبور از جلوی
عمارات دولتی و لنگرگاهها و قلعه جات یا در وقت ورود در سلام سبقت نماید و قلعه جات

و قلعه جات جواب بدهند

اکنون مدت زمانی است که مسئله تقدم کشتیهای یکدیگر نسبت بدول بحری مرتفع
گردیده ولیکن تشریفات بحریه بین دولتها یا خارجه بهمان طورهای مختلفه معمول بوده است بدلیل
اینکه علامات و احترامات دولتها بایستی بر قرار شایسته وقت و محل خود است
تشریفاتی را امروز بسته خوب و معمول میباشد بقدر ضرورت و لزوم است یعنی باندازه است
که حکم آزادی محل مقتضی اظهار خصوصیت بدولت علامات حرمتی بین آنها باشد و احترام صاحبمنصبان کشتیهای
هر ملتی موافق درجات و شئونات آنها گذاشته شود کشتیهای جنگی در هنگام عبور از جلو
قلعه جات و لنگرگاههای بحریه یا در حین لنگر انداختن سلام میدهند جواب آنها را همیشه باید تیر بتیر مطابق داد
چون بمنزله آنست که یک ملتی بملت دیگر سلام داده باشد و در صورتیکه هر دو طرف متعلق بسلاطین جدار
باشند حق هر دو یک نیز است و بدیهی است که مقتضی محبت و صفا آنست که هر کشتی که حرکت
مینماید یا وارد میشود مبادرت بسلام نماید (کرر در حالت استثنی شده در فصل ۴۷ ذکر نمودیم)
و این قسم سلام تقریبا در همه جا معمول و مجری است و چنانکه در این باب از یکطرف گاهی شروطی در معاهده و عهدنامه
باید کرد نه بعهد و غرض چرا که غرض و عمدا آن واضح گردد

۵

هرگاه در وسط دریا یا در نقاط دیگر که متعلق بدولت متوسطه باشد کشتیها بهم برسند مجبور بسلام دادن
نیستند ولی هر کشتی جنگی که در داخل بیرق امیرالی بوده باشد بکشتیهای پست تر لازم است که در سلام دادن مبادرت
نماید و نیز کشتی واحد بیک دسته کشتی در سلام مبادرت مینماید هرگاه سلام کشتی شخصی باشد
یعنی صاحبمنصب بزرگتر در کشتی است بدهند در جواب عدد تیر سلام را به نسبت درجه

صاحب‌منصب کوچکتر تخفیف بیابد لیکن باید ملاحظه و دقت کرد که سلام صاحب‌منصب نشسته
بسلام علی نگردد و همچنین زمان سابق اسباب نزاع و گفتگو نشود چه در این زمان این قسم مباحثات
کلیه از میان برخاسته است

فصل ۹۶ در باب بیرق کشتیها

کشتیهای جنگی در داخل لنگرگاه یا لنگرگاههای خارجه مجبورند بموجب احکام تشریفات بحریه مقرر است که در
موسم جشن و شادکامی و غم و سوگواری با انواع ظهورات و علامات بحریه از جانب دولتی که لنگرگاه متعلق است
تبعیت باید بر وفق تأثیر

در چنین مواقع نوعی دقت و احتیاط باید عمل نمود در اسباب اظهار و بخشش دول خارجه نگردد و بر عادات
آداب و ملاحظات در روابط بین ملل منظور است که خدشه بعمل نیاید

استعمال بیرق در چنین مواقع غالباً اسباب اختلاف و گفتگو بین صاحب‌منصب دولت گردیده است
و محض اجتناب از این قسم مباحثات در مملکت فرانسه از روی کمال عقل و تدبیر حکمی صادر گردیده
که جز بیرقهای علامتی و بیرقهای فرانسه بیرق دیگری زده نشود و مقصود از بیرق دیگر بیرق تیره است
ولیکن چون در میان بیرقهای علامت بعضی هستند در شباهت به بیرقهای ملتی دارند باید در وقت
زدن کمال مراقبت را نمود که مشتبه نشود ولی بهترین احتیاط آنست که آنها را متروک دارند
معذلک هر گاه بخواهند بیرقهای ملتی را استعمال نمایند جاهای محترم مطابق تعیین آنها کشف شده
از این قرار است

جای اول دو ستون بزرگ پشت سر دکل در سمت راست کشتی جا جا

جای دوم همان ستون در سمت چپ کشتی
جای سیم مابین دکل و ستون دست راست کشتی
جای چهارم قرینه جای ستون در سمت چپ
جای پنجم ستونچه پشت ستون دست راست مقصود است
جای ششم قرینه همان ستون در طرف چپ

در صورتیکه عدد بیرقهای خارجه زیاد باشند بهتر است آنها را در دو ستون جای ترتیب اول و دوم دکل کشتی
نصب نمود بهمان ترتیب در برابر مرتبه بیش ذکر شد و هیچوقت نباید بیرق را از زیر چوب دماغه
کشتی آویخت

کشتیهای جنگی فرانسه در ممالک خارجه در اولین جای محترم بیرق همان ملت را که در لنگرگاه آن اند برافراشته
میکشند و پس از آن بیرقهای جنگی ملل مختلفه که در همان لنگرگاه لنگر انداخته اند در مواقع
ترتیب درجات صاحب‌منصبان و کماندانهای آنها و نیز در صورتیکه کماندانهای آنها یک درجه باشند
ترتیب ورود آنها را رعایت میکنند و هر کشتی که زودتر وارد لنگرگاه شده باشد بیرق او از تقدم سرافراز
اول را این نکته نیز خالی از اهمیت نمیباشد و بنابر اتفاق بسیار شده در ایام عیدهای ملی و مواقع
غم و سوگواری دولتی کشتی جنگی خارجه در لنگرگاه آن دولت لنگر انداخته باشد مکلف اند در مراسم
عیش و شادکامی، غم و سوگواری با کشتیهای آن دولت شرکت نماید و آن وقتی است که رسوم جشن
یا غم و اندوه مخالف مذهب و کیش و آئین و طریقه ملتی باشد که آن کشتی متعلق به دولت است پس در
چنین مواقع تکلیف کشتی بمالت خود ماندن و باقتضای وقت رستن از آن نقطه است

شد در موقعی که آن دولت با دولت ثالثی در جنگ باشد، دولت متبوعهٔ کشتی بیطرفه دو دولت را

جنگ و فتح نموده باشد، یا اینکه خود آن دولت را شکست داده شد به هر صورت در این صورت

آن کشتی شریک عیش و ماتم متبوع شده. اگرچه این رسم خالی از عرف نبود و لیکن سلیقهٔ مستقیمه

و شرافت لطف و حسن فطرت تمام این گونه مراسم تکالیف لازمه را بهتر معین می‌نماید کرد. حقیقت

این است که مسئلهٔ تشریفات ربطی به تقدم و تأخر و تنزل ندارد و در مقام ثابت و مستحکم دول

نمی‌توانند بهانهٔ رنجش و کدورت وارد سازند و فی الحقیقه این مسئله مبادلهٔ دوستی و خصوصیت بین الدول است

فصل ۷ در مراسم سلام کشتیهای تجارتی

سابقاً بیان نمودیم که پائین کردن و پیچیدن بیرقها در کشتیهای جنگی برای ادای مراسم سلام متروک است

و هرقدر هرگز نمی‌پیچند و فقط مرتبه متروک شده و لیکن کشتیهای تجارتی به کشتیهای جنگی دولت خودشان

یا سایر محض رعایت احترام بیرق خود را سه مرتبه پائین می‌کشند و بالا می‌آورند و رسم سلام را جاری

می‌نمایند و از طرف کشتیهای جنگی فقط یک مرتبه جواب سلام می‌شود

بر خیر این رسم نهاده‌اند که کشتیهای جنگی هم‌سان دولتی معمول است که کشتیهای تجارتی متعلق به آن

منعه یک نوعی از تبعیت مجبور می‌شود چنانکه بیرقهای کشتیهای دول الوان مختلف و متمایز صورت

متقدمه ملت متمدن آنها مجری و ترویج نموده و برای رسم آداب آنها را منتصب می‌کشند

چه پائین کشیدن بیرق نوعی از تخفیف و علامت طاعت و تمکین نسبت به صاحب آن است

و در مقام سلام به هم‌سایر بلند کشتی را پائین نمی‌کشند گاهی رسم کشتیهای تجارتی نمایان نزدیک بیرون

طناب بیرق را حرکت می‌دهند و نیز در صورتیکه توپ داشته باشند بشلیک توپ سلام بدهند

می‌دهند و اگر توپ نباشد سه مرتبه شلیک تفنگ می‌کنند

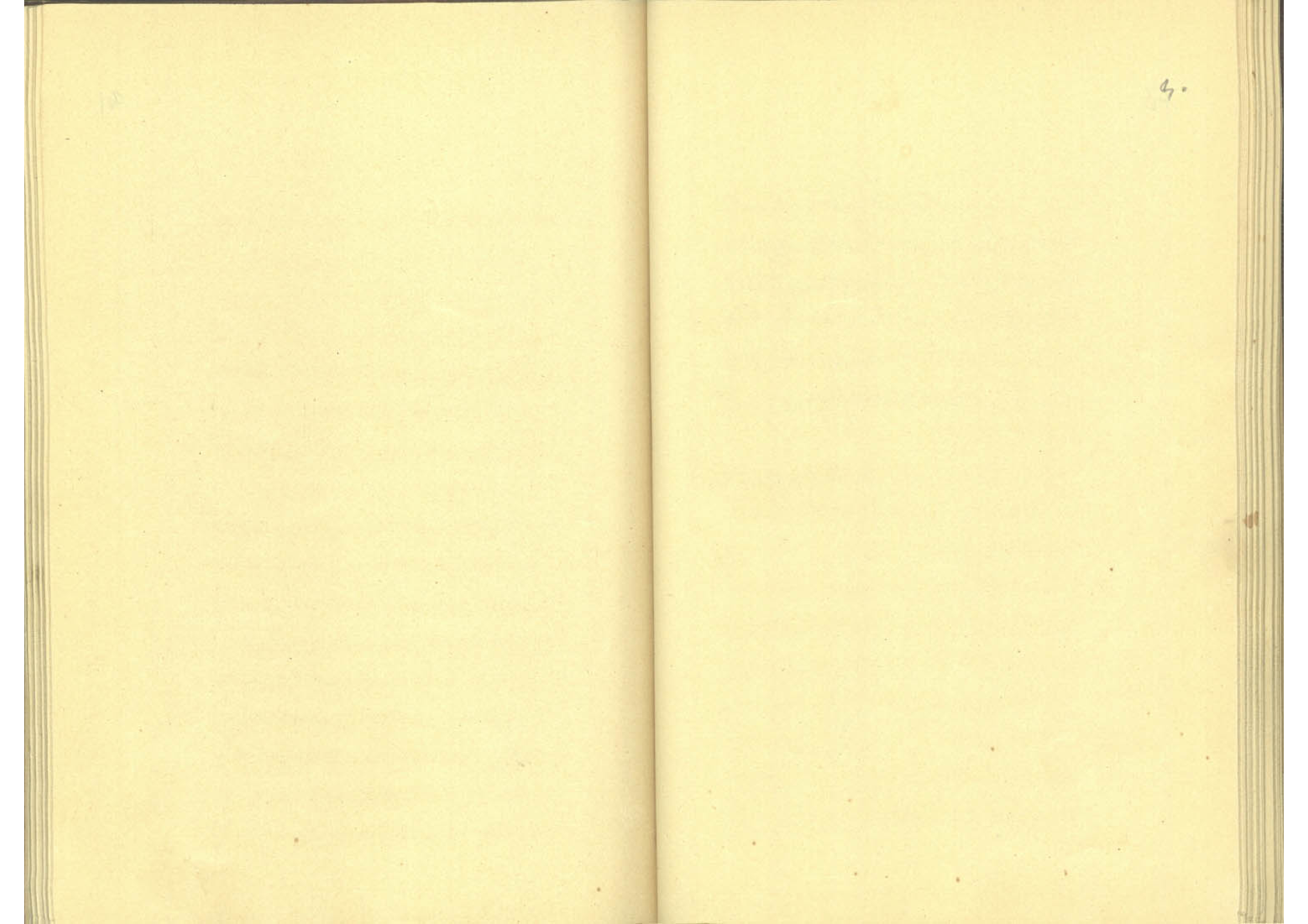
از ابتدای عصر حالیه در عهدنامجات کمتر توجه به سلام بحریه شده‌اند عهدنامهٔ آخری در باب مشکوکات

عهدنامهٔ سنهٔ ۱۸۳۹ است در بین دولت بلژیک و نیابت سلطنت تونس منعقد گردیده و لیکن بعد از

به اقتضای عادت سیمی باید رفتار کرد و هرگاه بخطی در دولت اتفاق بیفتد فصل تشریفات عهد

نامه‌های قدیم را دو دولت در هر باب کمتر مشاهده خواهند نمود

تمت الرساله والحمد لله اوله و آخره و ظاهره و باطنه



باب اول مقالات قونسولها

فصل اول در باب وضع و بنای قونسولگری و بیان حقیقت و معنی آن

لقب قونسولگری در سابق در جمهوری لقب بزرگ و مخصوص اعاظم اشخاص معتبر آن مملکت بود پس از آنکه جمهوری آنجا
بامپراطوری مبدل گردید از شرافت و امتیاز اولیه خود باندک درجه تنزل گرفت و در اوایل
همین ایام ناپلیون اول چندی خود را باین لقب معروف ساخت مجددا اوج گرفته شرافت سابقه بهم رسانید و در بعضی
دول دیگر آنرا به نوعی از درجه عزت و اعتبار رفته ده بود در بعضی از شهرهای ایطالیا به رجالی از [illegible] داد از اداره
بیت اجانبیه تعلق یافته بود

هنگامی که جمعی طوایف در تسخیر رفت المعمور و غیره بودند از جهاد در آن زمان لشکر کشی نمودند و شهرهای
مزبور ثروت و تمول خود را صرف تجهیز لشکر و کشتیهای جنگی مینمودند و بعضی بحر سیاه در تحت حمایت
سلاطین در بنادر شرق افراشته بودند مخزن ثروت و تمول بی اندازه تجار گردید و عدد زیادی
جمع کثیری از تجار و ارباب صنایع از اطراف و اکناف عالم در آنجا متفق شده و در آنجا ملحق شدند و حمایت
و حراست ... لهذا از ترتیب و انتظام امور تجارت و شرکت و تسویه محاسبات خودشان آن
جماعت ناچار شدند جهت هر چند نفری را از جماعت و قضاوت از میان خود منتخب
نمایند و اجرای تنظیمات و قواعدی که وضع نموده بودند بعهده آنها تفویض داشته اطاعت و تمکین
آنها را در عهده شناسند پس چنین کردند و آنها را قونسول نام نهادند

همین که رسم مذکور در سمت شرقی بحر سیاه معمول شده اول گشت سایر تجار و بازرگانان نیز [illegible]

آن سامان نیز محض ترویج تجارت تأسیس و تقلید نمودند برای خود رو ساختند و نمودند خاصه در ایران
نیز پسندیده افتاد و آنها نیز موضوع اعتنا و حسن قبول واقع شد و آن اشخاص نفع قونسولهای قاضی برقرار گشته شد
و از یک سال تاریخ محاکمات تجارتیه بعهده ایشان مفوض گردید

و چون از جانب مستقل از آن خود بطور شعبه و حسب دستور انتخاب میشدند بدون اینکه اندیشه
دوام همه شغل خدمات و درجات خود بودند چه حکم متصرفات را نیز دیده و بهره مستقیم
که در امور آنها در میان اداره خدمت کرده و زحمت میکشیدند خلل و اغتشاشات نیز قونسولهای خارجه
در هر موقعی مقتضای تغییر وضع و اختلاف السنه اگر چه دعاوی و عادات مختلفه در زور را دیده
کاپیتولاسیون) موسوم و مرتبط با امور تجارتیه و شرکت تقویه و اصلاح اختلافات
و منازعات و ترویج معاهدات و قرار تجارت و تسهیل معاملات و ... تجاری و ... تجارتی
دیگر به میرسید

از ابتدای سنه سیزدهم شهرهای معظمه روسیه بحریه و بلاد داخله تا ملک امور تجارتیه خوب تنظیم کرده ذکر شد
اداره میکردند پس از آنکه چندین ترقیات مهمه کفایت اقتضای وضع امور مملکت را ننموده بود
ننموده چه طرف مناقشات بحریه مستمر جاری شده روابط ملل و طوایف روز بروز رونق و تکمیل گشته
کثرت معاملات و وسعت میدان ادارات مزبوره اقتضای ضروریات و لزوم ضبط نمودند
علیهذا در سنه چهاردهم مأموریت مخصوصه دولت قونسولها در ممالک خارجه نیز از لوازم ... اداره
استخدام آنها بوده در قلم حکم لازم شمرده اند
و از حیث اهمیت که از پیشرفت امور تجارتی و حمایت هموطنان مسافر و اصلاح دعاوی و حقوق ...

و خدمات
و تقویه معاملات آنها و گمرکی قرارها و حفظ مناسبات و روابط صلحیه بین ملل و نظم و ترتیب
مأموریت و سرا و دولت بین الملل در ممالک خارجه بر وقوع اهمیت یافته بود که از طرف مأمورین تجارتی
پولتیکیه دائمی سفیر و وزیر مختار و جنرال و از یک طرف دیگر اجرای ثبت قونسولگریها و مأموریت آنها کار خاص
از اداره حسب به دیگر بانیهای تجارتی خارج گشته به بست دولت گذشت

مستمراً جمیع ملل و طوایف به واسطه نشان با ایران و سیرانی در روابط تجارتیه و دیگر به آنها اوج و اعتبار
میگرفت ترقیات به جای و تنظیمات فایده تری برای خود حساب میکردند و حاصل نزد مأمورین قونسولها
روانه میداشتند و تسلط و اقتدار آنها میافزودند در آن هنگام فقط ادارات و اقتدارات آنها خیلی
مرد نام برای هر چیزی مقرر دارند بعد تدریجاً کاسته شده است
از شرح و تفصیل در ... مباد ... مشخص و معلوم خواهد گردید در وضع ترتیبات عالیه قونسولگری
نسبت به سابق چقدر تغییر کرده است

فصل چهارم — در بیان وظیفه و مأموریت قونسلی

جانب
از وضع ... از این شرح و بسط ندیده لازم نمیشماریم در ترتیبات و وضع عالیه قونسولگری
و اینکه مقتضیات ... چگونه آنها تغییر و اصلاح نموده است دقت و تحقیق نمائیم و لیکن
بیان تکالیف و وظایف قونسولها خالی از ضرورت و لزوم نیست ... مأموریت آنها در
... چه جهت است و این مسئله در صدد که از بعضی قصورات و اهمیت آنها را تیره نموده صرف
نظر کنیم بنفسه از شرح مأموریت قونسولگری صرف و روشن توانند شد
مأموریت قونسولها عبارت است از مراقبت و توجه کلیه منافع تجارتی و دیگر و حمایت تبعه دولت

[٢] در بلاد خارجه اسباب حضرت ... گردیدند و از آنجا تاریخ انتخاب قونسولها ...

متبوعه خود در حقوق شمرده و در کسب صنایع و سرپرستی آنها در امور عادیه و متوسطه و مساعی در دعاوی و محاکمات

و تظلمات و تسویه و اصلاح اختلافات و شهادت و حکمیت قضایای مهمه و امکان و اوراق

که مأموریت قونسولها منحصر است بانچه ذکر نمودیم در مطالب پلتیکیه در روابط خارجه بهیچوجه حق مداخله

و تصرف ندارند

در دولت قونسول ژنرال قسمی از مملکت خارجه است بشخص دوم رتبه قونسول حکومت ایالات

و از جانب دولت متبوعه آن قونسول سفیر مخصوص مأمور به سفارت و مقیم دربار آن دولت است

که با سلطان دولت و مستقیماً گفتگو می‌نماید پس حفظ منافع ملتی فقط از تکالیف خاصه سفیر است

و توجهی بقونسولها ربطی ندارد چه بواسطه بعد آنها از دربار نمی‌توانند از عهده خدمات مزبوره

برآیند اعتبارنامه که به سلاطین است آنها داده نمی‌شود سهل است سلاطین اینقدر هم توجه

آنها را کاملاً ممکن نیست بشناسند انچه در خصوص ضرورت آنها برسد قونسولها بهیچوجه خود مأمور

دیپلوماتی محسوب نمیشوند و در این صورت تقاضای مخالفت دیپلوماتی در خصوص مأمورین دیپلوماتیک

برای آنها اسباب عدم اعتماد و اختلاف مناسبات خواهد گردید زیرا که قونسولها فی الحقیقه خود

تابع سفیر دولت متبوعه خود است در امتیازات و احترامات اولی تبعیت درباره او می‌گردد

و بنابراین هر سلطانی معدود قونسولهای خود در هر یک از ممالک خارجه و در تحت سفیر و منظر حقیقی خود

مطاهر دو کلای عدیده میسر است و مدیری است و این مرحله اسباب عدم اعتراض و اختلاط

و اشکالها می‌گردد و چنانکه این رسم و قانون بتقاعده بذیرفته نشده و در بعضی دیگر قونسولها

در ممالک خارجه چنانکه گاهی ذکر شد احترامی نیست از تبعه دولت اجنبیه اتخاذ بسیار نیز آن

هر چه آن سلطان در آن و چند وکلای عدیده در آن مملکت بیند و شاید هیچ نفر و تبعه خود را در

دیگر تبعه دولت اجنبیه و صاحب امتیازات و شئونات بجهت و منجر آن میشود که اینگونه قونسولها

از حفظ امور تبعه خود تمام عمال شمرده میشوند بلکه بواسطه اختیارات پلتیکیه نیز مداخله میکردند در امور

سیاسیه تکالیف بزرگ و تکالیف مهم خود شان مردود و معطل می‌ماندند

بعید نیست در مدخلات مذکوره و مدخلات دیگر که تفصیل آنها را از نظر ما صرف نظر

کرده‌ایم از نظر بعضی از مصنفین حقوق ملل رفته باشد و شئونات و تعلقات دیپلوماتی و صفات

پلتیکیه آنها را در حق قونسولها نیز جایز شمرده‌اند اگر چه بعضی از آنها در شئونات مزبوره ملاحظه

جزئی معتقد باشند ولی این عقیده بالتمام باطل است ما نیز در حقیقت به قونسولها شئونات دیپلوماتی

و پلتیکی داده نمیشود اگر چه در معاهده رتبه قونسولها نیز دخالت در حقوق ملل شئونات بالکلیه

را تنها را ادعا کرده‌اند ما نیز قبول نمی‌نماییم بمنصب و مقام مزبور و برای قونسولها در شئونات و احترامات

آن برخلاف حکمت است و منشأ آنست که رتبه و در حدود تصرف حقوق مخصوصه وارد گردیم

باشیم و اگر قونسول خود در بعضی دیپلوماتیک شمرده شود همان شئونات وزارت علیه بر خود شئونات

این نقض احترامات میکنند زیرا که شئونات لازم منصب است نه شخص متصدی آن منصب

دیگری میگیرند که شبه زدن خیر در گذاره در میان مصنفین دیگر دیده‌ایم در این مقام صاحب

دقایقات بی اعتنا در حق قونسولها معتقد باشند مثل کرس اوتفت و دوکنور

و نبورد و دارس و کلید در حقیقت این عقیده بوده و مینویسند در هر قوه مخصوصه میکنند

که قونسولها منصب دیپلوماتی دارند و در مقام مخصوص بهانه حق میدهند و آنها را در حقیقت

در صورتیکه مأمور بوده و در محکمه قضاوت کرده است داخل مستشار در تحقیقات بر تو به خصوص تصریح کرده‌اند
که قونسولها همچنین از محاکمات محلیه و تحقیقات و تکالیف عمومی معاف باشند و نیز
نظر بهمین نوع تشریفات دیپلماتیکیه باشند غایت اشتهار در همین قواعد و اصل مذکوره
این حقوقات را عموم نموده است فی الحقیقه قونسولها حال تازه [illegible] مشغول تعطیل
نیستم باشند شغل آنها شغل دیگر است و بدیهی است که آن شاغل نیز از شاغل جمله [illegible]
و برای ایفادن آنها [illegible] و تمام قسم اطلاعات و سابقه تجربیات لازم است
و چنانچه هر جهت [illegible] آن شاغل باشند [illegible] تا در این شخص حیثیت شود

فصل سیم در باب محاکمات قونسولها در ممالک خارجه

از بدو امور [illegible] بواسطه ترقی مناسبات خارجه [illegible] گذشته بود بهترین
مناسب [illegible] حقوق [illegible] محاکمات قونسولگری [illegible]
گردید در دول اروپا [illegible] شده [illegible] جزو حقوق سلطنت است و تسلط و اقتدار
قونسولها است [illegible] اوضاع و خطه مملکت میگردد و [illegible] خارج از [illegible]
دیده [illegible] و حقوق محاکمات قونسولگریها [illegible]
محاکمات قونسولگری در ممالک خارجه کلیتاً موقوف باذن و تصویب سلاطین خارجه است
و صرف آن عهدنامجات مخصوصه مخصوصه [illegible] معلوم میگردد و چنانچه عهدنامجات را [illegible]
بعض [illegible] و قواعد [illegible] موافق عادت و رسمی مملکت در آن [illegible] شروط
باشکه [illegible] معاهدتین متعاقبه [illegible] شود غالب

غالب دول علوی [illegible] در عهدنامجات که به قونسولها حقوق حکمیت قبول نموده‌اند ولی [illegible] را هم
در رجوع [illegible] محلیه خواه [illegible] و اراده خود باشد با [illegible] اجازه قونسول [illegible] کرده‌اند چنانکه [illegible]
از دول [illegible] نیز [illegible] جایزه بدانند
در صورتیکه معاهده و قرارداد مخصوص در میان نباشد قوانین مملکتی و احکام سلطنتی و قرارداد [illegible] دیوانهای
محلیه [illegible] و دستورالعمل [illegible] لازم است صرفنظر از آنکه قونسول [illegible]
و در هر صورت دستورالعمل و تعلیمات [illegible] قونسول [illegible] حقوق و تکالیف [illegible] و مجموع [illegible] نیز
زیرا که [illegible] لازم [illegible] آن [illegible] و تصویب سلطنت محلیه [illegible] مقرر است
دستورالعمل [illegible] قونسول خود [illegible] اختیارات [illegible]
را به [illegible] متقابله در مملکت خود [illegible] خواهد بود
معروف [illegible] که محاکمات [illegible] گشته [illegible] قونسولها
و [illegible] سیاسیه نیز [illegible] به [illegible]
اما در خصوص محاکمات عرفیه غالب دول [illegible] مشاجرات [illegible]
[illegible] کارخانجات [illegible] قونسولهای خود [illegible] و در اینصورت هرگاه لازم شود
قونسول میتواند برای [illegible] حکم از حکومت محلیه طلب تقویت نماید
قونسول در [illegible] این [illegible] دیگر [illegible] بلکه [illegible]
قونسول در صورتیکه [illegible] با صلاح [illegible] حسب [illegible] و [illegible] حکمیت و [illegible] نیز [illegible]
[illegible] از [illegible] و [illegible] اعم از [illegible] کارخانه [illegible]

[illegible] منصب [illegible] قونسول [illegible]

تجار و غیره قونسول قبضهای تخفیف خود را بدهد کند که کار آنها تصحیح بکند و آنها را اطلاع بدهد که در صورت

عدم تمکین تصحیح حکم آنها چه خواهد بود

و در صورتیکه طرفین برغبت و رضا توسط و اهتمام قونسول را تمکین کردند از روی کمال بیطرفی و بیغرضی میانه آنها قرار

میدهد و منتفع بهیچگونه مخارج و رسوم نمیشود نهایت فقط اطلاع از حقیقت عمل کشف طرفین نمود بر حسب نمودن اسباب

راجعه بمسئله متنازع فیه بود باکمال دقت تشخیص رسیدگی کند و چنانکه آن مطلب اهمیت داشته باشد در صورت

آن اسباب برده داشته مشتبه بود قونسول مملکت خود و بطالب سیمی و متشبثین قوانین تجارتیه و بحریه بدرسها قاعده

احکام قونسول نهایی نمیشود بلکه باید در روی کاغذ نوشته شود و مدعی و مدعی علیه اطاعت کنند امضا دارند

پس از آن هر یک از طرفین که نخواهد قبول کند میتواند بهمان حکم رجوع دهد و در عدالتخانهای مملکت خودشان ابراز داشته

و تجدید مرافعه کنند

طرز تسویه و انجام امور که بمملکت قونسول راجع میشود مقرر است که بیان نمودیم ولی هرگاه دعوا از جمله

دکلیسو با حرارت و عمل کشف دشمنیهای تبعیه غیر اعم از اینکه مسئله شرعی باشد یا عرفی لازم ببینند

از دو نهایی عادیه محلیه رجوع شود

در صورتیکه مدعی و مدعی علیه توسط و حکمیت قونسول را نپذیرند یا در صورتیکه بطرف تبعه دولت دیگر باشد تکلیف

قونسول آنست که تبعه خود را همراهی کرده طریق اقدام مرافعه و قانونی را در مسئله متنازع فیه راجع است

باو نشان بدهد و او را بوکلای درست کار رهبری و دلالت نماید و در باطن حفظ او را ده و کفایت خود را مخارج

حقوق او را که از کرده ز او بفرمایند و جهات تأخیر و تعطیل بود با حضرت تبعه خود نشد بر تقع

سازد قونسول بهیچوجه حق ندارد در محاکمات جنایتی و شبهات مداخله کند خواه تقصیر آنها

شهادت از تبعه دولت خود او سرزده باشد یا باتفاق تبعه دولت دیگر مرتکب شده باشند

هرگاه یکی از تبعه او در یکی از دریاها در قلمرو سلطان متبوع او دولت متهم بتقصیر و شرارت یا گناه دیگر گردد

حکومت آن بعدالتخانهای دولت متبوعه میرسد و در اینصورت قونسول مشار الیه در رجوع

بآن مسئله تقصیر کرده بتنظیم ترتیب نماید و مختصری ترتیب میدهد و شهادت کافی و سایر شهود در آن

منزل حاضر شده و تقصیر آن نوشته جات بوطن خود عودت میدهد هر وقت در تحقیقات معیر

آید و صورت صحیحی نیز از استنطاق و جوه و ضمیمه آن اسناد هر نحو مقتضی بود در زمان که در کشتیهای مملکت خود دارند

تاید در دو روز باسناد است کاپیتان کشتی سپرده نوشته بکند در تسلیم کافی نسخ آن دولت متبوعه خود کند

در صورتیکه یکی از تبعه دولت متبوعه قونسول در عدالتخانه محکمه تحت محاکمه گرفته باشد قونسول نیز

در آنجا حق حضور دارد ولی در نشانحقوق و جهات مزبوره دولت مکتبه شخص تکفل شده هرچه تحقیق حاکمه در صورتیکه

متقصر تر جنس با فقیر باشد هرگاه امر مزبوره غایب تبعه دولت متبوعه او دو حق بود و همچنان

اشخاص از دولت تابعه مخصوص باشد قونسول خانه حق جهات اسناد ندارد و اگر با بعضی قونسول راجع

از تبعه از جمله غفلت در گفتگوهای حقوق رجوع مدیر آنانی های محلیه چون چیزهای است قونسول گرفت

بر بیخود لهذا را اعم از اینکه متهم محقق باشد یا نباشد بر مرتبه از بنادرت خارجه اظهار داشته مختار

تکلیف باشد

فصل چهارم در باب سفرها و مسافرت قونسولها

هر چند قونسولها نمیتوانند منظور ملاقات و مسافرت و اجرا ایالت باشند در حق اما مرسی در سواحل

تخصیص شده است ولیکن بحکم عهدنامجات مخصوصه و با تقصیر رسالت اینها هم عنها لزوم تعیین قنصول سیار است

و احترامات درباره آنها رعایت شود و کفیلهای هر دولت که امتیازات هر کدام در همه جا یک نهج و یک میزان نیستند و در هر مملکتی تفصیل و تشخیص آنها موکول بشروط [illegible] معتددی از عهدنامجات و [illegible] و تشخیص آنها بسته شده است لا محاله معامله متقابله با آنچه که در حق آنها رعایت شود در همه جا منظور و مرعی [illegible]

نظر باینکه هر دولتی در اعطای امتیازات [illegible] بقونسولهای خود [illegible] بهر نوع بخواهد صلاح برای مملکت است مختصری بیان خواهیم نمود امتیازاتی برای [illegible] باشند چه چیز و لازم قسمت [illegible] باشند

همین قدر [illegible] قونسولی [illegible] (فصل [illegible]) قونسول در صورتیکه مخالف [illegible] باشد [illegible] حالت [illegible] عمارت [illegible] بکند و [illegible] مملکت [illegible] نشود [illegible] در صورتیکه قونسول [illegible] و [illegible] [illegible] [illegible] باشد و [illegible] از [illegible] دیگر فرستاده شده باشد و غیر از ماموریت خود در آن مملکت تجارت و شغله دیگر هم داشته باشد و [illegible] صاحب [illegible] باشد در [illegible] از [illegible] قونسولی و [illegible] دیوانی و [illegible] قسم [illegible] دیگر [illegible] باشد [illegible] تبعه قونسولها [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] بماموریت رسمیه خود در آن مملکت بتجارت یا شغله دیگر [illegible] نشوند [illegible] باشند

این قونسولها [illegible] و [illegible] از [illegible] [illegible] و کفیلها [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

ضرورت عرض [illegible] کلیتاً قونسولها بنا بر [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] و کفیل در صورتیکه [illegible] تبعه مملکتی [illegible] باشند و [illegible] از [illegible] و تجارت [illegible] باشند و [illegible] [illegible] باشند و اگر [illegible] شرعیه و عرفیه [illegible] باشند [illegible] آنها را توقیف و حبس نمود مگر آنکه مرتکب [illegible] شده باشند اما قونسولهائی که تبعه دولت محلیه هستند در صورتیکه [illegible] [illegible] [illegible] چنانچه قونسولها [illegible] تبعه خود مرتکب تقصیر [illegible] باشند مسلم است که [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] تمام نوشتجات دفترخانه قونسولگری محترم [illegible] و [illegible] [illegible] [illegible] نمیتوان [illegible] آنها [illegible] [illegible]

[illegible] و امتیازات قونسولها در ممالک اروپا [illegible] است که ذکر شد و کفیل [illegible] [illegible] بموجب عهدنامجات و [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] در باب [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] رجوع باید نمود

فصل پنجم در باب ترتیب درجات قونسولها

قونسولها [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] قونسول [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] و در [illegible] [illegible] تبعه او در آن [illegible] [illegible] دارد

ترتیب قونسولها بقرار ذیل است

قونسول جنرال — قونسول درجه اول — قونسول درجه دویم — قونسول شاگرد — دفتردار — اطاق قونسولی — مترجم
وایس قونسول

قونسول جنرال رئیس هیئت قونسولگری بندر یا ولایت است در مملکتی که قونسول جنرال با شهر پایتخت جای قونسولگری
های آن مملکت بعهده سفیر است که مقیم دربار آن دولت است

قونسولهای درجه اول و درجه ثانی نیز وایس قونسولها تابع جنرال هستند و با مراسلات عدیده در دایره
قونسولگری آنها میکنند و هر قسم امرا در حفظ منافع مملکت خود لازم بدانند بجنرال قونسول و همچنین
بسفارت دولت متبوعه خود اطلاع بدهند

قونسول اسکرتر [illegible] در تبعیت جنرال قونسولها و قونسولها هستند و در ردیف وایس قونسول خود موقتاً میتوانند
امور قونسولگری را اداره کنند چنانچه در فصل [illegible] از ذیل مسئله مشروح گفته است جمیع
قونسول جنرالها و قونسولهای درجه اول و درجه ثانی از دو اشخاص [illegible] دفتردار لازم است داشته باشند
چنانچه در فصل [illegible] از فهرست داده شده است

از آن قونسول از جانب قونسول جنرال معین و با مور محوله داده شده [illegible] قونسول نیز شاگرد میشود
در صورتیکه ضرورت تقاضا با مور رسمی نماید دکاهی [illegible] با داشتن [illegible] بآنها
لقب وایس قونسولی هم میدهند

قونسولهای درجه اول و دوم در اداره امور مملکت و پولتیکه قونسولگری مستقل هستند و قونسول جنرال
تعلیمات [illegible] در امور قونسولها و وایس قونسولهای [illegible] در اداره او هستند مداخله کرده نظم و ترتیب
میدهند ولی چون کلیتاً حق مراقبت و نظارت دارند باید عقاید خود را [illegible] تعیین [illegible] پیشرفت
کار آنها اظهار دارند و بایستی در ترقیات و حفظ اداره حوزه خود نوعی توجه و مراقبت

نمره ۲۰۰ [illegible] ملاحظات

و مراقبت کنند که اطمینان حاصل نمایند از اینکه جمیع احکام و تعلیمات متعلقه آن اداره از روی
کمال صداقت و درستی مجری گردیده است و نقشه اداره و ربط آن بلاد و بطور [illegible] اصلاح کنند
چون جنرال قونسولها و قونسولها مکلف هستند تحصیل اخبار و اطلاعات لازمه برای ترقی
و پیشرفت و اهمیت تجارت بری و بحری مملکت خود را باطلاع سفارت دولت متبوعه خود
برسانند لهذا وایس قونسولها باید اخبار و اطلاعات متعلقه باین مبحث را ادواراً بجنرال قونسولها و
قونسولها اطلاع بدهند هر چند این قبیل نوشته‌جات و اخبار خود وایس قونسولها مستقیماً بسفارت
ارسال بدارند ولی در ضمن رای و مراتب ملاحظه را هم قونسولها مرتباً برای سفیر تقدیم بفرستند [illegible]
وایس قونسولهای ثانی در نقاط و محلات جزء ایالت قونسول نشین هستند
تابع آن قونسول محسوب میشوند چنانکه قونسولها جزو و تابع جنرال قونسولها هستند از آنجا که
جزو [illegible] آن قونسولی یا جنرال قونسولی هستند که آنها تابع امور مزبوره است
هر چند با مورات از آنها با جانب و تصویب وزیر امور خارجه دولت متبوعه آنها نصب میشوند و حکم تعیین
محلیه [illegible] تصدیق و تعیین نموده [illegible] لکن آنها در تحت مراتب [illegible] میشوند لهذا نمیتوانند
تابع جنرال قونسول خود [illegible] اضطراراً کنند و همچنین نمیتوانند هیچ قسم نوشته [illegible] بدست
کسی بدهند چه صورت این قبیل نوشته‌جات مخصوص قونسول جنرال و قونسولها است
از نوشته‌جات و سندهای دیگر نمیتوانند شرط تصدیق قونسولی صادر کنند و نیز [illegible] تعیین
و تفویض مأموریت خود بدیگری ممنوع هستند قونسول و جنرال قونسول میتوانند مأموریت آنها را
تعطیل کنند ولی نمیتوانند بدون جانب وزارت امور خارجه آنها را معزول و دیگری را منصوب نمایند

[illegible]

و قنسولها یا قونسولگریهای عالی از جانب سفیر مقیم دربار مأمور میشوند و در صورتیکه قونسول بشخص نماینده دولت
آن نزد قونسول راجع است در هر حال و قنسول در صورت فقدان [illegible] در سلک صاحب‌منصبان
دیپلوماتی دولت محسوب میشود

فصل ششم درباب فرمان اجازه مأموریت قونسولها

قونسول جنرالها و قونسولها که مأمور میشوند از جانب دولت متبوعه خود فرمان نصب یا دیپلم
بدست آنها داده میشود (آن فرمان را دیپلوم یا پاتنت میخوانند) قونسولهای درجه پنجم
که عده‌ای بر قونسولگری مأموریت رفتند فقط تصدیق‌نامه رئیس خود
قونسولهای غیر مرسل از تجار [illegible] نباشند [illegible] که تبعه همان دولت باشند
یا خارجه احکام آنها فقط وزیر امور خارجه امضا میکند دیگر امضای پادشاهی لازم ندارد
احکام از آنها از جانب قونسول صادر میشود در اداره آن نوشته

فرمان قونسولگری را وزیر امور خارجه نزد سفیر خود مقیم دربار دولت خارجه میفرستد و سفیر مزبور در طرف
آن فرمان از دولت محلیه اکسکواتور تحصیل نماید و آن عبارت از نوشته و اجازه‌نامه است
که بدون آن قونسول نمیتواند اقدام بکار کند عدد [illegible] آن دولت محلیه بحکام [illegible]
که قونسول مأموریت دارد اطلاع داده و او را معرفی مینماید تا بتوانند بوظایف مأموریت خود عمل کنند
قونسول در حسب امور راجع بخود با حکام دولت مستقیماً گفتگو نماید پس هر گاه در یک مسئله [illegible]
دولت محتاج حل و قرار داد و مذاکرات محلیه باشد قونسول بر طبق آن وقعه را بوزارت امور خارجه
متبوعه خود یا سفیر [illegible] وزارت خارجه گفتگو نموده قرار لازم بدهد

در احکام دول اجنبی دولت متبوعه قونسولهای خود [illegible] هر گاه در باب تبعه خود تأکیدی [illegible] حق حکومت [illegible]
خصوص در باب کاپیتولاسیونهای تجارتی

فصل هفتم درباب دخول قونسولها بخدمت

در فصل سابق ذکر شده که هر قونسولی که داخل خدمت میشود صاحب اجازه‌نامه دولت محلیه [illegible]
شده است پس همینکه قونسول اجازه‌نامه را [illegible] و داخل مشغول خدمت مأموریت خود شود حکام [illegible]
آن مملکت را از ورود خود [illegible] که عبارت از [illegible] است [illegible] اطلاع [illegible]
[illegible] قونسولگری را [illegible] مملکتی قونسول [illegible] اعلان [illegible] عموم مردم
[illegible] ادارات و عمارات مملکتی منتشر نماید
قونسول [illegible] صاحب‌منصب قونسولگری [illegible] قونسولگری [illegible]
اداره [illegible] قونسولگری را بقونسول [illegible] تسلیم نماید [illegible]
چنانکه در صفحه [illegible] مسطور است [illegible] تکالیف [illegible] قونسول [illegible] وطن خود ۵۱۹
در مجلس [illegible] کرده [illegible] مأموریت خود [illegible] و [illegible] در صورت [illegible]
قونسولگری [illegible]
احترامات [illegible]

فصل هشتم درباب تکالیف قونسولها

تکالیف قونسولها را غالباً در [illegible] مأموریت شخص مأمور [illegible] در صورتیکه [illegible]
که از جانب دولت متبوعه بقونسول داده میشود [illegible]

ضرور و تکالیف و اختیارات ذیل را منظور می‌کنند و چنانچه بخواهم اجزای محتاج تغییر و اصلاح شود تعقیب
عادات مستمره و رسوم خاصه آن مملکت را باید بنمود و در هر حال اصلاحات بر آنچه هر چه شده
تکلیف قونسول است که تقویت تامه و توجه کامله در تجارت تبعه خود بعمل آورده و در مقام اقتدار
و بیحسابی همه قسم حمایت و طرفداری از آنها بکند و نیز او را لازم است که در حقوق تبعه دولت متبوعه
خود را در پیشگاه حکومت محلیه تقویت و حمایت نماید و در صورت ملاحظه در حفظ مربوط بنظارت
خود بدربار آن دولت شکایت کرده احقاق حق را بخواهد

قونسول در حیز المقدور خواه بواسطه اقتدارات شخصیه و شخصانه و خواه بواسطه [illegible] لازمه دولت
و موانعی را که از جانب حکومت محلیه در باره قونسولگری او ظاهر و اسباب خسارت تجارت تبعه
دولت او تواند گردید رفع نماید و چنانچه بر خلاف عهدنامجات بر تبعه دولت متبوعه او از جانب
حکومت محلیه ناشی شود باقتضای ضرورت بر دفعش بکوشد و با کمال دقت مراقبت اجرای عهدنامه
جات را خواهد نمود و از آن و کلیه حقوق و اموال تبعه خود دقیقه بکند نظر باینکه بحکم طبیعت قونسولها حافظ
حقوق تبعه باشد در صورتیکه از آنها کسی متوفی شده باشد و ولی مانده و از وراث غایب باشند
هر چند قونسول وکالت مخصوص از آن غایب نداشته باشد ولی بر حسب تکلیف میتواند
با اشتراک حکومت محلیه اظهار داشته ماترک را از وجود ورثه غایب مطلع سازد
در صورتیکه صریحاً مخالف قواعد محلیه نبوده باشد که معامله تهاتریه بین الدولتین منعقد شود قونسول
باید اموال تبعه متوفای خود را مهر نماید و همچنین در ضبط و صورت برداری متروکات او حاضر باشد
هر چند که بر خلاف رسم حکومت محلیه [illegible] باشد و هر گاه مخالف قواعد محلیه باشد

محلیه باشد باید از رسم حکومت خارجه پیشکش نشده مهر نمایند در مهر و قونسول اموال تبعه خود را بواسطه
در گذشتن تجار آن در بنادر یا جهات دیگر در معرض خطر و تلف ببیند باید با کمال مراقبت را در حفظ و رعایت
صرفه و منافع آنها بعمل آورد و همچنین در صورتیکه از تبعه متوفی شده باشد هر گاه قونسول مسئولیت
بعهده بگیرد میتواند متروکات نقدی و جنس و نوشته‌جات و اسناد او را در دفترخانه قونسولگری رسماً امانت
حفظ کرده بحجر و قبض بدهد و بر اقتضای صلاح خاصه در صورتیکه وراث صغیر باشند میتواند وصیت نامه
هم باز نماید

هر گاه منقولات [illegible] اجاره به قونسولگری امانت برده باشند و تا مدت [illegible] صاحب اموال خود
نبرد بعد از [illegible] سال قونسول حق [illegible] آن را دارد

جمیع نوشتجات و اسنادیکه تبعه قونسول با یکدیگر یا با تبعه دولتهای دیگر [illegible] تصدیق آنها
قونسول باید برسد

۴۰ [illegible]
حق سرکشی و انتظام دارد

قونسول در کشتیهای مملکت خود حق دارد در سرکشی و نظم و انتظام بدهد و همیشه باید مراقب اتفاقاتی که در آنها رخ میدهد
بوده و در نوشته‌جات و اسنادیکه در آنجا صادر میکنند دقت و رسیدگی نماید و نیز حق دارد که
در میان عمله کشتی از تبعه دولت او باشند نظم داده و دعاوی و اختلافات آنها را مرتفع سازد
و نیز از تکالیف اوست که در کشتیها بهنگام خروج و دخول بدهد و در مقام ضرورت تفتیش و سرکشی
و تحمیل بیمانه کشتی بدهد و همچنین در مقام ضرورت تقاضای [illegible] از حکومت محلیه داده باشند و داوری نماید و باید
جمیع مطالب و اظهارات کاپیتان کشتیها را اصغا نماید
بجهت تعمیرات کشتی و غرامات و اصلاح خساراتیکه بمال التجاره آن رسیده باشد و همچنین احتیاج آذوقه و [illegible]

مزدبات آن قونسول میتواند اذن استعراض بخواهد که بهر دو کشتیها برای [illegible] بمصرف شده شد

اذن فروش بدهد

در معاهده ۱۷۸۸ فرانسه و ایالات متحده امریکا در فصل ... مقرر است هرگاه ایالتی کشتی تبعه یکدولت با تبعه دولت دیگر ... حالت است بدون دخالت حکومت محلیه باید ... حکم قطعیت دارد

هرگاه بین تبعه دولت متبوعه او اختلاف و گفتگوئی بر سر حقوق ملکیت اتفاق افتد باید بطور دوستانه به اصلاح رفع اختلاف نموده بین آنها را التیام بدهد

قونسول جنرال مقتدر در تهیه اسباب و تمهید لوازم نجات کشتیهای تجارتی و جنگی مملکت خود معاونت نماید بدون اینکه در محافظت و فروش اسبابها و اموال آنها که در کشتیهای غرق شده بدست آمده مراقبت نموده بعضی معاهدات در این موارد حکومت محلیه را بهیچوجه حق مداخله نداده است بلکه تمام اختیارات را با قونسولها داده

در صورتیکه کشتیهای تجارتی دولت او کشتیهای جنگی خبر نمیکند هر قسم امداد و همراهی لازم میداند در حق ملاحان و کشتیهای تجارتی باید بعمل بیاورد و در بعضی بنگاه ها و جزایرات معموله بدرقه ای کشتیها ... هرگاه جماعت کشتی خود فرار کرده رفته باشند حق دارد آنها را تعاقب کند و همچنین هرگاه از جماعت کشتی فوت شده باشد میتواند نعش آنها را ... و اموال او را ... بر تبعه دولت خود ساکنین آن مملکت باید تذکره بدهد بلکه در بعضی ممالک تبعه خارجه نیز میتوانند تذکره بدهد و اشخاص جمع تذکره ها را که بخط سرحد دارند دولت متبوعه او خواهد رسید باید اراده و امضا نماید

در غالب ممالک علاوه بر نوشتجات و امور عرفیه را اجرا از قبیل دفتر داری و اداره میکنند قونسول متصدی امور مدنیه و عبارت از ثبت ولادت ها ... نوشتجات رسمیه و فوت و ولادت و وصیت و عقد و نکاح و میراث و وفات و غیره بطوریکه در صفحه ۶۰۴ — ۵۹۶ از جلد سیم مندرج است ثبت و صادر میکند پس

پس نظر بامتیازات عدیده که بقونسولها تخصیص شده موریت آنها مرکب است از شرح و وظایف ذیل نه تنها در باب تبعه دولت متبوعه خود بلکه درباره اهالی خارجه نیز در صورتیکه کارهای دولتی قونسولی نداشته باشند و انجام آن را قونسول بعهده گرفته باشد

خلاصه قونسولها بموجب امتیازات خود میتوانند در هر یک از نقاط و جزایر قونسولگری بتفصیل ذیل نسبت ولادم بشمارد ... از آن بمجرد شروط بلکه مسئولیت امور بعهده بگیرد ... امتیازات ماموریت بویژه آنکه در بلاد اسلام و پایتختهای جمهوریهای بزرگ اروپا که ... و در بعضی نقاط عمده ماوراء البحر در حق قونسولها تخصیص شده است در فصل سوم ... خواهد شد

اکنون در تکالیف قونسولها را بسبب اجمال نوشتیم هرگاه طریقه انجام وظایف آنها را بیان نمائیم وظیفه خود کاملا ادا نکرده ایم

در بیان تکالیف و روابط قونسولها با حکومت محلیه

هر قونسولی در نقطه ای که مشروع بخدمات محوله و انجام آن کار ماند باید از طرف دولت ... تخصیص کند ... باید بحکومت محلیه تصدیق نامه ... دولت متبوعه خود ... در آن مملکت رجوع کند و در صورتیکه از جانب دولت متبوعه او بتفویض ... در آن باشد مستقیما بوزیر امور خارجه دولت محلیه اظهار کرده اجازه نامه را تحصیل نماید

بمجرد اینکه اجازه نامه تحصیل شد هرگاه رسم باشد در دولت محلیه اعلان کنند خود قونسول باید از حکومت و امنای محلی خود در تحصیل و وصول اجازه نامه اطلاع بدهد

قونسول در امور تبعه دولت خود ... با اشخاص متفرقه یا حکومت محلیه در میانی دارد بهیچوجه حق مداخله

ندارد و قسمت امانت شخصانه (به غیر از نوشتجات که در وقت حاجت بدست آنها میدهد) در عهده آنها

نباید بکنند مگر آنکه آنها خود گرفتار مشقت و چپاو خسارت ببینند

و در این صورت جز مقصود صحیح از وضع و بنای قونسولگری حفظ و وقایه حقوق تجاریه و امور دیگریه در ممالک

خارجه است لهذا هر وقت زیانی بحقوق مزبوره برسد اعم از آنکه از بیحالی و تعدی ناشی شود یا از نقض

عهدنامه و یا از عدم مراعات تعلیمات دولتین علیه بر عهده قونسول است در نزد حکومت اقدامات

مدققه بکار برده رفع تعدی نماید و بسی تعلل هم قونسولها در کار تبعه مقتضی و جایز شود در صورتیکه

حکومت محلیه درباره آنها حکم بحق نکند و اعتنائی نکرده باشد و چاره و وسیله آنها بکلی منقطع گردیده باشد

و همچنین در مرافعه و حقوق مختلفه مدعی و مدعی علیه از قضاة باطل حکم نماید

و کلیتاً در هر نوع تقصیر و ضرر و خسارت در مقابل حقوق تبعه یا از اثبات اتیان در موجب عهدنامه‌جات در باب آنها

تحصیص شده است بشود در این صورت باید قونسول بر حسب اظهار تبعه در کار آنها دخالت نماید

خسارات مذکوره لفظ بتحقیق دارند التی شایسته مداخله حقوق بیان نکنند زیرا که قونسول باید کاملاً

از قوانین و اصول بصیر و خبیر بوده از عادات هر دولت و قرارنامه و عهدنامه‌جات بین آنها واقف

و مطلع باشد تا بتمام احقاق حق حفظ دخالتی رو نمید پس مکتوب عقود در مقام مسکوکه و مظنونه باید با آنها ثابت کند

باالله در آن بدولت متبوعه خود نیز نوشته منتظر دستور و حکم باشد

این مسئله بر چنان سهو نباید شمرده قونسول تواند که بهمه حقه از عهده تکالیف خود آنچه حسب تکالیف برآید

که باعث جدال و عدم ترقی امور تجاریه خاصه در سواد و رجحان گمرک شوند مرتفع سازد خصوصاً تمهید

اسباب تسهیل و پیشرفت امور تبعه را در عهدنامه‌جات درج نشده باشد نظر بکلیه مخالف قانون محلیه

محلیه نباشد فوائد بکلیه نیز نخواهد بود کار سخت و دشوار است این قسمت بسیار مهم باید قونسول بدواً بکوشد

محلیه رسماً اظهار نماید پس آنگاه پذیرفته نشد آنوقت بدولت متبوعه خود بنویسد

قونسول در روابط و مناسبات شخصانه در مسامحه با حکومت محلیه و اداره سپایه باید از قبل عقاید و نیات

خود و افراد تا بتواند در مصالح و مشکلیه بشر بهره وافی و اجتناب نماید و بمکلفات کمال حزم و احتیاط که

طبیعی بوده و مراتب است این قسمت مراقب خود و رعایت نمایند حفظ و وقایه شئونات

قونسول موقوف برعایت حرمت شئون و شخصیت او است و بخصوص مسئله اعتبارات منصب مقام قونسولگری خود

زیرا هرگز نباید توقعات بی اندازه کرده و وسیله شکایت بدست بدهد یا جهات بر دولت

متبوعه دولت نماید

خصوصاً

مخصوصه قونسول قنسوارهای در وظیفه و جز اینها همیشه باید رعایت مبعوث و رضایت اهالی آن محل را بعمل آورد و در

احترامات و آداب از طرف قونسول بسبب عدم اطلاع مراتب و عادات اهالی آن مملکت

عدم تمیز قنسوارهای آداب و رسوم خود رفتار کنند و در حفظ حرمت عالی بدیهیه است اهالی آن مملکت و عادات

و رسوم و عقاید آنها را اظهار هر قضیه تصدیق ولی این منافی در تعقیب خود نباشد

در بیان تکالیفات در رابطه قونسولهاست با دولت متبوعه خود

نظر بآنکه قونسول در تحت ریاست و اداره وزیر امور خارجه است باید شرح وقایع و تقصیر اعمال خود را بداند و اطلاع

و له و بدون اجازه وزیر امور خارجه درست اقدام بهیچ امر و نوشته نکند و بستجیز اطلاعاتی

راه رواج بخشیدن تجارت و بحری دولت متبوعه خود است تحصیل کرده مستقیماً بوزیر امور خارجه بنویسد

و بدیهی است در تحصیل اطلاعات مزبوره بکمال حزم و احتیاط باید بشود قونسول نظر قنسوارها منصب مقام

خود مسئولیتی در آن مترتب است کلیتاً باید از دخالت امور پلیتیکیه آن مملکت خود را بر کنار باشد
یا بدواً بطرف پرهیز کند ولیکن هر گونه حادثه پلیتیکیه مهم از آنکه وقوع پیدا کرده باشد یا مترصد الوقوع
باشد خصوص که فی الجمله اثری در منافع یا تبعیت ملت و هموطنان قونسول داشته باشد بجد اطلاع باید در عرض
اولیای دولت خود برساند

هرگاه غفلتاً یک نفر مامور از اتباع قونسول که در حال انتظار حکم و دستورالعمل وزیر امور خارجه باشد و بی امر او
سفارت خود اطلاع داده بود و دستورالعملی موقتاً سفارت در انجام مطلب اقدام نموده و صورت
واقعه را بعرض وزیر امور خارجه برساند و چنانچه از سفارت هم خبری نرسید در این باب مسئولیت خود را
بعهده گرفته مطلب را انجام داده باید صورت ختم عمل و دلیل و برهان آن را بر سبیل خود اطلاع بدهد
قونسولها همیشه در صورت کشتیهای که از دولت خود در بنادر داخل و خارج میشوند از طرف مرتباً بدولت
خود ارسال کنند و حتی المقدور قیمت جنس مملکت خود را خواه طبیعی باشند یا صناعی و آنچه فروش
میشود و وارد آن مملکت میشود و همچنین عقاید خود را در خصوص علت تغییر قیمت و کرایه امتعه
در مقام ضرورت بنویسد و نیز صورت جنس داخل کشتیها میشود و آنچه عوض
میبرند و کرایه را بنویسند و بنگرند بهم چه کشتی نفع بخشد و همچنین عقیده خود را در باب
صرفه و رواج انواع امتعه تجارتی و صناعی در ارض مملکت خود و طریقه و رسم تجارت اینها را بنویسد
دارد و در مقام ضرورت نمونه هر متاعی را مناسب و مقرون بصرفه داند که در آنجا ورود
تعرفه معموله گمرکخانه ها و بنادر مملکت قونسول نشین را باید بوزارت امور خارجه ارسال
داشته و هر وقت هم تغییری در آنها بدهند یا خیال تغییر داشته باشند نیز فوراً اطلاع

اطلاع بدهد و جمیع احکام و قوانین و قرار دادهای راجع بتجارت بری و بحری را بعرض برسانند منارهای
دیده بانی و روشنائی کنار دریا را هر وقت بنا یا خراب میکنند و تغییرات عمده در وضع
رودخانهای آن ظاهر میشود باید از روی بصیرت راپورت دهد بجهت آنکه علامات و آثار
امراض مسریه ظاهر شود باید اطلاع دهد تغییرات و تبدیلات راجع بقرنطین و تعلیمات و تحدید
آنها را مشروحاً بنویسد قونسولهای دولت متبوعه خود را از حرکات قوای بحریه دول دیگر در حوالی
و اطراف آن مملکت و از بعضی قواعد بحریه و همچنین از وجوه دخول و خروج کشتیهای زره دار و
و از گرفتاری و توقیف آنها و از تدارکات جنگی متوجه آن مملکت اطلاع کامل بدهد در باب
نظم و ترتیب بر قواعد کشتیهای تجارتی که بجهت تنبیهات کاپیتن کشتیها و ترتیب مخالفت و احکام
و تنظیمات گمرکخانه ها است و در مشتمل تجار شده باشند نیز با اطلاع اولیای دولت برساند
امین بموجب عهدنامه تجارت عهده ممنوع باشد در غالب دولت متبوعه قونسول بر خلاف
عهدنامه رفتار کرده و بحق مستحقه شده باشند قونسول در مراقب حکم متبوعه آنها باشد بجهت تحقیق
و نیز اگر معلوم گردد در عهدنامهای دولت دیگر صاحب امتیازات شده اند بر خلاف منافع و ضرر
خاصه تبعه دولت مترتب را باید بوزارت امور خارجه اطلاع بدهد خلاصه باید قونسول جمیع تجارتی را که
در رواج منفع و ضرر تبعه دولت متبوعه خود دولت و اولیای دولت اطلاع بدهد

در بیان مناسبات قونسولها با تجارت بحریه

جمیع علامات بحریه هر مملکتی بالطبع در حمایت قونسولهای آن مملکت هستند پس هر وقت
آنها در منزلی با خسارت و ضرری رو بدهد بر عهده بوزیر قونسول لازم است در انجام امور آنها

کنند و از تقصیر و اهمال در حقوق و آزادی آنها حمایت و نگاهداری نمایند بهمین معنی مقصود است
که هر وقت مقتضی شود قونسول در حق رعایای دولت متبوعه خود باید اقدامات فعلی و قولی [illegible]
و در مقام ضرورت مطالب و ادعاها و تظلمات آنها را تحریراً یا شفاهاً بحکومت محلیه اظهار دارد
چون کاپیتان هر کشتی در مرتبه اولی وارد بندر میشود از اوضاع آن محل [illegible] بصیرت ندارد
بعهده قونسول است که او را از قواعد و [illegible] و قوانین و رسوم و عادات جاریه آن مملکت [illegible]
خاصه در موارد [illegible] گمرک باشد و نیز بعهده اوست که ثبت و صورت [illegible] کشتیهای تجارتی
که وارد [illegible] قونسولگری [illegible] دارد و همچنین حق دارد در ورود هر کشتی کاپیتان را
احضار نموده و شروط تذکره آن کشتی را ملاحظه کرده و ضمناً از او تحقیق نماید [illegible] قواعد بعضی ممالک
[illegible] صحیحه آن کشتی را ارائه نماید و نیز قونسول [illegible] از حالت صحیه اهالی کشتی و از وقت حرکت
[illegible] و از جنس و قیمت محمولات کشتی آگاهی حاصل کند و از راهی که آمده اند و از مدت سفر
اتفاقاتی که [illegible] کشتی [illegible] نماید و کاپیتان مجبور است [illegible]
جواب صحیح بگوید والا مستوجب جریمه خواهد بود
بموجب جمیع قرارنامه ها و قواعد قونسولی [illegible] دارند [illegible] که [illegible] رسیده [illegible]
[illegible] کشتی و صورت اموال صاحب کشتی [illegible] کرده [illegible]
[illegible] از نوشتجات کشتی [illegible] کشتی و کاپیتان [illegible]
و عدد [illegible] و قدر و قیمت جنس [illegible] کشتی [illegible] ثبت نماید
و همچنین حرکت کشتی و مقصد آن [illegible] کاپیتان تحقیق نماید و صورت

[illegible]

صورت حساب و نوشتجات گمرک را ارائه کرده و دیگر نوشتجات را [illegible]
هرگاه در عرض راه خسارتی که فوق العاده باشد بکشتی رسیده باشد بموجب قوانین بحریه غالب دول کاپیتان
مجبور است در ورود بندر تفصیل وقایع را بقونسول اظهار داشته خسارات را از هر کس و هر [illegible] وارد شده باشد
[illegible] قونسول بر طبق اظهار کاپیتان [illegible] ثبت [illegible] تمامی اهل آن
کشتی [illegible] و صورت [illegible] لازم دارد [illegible]
هرگاه در دریا [illegible] کشتی شرف غرق باشد کاپیتان مجبور [illegible] آن شود
قونسول [illegible] اما در خصوص خسارت مختصره در وسط دریا [illegible] کشتی [illegible]
آن [illegible] خاصه [illegible] از جانب صاحب مال گذاشته و [illegible] در آن کشتی نباشد موافق [illegible]
و قواعد غالب ممالک قونسول مکلف است [illegible]
[illegible] وقت [illegible]
[illegible] چنانچه قونسول [illegible] صحیح [illegible] قاعده [illegible]
بخط خودش تصدیق خواهد نوشت
در خصوص خساراتیکه در وسط یا کنار دریا بکشتی [illegible] رسیده [illegible] و اصلاح آن [illegible]
بعهده قونسول [illegible] بعهده کارگزاران حکومت محلیه است [illegible]
قونسولگری [illegible] گذشته است [illegible] قاعده [illegible]
وارده [illegible] رعیت دولت متبوعه قونسول [illegible] دولت محلیه [illegible]
بعهده کارگزاران محلیه است و قونسول [illegible] حقوق [illegible]

خسارت بشخص ارامنه تبعه دولت متبوعهٔ قونسول باشد قونسول باید بنحوی که کاپیتان اتفاق کسان وکلای
صاحب مال چند نفر مقوم و ممیز حاضر نموده با حضور قونسول و وکلای صاحب مال خسارتی را که بکشتی و بار
آن وارد آمده است از روی دقت تعیین قیمت مشخص بکنند و قونسول هم تصدیق و امضا نماید
هرگاه کاپیتان محض حفظ کشتی یا مال التجاره آن در یکی از بنادر عرض راه ناگزیر از خرج و بخواهد که بجهت مخارج
مصارف مرمت آن استقراض کند باید با اجازه و رضای کسانی که وکلای صاحب
کشتی باشد و الا نمیتواند سند استقراض را باید در روی کاغذهای معموله کشتی بلکه مخصوص [illegible] در روی
دکومان جواز کشتی نوشته شود و قونسول قرض دهنده باید قرارنامه بسته هرگاه طلبکار تبعه خارجه
باشد شرایط او از موافق قواعد معموله آن مملکت مشخص و معین بنویسد
در صورتیکه بموافق قواعد و قوانین محلیه نوشته قرارنامه بر تنخواه کارگزاران محلیه باشد در این صورت
نیز کاپیتان لازم است از لزوم استقراض بقونسول خود معلوم بدارد خاصه در صورتیکه کاپیتان
و وکیل صاحب کشتی در آن محل نباشد خلاصه در هر صورت هر کاپیتان وجهات کشتی وقوع
خسارت و حاجت استقراض را در نزد کارگزاران محلیه قسم یاد نموده و مخصوص در این خصوص ترتیب
داده شود و هرگاه نوشتن قرارنامه رایج کوتاهی [illegible] باشد شرایط [illegible] در حضور قونسول باید
باید چنانچه مرمت کشتی در بنادر خارجه متعذر باشد قونسول با علت و وجه لزوم [illegible] در روی کاغذ
مخصوص کشتی باشد نوشته و کاپیتان [illegible] کشتی [illegible] در ممالک خود [illegible]
در باب فروش و انتقال کشتی بغیر در ممالک خارجه موافق قواعد و تعلیمات [illegible]
عادت [illegible] فروش [illegible] و در این صورت قونسول باید مراقب باشد [illegible] حقوق مردم [illegible]

زود و بر واجب اهالی کشتی پرداخته شود و بقدر کفاف مخارج خوراک و معاودت عملجات کشتی را در دست
کاپیتان بماند و بر قراری که [illegible] نیز مقرر داشته اند قونسول بنظام فروش کشتیهای متروکه باید حضور بهم رساند
و مواظبت کنند
و در صورتیکه از قرار تصدیق اهل خبره آن کشتی از کار افتاده و بمصرف نشده باشد از کاپیتان وکالت نامه بسند
معتبر داده اجازه فروش بگیرد و در صورتیکه قونسول تمیز داد آن کشتی را تصدیق کرده و حاضر شده است بقیمت
حاصل باید قیمت [illegible] بفروشند قیمت حقیقی کشتی [illegible] از آن [illegible] در هر صورت [illegible] کشتی
قونسول باید تمام نوشتجات و قباله جات و سایر اوراق آن کشتی را در حضور کاپیتان
باطل نموده هر کاغذی را [illegible] معلوم شود [illegible]
هرگاه کشتی که از ضرر شکستگی [illegible] یا استعمال آن از جانب حکومت ممنوع شده باشد [illegible] بجهت جهتی کاپیتان [illegible]
از آن ترک نموده باشند همین که قونسول معلوم نمود از جانب صاحب کشتی و کسی وکالت داشته در آن محل نیست
بجهت حوادث کشتی و بار آن را از [illegible] محافظت نماید تا از طرف صاحب کشتی و صاحبان بار خبر رسیده و تکلیف
مشخص شود
هرگاه کشتی دزد دریائی بزند کاپیتان مکلف است تفصیل را بقونسول اطلاع بدهد [illegible] کند و همچنین در صورتیکه
که مجبور از ملاحظه تلاطم دریا یا بجهات دیگر کشتی را ترک و صرف نظر کرده باشد و هرگاه کشتی [illegible]
و ادعای توقیف کرده باشند قونسول باید از صاحب [illegible] آن ضمانت کافی و معتبر گرفته کشتی را
مرخص کند
هرگاه در هنگام جنگ بر حسب حکم دولت خارجه کشتی دولت [illegible] توقیف و ضبط کرده باشند [illegible]

در عرض راه اسیری که از کشتیهای جنگی شده و به در مملکت قونسولی نشین آورده باشند در هر کس از قبیل مذکوره

باید مراتب را بسفارت خود تعلیم آن داده و هم بوزیر امور خارجه دولت متبوعه خود اطلاع داده و هر تدبیر

که ممکن باشد تدابیر لازمه در تخلیص آن کشتی و استرداد و غرامت و خسارت وارده (صورت وقوع)

بکار برد و مادام که نتیجه این اقدامات و ترتیب نشده است تا آن قدر در حفظ و حمایت

و عملجات کشتی سعی بیاورد همین که قونسول مطلع گردید که از کشتیهای متوقف در مملکت قونسولی نشین او تصمیم

حرکت و سفر خطرناکی شده اند (مثل محاصره و جنگ و ناخوشی و غیره) مکلف است کاپیتان را

از آن مخاطره مستحضر نماید و اگر بندر دیگر متعلق بهمان دولت در خطر باشد قونسول باید دولت

کند هرگاه در بندر متعلقه قونسول اداره صحیه باشد و بحکم قانون مجبور نماید در انجام حرکت کشتیها نیز

مذکوره سعی نماید در این صورت قونسول باید مراقبت کند که کاپیتان اطاعت حکم و تعلیمات

مزبوره را نموده هنگام حرکت تصدیق نامه از اداره صحیه صادر نماید و نظر قونسول نیز برساند

قونسولها مستحضر اند که عموما کاپیتانهای کشتی های تجارتی در ممالک خارجه تغییر میدهند لهذا

از طرف صاحب کشتی اجازه نامه نوشته باشند تا اینکه کاپیتان نشرت بر نفع باشد

در بیان روابط و تکالیف قونسولها با کشتیهای جنگی

همینکه کشتی جنگی دولت متبوعه قونسول در بندر قونسولی نشین لنگر انداخت قونسول در حسن روابط با صاحب منصبان کشتی

دولتی با کاپیتان آن کشتی باید مسرا ابراز کرده اقدامات لازمه بعمل آورد در ارتباط صاحب منصبان کشتی با

و مباشرین دیوانی آن مملکت و تنظیم سایر ترتیب و تکلیفات امنیه بکار برد

قونسول و کاپیتان آن کشتی جمیع اخبار متعلقه بفواید تجاری دولت متبوعه خود بیکدیگر اطلاع بدهند

میدهند و چون توجه و مراقبت کشتیهای تجارتی بهره آنها راجع است در تسهیم و تقسیم حقوق

و امتیازات مشترکه متفقاً با خویشان قرارداده و مراقب میشوند

هرگاه از عملجات کشتیهای جنگی فرار نمایند قونسول بمجرد اطلاع در بنگاه حکومت محلیه اقدام

آمرانه بکار برده فراریها را دستگیر و توقیف نماید

هرگاه کشتی دولت در بندر غرق شده باشد قونسول باتفاق صاحب منصبان آن کشتی در نجات و خلاص

آن تدابیر لازمه بکار میبرد

بسیاری از قونسولها در اداره امور تجاریه دولت خود در ممالک خارجه بمعیت آنها و اقدامات

در مقام لزوم احتیاط فراهم کردن ضروریات و تهیه لوازم و مخارج کشتیهای جنگی نیز دارند

[illegible] با بعضی قونسولها با عملجات کشتی های جنگی

قونسول باید حق عملجاتی که از غرق شدن نجات یافته یا بعلت مرض از کشتی تخلف آمده

باشند حمایت و اعانت نماید و اگر مبتلا گشتند آنها را بوطن خودشان بفرستد و اگر رعایا

تابع دولت باشند با کشتی بروند لازم است را بپردازد ولیکن بهیچوجه مکلف نیست که عملجات

در حمایت دولت دیگر و در کشتیهای جنگی خارجه مستخدم بوده اند حمایت و رعایت کند

(مقصود عملجاتی هستند که از رعایای دولت متبوعه او در کشتیهای دولت دیگر مستخدم باشند)

لذا قونسول در ترتیبات ... سیاحان مشخص و معلوم نمود در کشتیهای جنگی مهمات

وسع و کفایت آن چند نفر ... صحیح الدعوی ... کشتی خرج خوراک قونسول ...

ای اشخاص صحیح المزاج باشند و بکار صدمه کشتی جنگی باید قونسول باید برسانند

کماندان آنها را در میان کشتیهای تبعهٔ خود اگر نباشد با کشتیهای خارجه روانهٔ وطن نماید نیز

واجب است که در این صورت قرار صرف آنها را نوعی خواهد داد که بملاحظه صرفه صاحب

کشتی نیز نقصانی آمده باشد

در صورتیکه از عمله‌جات کشتی مریض یا بواسطه مرض حرکت و کار بیرون و رنجور شده باشند بمحض

اینکه کاپیتن تقاضا نماید اظهار کرده از بیرون آوردن از کشتی حکومت محلیه توقع خواهد نمود که مریض را نگهداری

آن علاج و معالجه نمایند مخارج معالجه را قونسول از روی کمال انصاف با ملاحظه تمدن در رعایت

حال شخص مریض معین نماید و تعهد کاپیتن است که با نقد ادای آن ضمانت نماید

در صورتیکه کشتی لنگر شکسته باشد یا انقطاع شده و در خارجه فروخته شده باشد و یا قطع از کار افتاده باشد

و عمله‌جات آن بیکار بمانند در صورتیکه بخواهند آنها را در کشتیهای ملتی یا وطنی چون نفر نشده

خرج و کرایه آنها موافق قواعد و اصول بعهدهٔ صاحب اولی آن کشتی است و نیز قونسول

باید قبل از وقت خرج و کرایه این اشخاص را معین نموده بابت قیمت اسباب کشتی یا از بابت

قیمت شکستهای آن و یا از بابت کرایه بار آن رد خواهد شد

عمله‌جات کشتیهای ملتی در از اسیری خسته شده و یا عمداً یا کار رفته و یا بیکاری در حالت

[illegible] باشند خرج و کرایه آنها غالباً بعهدهٔ دولت است و در این صورت قونسول [illegible]

و دو هفته [illegible] بحال [illegible] مخارج باشد تخمین نموده [illegible] قونسول‌گری [illegible] داشته

بمصرف [illegible] آنها [illegible] هر یک از عمله‌جات [illegible] هر روزه [illegible]

نمیرسد [illegible] عمله‌جاتی که در تبعه خارجه [illegible] در کشتی ملتی قونسول مشخص شده باشند

شده باشند در صورت فروش یا شکست یا خرابی آن کشتی قونسول پس از اطمینان از وضع عرض و جواب

و خرج مراجعت آنها را به قونسولهای دولت متبوعه خود دلیل میسپارد

عمله‌جاتیکه اهل وطن او در ممالک خود و یا از کشتیهای ملتی مستخدم شده باشند مراجعت آنها را کلیه

همچنان در میان دولت دیگر اخراج نموده آنها یکسو نیز بمهد و خود خارج شوند مگر آنکه بجهت

شرو مبادا اگرچه کاپیتن تجویز و تصدیق نماید

قونسولها مراقب باشند که کاپیتن اصرار از عمله‌جات کشتیهای ملتی را قبل از انقضای مدت

خدمت و اجیر اخراج ننماید مگر آنکه بر اثبات اوسطه خسته و مخارج مراجعت را هم از خود

دهد و مسئولیت از تعهد گرفته باشد و کاپیتن اذن [illegible] استخدام [illegible] عمله‌جات

را در صورتیکه رضای طرفین باشد اذن استخدام در کشتیهای دیگر ممکن خود بدهد و بانکه

با طلاع قونسول باشد

هرگاه از عمله‌جات کشتی در بنادر خارجه فرار کنند قونسول باید بحکومت محلیه اظهار داشته

آنها را دستگیر نماید مخارج گرفتن و توقیف فراری متعلق بگیر بعهده قونسول است که رجوع

ولایت مراجعت او محسوب دارد و نیز حکومت محلیه بر وفق اصول مقاطعه یا بموجب عهدنامه‌جات

او را تسلیم قونسول نماید و در صورتیکه از عمله‌جات کشتی مرتکب تقصیری شده در دستگیر حکومت محلیه [illegible]

قونسولها مراقب باشند بطور حقانیت و انصاف او در قرار نمایند و بطرفداری و بی‌غرضانه

رد امر او رسیدگی کنند

تغییراتی که کاپیتن در میان عمله‌جات کشتی میدهد باید باطلاع قونسول رسانند

که علت اعظم از آنکه مرکب فرار با مرض مسری و غیره باشد معلوم و ظاهر اما چه مسبوق باشد
در صورتیکه از کاپیتن نسبت بعملجات کشتی تعدی و بدرفتاری بروز شده باشد موجب وجوه آنها را از نزد
دیوانخانه شبیه و سیاست کمپانی شود قونسول مجرد اطلاع از کاپیتن باخذ آنها در اصلاح یا بجهت الی او
اقدامات لازمه بکار ببرد و همچنین در صورتیکه کاپیتن از عملجات خود شکایت بیان کند قونسول باید
باندازه قوانین و خلاف آنها ... و تنبیه نماید

در باب غرق و نجات

اصول و آیین قونسولگری در باب غرق و نجات کشتی در همه جا یکسان و یک نهج نیست و علیهذا قونسول باید
و آیین و قواعد مخصوصه هر مملکتی را که در آنجا است تحقیق نموده به بصیرت تام حاصل کند و از همان قرار تکلیف
رفتار خود را مشخص نماید و لیکن بر قرار تکالیف قونسولگری در این باب وسیع معمول است قونسول مجبور است
که هر وقت در کشتیهای متعلق به رعایای دولت خود با جهات دیگر کشتی شکسته یا غرق شود و بعضی یا کلاً از غرق آن
شوند متوجه اهالی آن کشتی شده بار و اسباب آن را محافظت نماید در ظهور چنین واقعه قونسول باید نوشته جات
و اسناد آن کشتی را ضبط کرده صورتی از وضع کشتی و بار آن برداشته خلاصه اطلاعات خود را در علت
غرق یا کلی شکستن و کنار رفتن کشتی و عدد غرق شده ها و چگونگی بار و اسباب صاحب کشتی و تاجرین آن
و از هر حرکت و قصه آن بطور راپورت در همان صورت درج نماید و نیز از کاپیتن و عملجات
کشتی شکسته سؤال از حقیقت واقعه بشود تا قسم تحقیق نماید (در صورتیکه حکومتی چنین نوشته از ایشان
گرفته باشد) قونسول باید فوراً صورت واقعه و نوشته جات را هم نزد وزیر امور خارجه و هم اگر ممکن شود
نزد صاحب کشتی فرستاده آنها را از قضیه واقعه مطلع سازد

هرگاه

هرگاه در این مواقع احتیاط و دقت کافی رعایت حفظ صحت نماید قونسول باید لازم اطلاع دولت متبوعه را
خواهد کرد و به شرایط آن عمل شود

هرگاه در ملکی نشستن کشتی صاحبان بار یا کشتی که شناخته نمیشوند عملجات [illegible] خود در کار
کشتی یا بارهای آن اقدامی کنند بخصوص قونسول آنها را تحت حمایت خود گرفته کنار کشیده [illegible]
بجهت آنها و انکار نماید که هر نوع مناسب دانند اقدامات بکار برند یا به دیگری رجوع کنند
و در اینصورت اشخاص مزبوره مستقیماً از قونسول و دیگران در اقدامات خود استمداد نمایند نیز
و لیکن موجب و وجه تنخواه معین و مخارج استخلاص کشتی دیگر اینکه ترجیحات عملجات و اطاق خودشان تماماً
بعهده صاحب کشتی و صاحبان بار است

در صورتیکه ملاحظات مذکوره قونسول خود را کنار کشید و دو دولت [illegible] صاحبان کشتی
در خط و خطا کنند لازم است که از توجه و مراقبت مضایقه نکنند بلکه با اقتضای موقع
از روی بصیرتی که دارد آنها را نصایح داده [illegible] نماید

در خصوص استخلاص کشتی دولت خارجه به عهده [illegible] مخصوصی در آن بسته شده باشد قونسول اقدامات
دولت متبوعه خود را در نظر آورده [illegible] خود قرار داده و احترام استخلاص کشتی نماید و از طرف
مقابل نیز منظور و متوقع مساعدت نمی شود

هرگاه بموجب قوانین یا بر وفق معمول و مرسوم [illegible] حکومت محلیه نیز در استخلاص کشتیهای خارجه
حق مداخله داشته باشد در اینصورت نیز قونسول از کشتی متعلق به دولت متبوعه او است باید [illegible]
و هرگاه قونسول تنها داخل بشود از نظر از تابعه دولت خود و در صورت عدم امکان [illegible]

معتبر همسایه نیز برای شهادت دعوت نموده در حضور آنها صورتی از اسباب و اموال آن مرحوم غرق
شده هر قدر که بدست آمده باشد برداشته و یک نسخه صحیح از همان صورت نیز از روزنامه رسیده و هر
دیگر را لازم باشد بفرستد

و نیز بعضی مواد قونسولها در اموال تبعه دولت متبوعه خود حق دخالت پیدا میکنند خصوصاً در وقتی که
اموالی در حفظ و نگاهداری آنها مشکل است نیز بعضی دستورالعملهای مخصوصه نوشته شده در عالم
و دستورالعملهای آنها از این قرار است که هر چیز خراب شدنی و فاسد شدنی است بیع و ضروری است
جنس و مقدار و قیمت بوده و تومین نقد قسم شخص کرده اند و از حراج که کسی را که ممکن شود تصرف و اثبات
نماید و آن محضر را صحیح نماید تا بشرح دیگر بعضا حراج کننده و شهود و قونسول

و نیز بعضی قونسولها را در حکومت محلیه اختیارات جمیله که در امور حقوق دیوانی ... مخارج
فروش و فروخته شود که اگر او نیز بعضا تخفیف بگیرد و سختگیری او قرار گیرد با شرط اینکه در حالت مطالبات
جمع کرده باشند از حقوق دیوانی معاف نمایند

بخواهد مرده که مخارج آن اندازه گشته مختص عمده جات آنکه باید از قیمت آن کاسته شود جای یکسره دستگیر
باشند یا در صاحب دو کمیسیون در کدام باشند یا خواهد شد در صورت قونسول یا مراقبت کند
در این قسمت مخارج از قیمت تقریبی جنس و اجناس که در ازای قیمت آن نمره و وضع مخارج
مواد فوق نقلاً صحیح بین صاحبان مال و کمیسیون دلالی شود و اگر صاحب مال یا اثبات حق را عهده دار
انجام مالی کشتی حاضر نشود مال بماند آنها دلالی شود که مزد دلالی ما از رفت اثبات و سایر حقوق قونسولی
در اداری نقل و قیمت محرز است

در معنی

دیگر در محضر سایر ممیزین در وقت ثبات دادن کشتی تسلیم باشد قونسول دیگر رسماً خالی تسلیمنامه
و ملاحظه نماید کسانی که اسم و نام فروشنده و مال و ترتیب محضر و غیره به وکالت صاحب مال و اگر مال
حاضر باشد به جا نیز که او حاضر شود
هرگاه اتفاقاً بر خلاف عهدنامه و یا بر خلاف معاهدات متقابله میان شرایع حکومتی محلیه نسبت بحقوق تبعه
دولت قونسول که در حالت حاجت نیز قونسول را مخالفت و ایستادگی کنند نیز اثبات از اداره
خارجه اطلاع بدهد

در بیان روابط و مناسبات قونسول با اهالی وطن خود

بعنوان تبعه دولت قونسول در هر نقطه از حوزه قونسولگری اش باشند بالطبع در حمایت آن قونسول هستند
و در هر امری که بر خلاف عهدنامه و رسمی با آنها رفتار شود و یا بیجا و تعدی واقع گردد در حقوق شرعیه
آنها پامال شود قونسول مکلف است که از آنها تقویت و حمایت نماید قونسول در حق رعایای دولت
متبوعه خود توجه پدرانه باید داشته باشد شخصی بوده در حکومت محلیه متهم باشند یا رفتار و گفتار آنها
بین الدول و تبین تو ..... امال نتواند کرد ملاحظت و توبیخ باید کرد و تسلیم تکالیف راجعه بامور مربوطه
و در دفعه عموم تبعه خاصه اهل کشتی و تجار و بعضی ها در درجه که تکلیف خاص مخصوص عدلیه و در ید حکم فائق شود
و هر یک از تبعه او از ارادت و اینکه تجار نمایند با ملازمه تکلیف و اداره نماید از روی ملاطفت
و لی نعمت و خیر خواه استطاقه کنند و مسوده عقب رو شرف وطن بود از وجود آن دو و حقوق علت
کامله حفظ نماید

قونسول در حوزه محلی خود سمت ریاست بر آنها دارد در مناسبات و مذاکرات رسمی با آنها

بایست متانت و حزم و احتیاطی را رفتار کند که سزاوار شئونات مقام و منصب مأموریت او باشد
یعنی از توسط و حمایت اشخاصی که بحکم قانون در معرض شبهه هستند پرهیز نموده و از مساعدت به آنها
و دخالت در امور خارج از وظایف مأموریت خود اجتناب نماید هرگاه ما بین تبعه منازعه و کشمکشی
بروز کند حتی الامکان باید آنها را ترغیب کند که نزد خود داوری فیصله و مصالحه نمایند تا نیز از مخارج محاکمات محکمه
آسوده باشند و هرقدر دایره اختیارات او وسیع باشد باید بهمان اندازه در استعمال آن متانت و سکون
و حزم و احتیاط بکار برد

موافق معمول غالب دول قونسول باید مراقب باشد که رعایای دولت متبوعه او هنگام مسافرت ذکر کرده
خود بقونسولگری ثبت نام داده مقصد و مقصود را نیز معلوم دارند و نیز حق دارد که در جهات تجارتیه
یا فواید عمومیه ملتی جمیع تجار و کاپیتان‌های کشتی‌های خود را که در آنجا باشند دعوت نماید

در بیان حقوق احتسابیه

موافق غالب قرارنامه‌های تجارتی و بموجب رسوم و عادات معموله تمدن اکثر غالب دول قونسول
در بنادر قونسول‌نشین احکام و تعلیمات پلیسیه تجارتیه مملکت خود را در کشتی‌های تجارتی جاری میسازد مادام
که احکام مزبوره مخالف قواعد پلیسیه محلیه نبوده باشد و ضروری است آسایش عامه و امنیت آن بندر را بسازد
و همچنین قونسول در کشتی‌ها و بار آنها حق تفتیش و نظارت دارد و نیز میتواند تحقیق کند که در عرض راه چه
کشتی‌ها آمده و چه جنس و متاع میبرد

عملیات متفرقه در سرحد اجرا شوند در حمایت بیرق تجارتیه کشتی و محکوم قونسول‌ها تا حد اشتراک در آنها

در بیان متوفیات و متروکات آنها

هرگاه از سکنه اتباع قونسول بدون وصیت یا با وصیت وفات کنند قونسول باید در حفظ کلیه متروکات
متوفی با رعایت صرفه وراث صغیر یا کبیر غایب مراقبت نماید یعنی اقدام بهرگونه اقداماتی که ممکن است بر حسب
عهدنامه بین الدولتین یعنی از رسوم و قوانین محلیه خارج نباشد و در صورتیکه یکی از وراث در انجا حاضر باشد
قونسول در جمع متروکات بهیچوجه مداخله نمی‌کند و بعضی دول دیگر اقدام میکنند و هرگاه خود وراث نخواهد
دخالت کند میتواند بتوسط قونسول بهر کس اعتماد دارد واگذار نماید ولی در هر حال قونسول مکلف است
که لدی الضروره از خیراندیشی و صلاح جویی درباره وارث و صیانت حقوق آنها تقویت نماید
محض رعایت طلبکاران اتفاقیه و حفظ حقوق آنها در غالب دول رسم گشته که هرگاه متوفی بیگانه متروکات
او را حکومت محلیه فوراً مهر نماید و در جای دیگر قونسول نیز اذن نشینند که بسمت دیگر از مهر او مهر کنند
و بعضی از مهر کردن توسط مهر تفویض کرده اند اما صورت متروکات را گاهی بتنهایی قونسول برمیدارد
و گاهی هم حکومت محلیه خاصه در صورتیکه متروکات به حکومت منتقل شود با اتفاق قونسول صورت برمیدارد
باشند گاهی نیز اداره متروکات بعهده قونسول واگذار میشود و در این صورت قونسول باید مسئولیت
طلبکاران خارجه و داخلیه را احتیاطاً مرعی دارد در صورتیکه ظهور کنند بعهده بگیرد ولیکن غالباً جمع متروکات
با حکومت محلیه است و پس از ادای حقوق طلبکاران قاضی اذن بتصرف وراث حقیقی یا در صورتیکه
قونسول وکالت داشته باشد بتصرف او میدهد
در مواقعی که قونسول صورت متروکات را نداشته و محض ... باید اقدامات لازمه در حفظ
منافع و حقوق وراث غایب بعمل آورد علیهذا بهتر آنکه ترتیبات مذکوره تعیین آنها اعلان نمایند

که قبضهای متوفی برای اطلاع شخص [illegible] باشد و از طرف حاکم با او بسته شده لازم باشد [illegible] و بعد از
انقضای مدت مذکوره بموجب قانون مقرر است بحضور دو نفر شهود عادل از [illegible] دولت خود یا در صورت
عدم امکان در حضور دو نفر از تبعه معتبر حسن شهرت و گاهی هم لدی‌الاقتضا با حضور حکم [illegible] متروکات
را برداشته و صورت آن [illegible] تطبیق داده [illegible] جمیع شروط احتیاط و اطمینان [illegible] آورده هرگونه [illegible]
تقاضا کنند متروکات را بیعیب و نقص تسلیم صاحب آن نماید

قونسول باید وفات هریک از تبعه را بدون تأخیر از دولت متبوعه خود و نیز [illegible] اعلام نموده
در صورتیکه اسم و مکان وراث آنها را بشناسد اطلاع بدهد و نیز صورت متروکات حاضر شده
سواد صحیح برداشته که به آنها بفرستد و مخارج این فرستادن کلاً از [illegible] خواهد بود

هرگاه قونسول در کلیه امور و احوال متوفی مداخله نموده باشد و در آن بین وراث کبیر یا ولی یا وصی صغار
خود یا وکیل شرعی آنها حاضر شوند قونسول باید کلیه عین متروکات را بموجب [illegible] صورت
[illegible] و هرگاه چندین نفر مدعی وراثت باشند آنها را باید [illegible]
رجوع [illegible] تا هریک حقیقت خود را اثبات کنند

پس [illegible] بموجب [illegible] مخصوصه [illegible] حق [illegible] خود [illegible]
از متروکات متوفی خارجه [illegible] کرده اند [illegible]
[illegible] در تمام ممالک اروپ متروکات متوفی تبعه خارجه در بلد وراث باشد بموجب
قوانین مملکت متروکات او [illegible] دولت شده باشد در اینصورت قونسول حق دخالت
نخواهد داشت

هرگاه

[illegible]

هرگاه کسی در میان کشتی در بین راه در حالی که در سفر [illegible] است وفات نماید کاپیتان فوراً باید قونسول را اطلاع
بدهد و قونسول صورتی از متروکات متوفی برداشته مختصری از طبق وقایع ضمیمه نوشته‌جات و اسناد
آن کشتی نماید برای اینکه در موقع خود بتواند حکومت اثبات حقیقت تواند نمود

در بیان نوشته‌جات عرفیه

نوشته‌جات عرفیه که قونسولها بموجب قوانین چندین مملکت مثل فرانسه و یونان و غیره نگاه میدارند
اسناد تبعه خود میباشد و یکی از آنها قرار است نوشتجات [illegible] متولد و همچنین فرزندی [illegible] صغار
[illegible] و عقد نکاح و وفات [illegible] ضمیمه عقد نکاح و تولد و وفات
و نوشته‌جات شرعیه را هر وقت که با حضور دو نفر شاهد در قونسولگری ابراز و اظهار نمایند قونسول آنها را
ثبت و ضبط دفتر نماید و این قسم ثبت [illegible] در دو دفتر مخصوص نگه میدارند و در آخر هر سال
دفاتر را ختم کرده یکی را بوزارت خارجه متبوعه میفرستند و موافق قانون در اینجا باید ضبط شود و دیگری را در دفتر
قونسولگری نگاه میدارند

در بیان تصدیق و ممهور داشتن بعضی نوشته‌جات متعلقه بصحت [illegible] محکمه

قونسولها نیز در جمیع مواد متعلقه بخود بهریک از اهالی وطن خود درخواست تصدیق نمایند [illegible]
وارد در دولت مملکت خود آنها بکار رود [illegible] یا به تجارت باشد بدهند و همچنین تصدیق [illegible]
در خصوص حسب و نسب و صحت مزاج [illegible] و صحت [illegible] و غیره برای آنها میدهند
و نیز [illegible] کشتی [illegible] بعدم صحت [illegible] نوشته‌جات را که از
[illegible] باشد صادر کنند

در باب نوشته‌جات متعلق به اثاثات و هر دولو قیمت با ستهرد دادن و به جهات متقاعد شدن نیز از تکالیف
قونسول شمرده شده است

قونسول باید تصدیق صحت مهر و امضای ادارهٔ صحیحه و محکمه رعایای دولت متبوعهٔ خود را
ملاحظه و دقت کند و هرگاه در آن مملکت ادارهٔ صحیحه نباشد و خود قونسول اختیار دادن این قبیل نوشته
جات را داشته باشد چون اهمیت این قبیل تصدیقات به نظر عقلا گرفته شده است با کمال
دقت و احتیاط را معمول دارد و به جهت غفلت و بی‌اعتنائی با مرض ... اعلام است خطا و باعث
اختلال و خسارت تجارت مملکت او تواند بود

هرگاه قونسول تصدیق نکند و در آن مملکت امر خاص اعلام ... وجود ندارد تصدیق صحت باید
و اگر احتمال دهد تقلبی باشد در این مرض ... تصدیق برود ...

و هرگاه از جانب حکومت محلیه وقوع مرضی را اعلان کرده باشند ... تصدیق عدم صحت
کلیتاً از وظایف قونسول است ... تصدیق امضاهات و قباله‌جات عقد
نکاح و نوشته‌جات متارکه و رضانامه و مصالحه‌نامه و وکالت‌نامه و وصیت‌نامه و ذخیره و غیره
و سایر نوشته‌جات متعلق به نوع ... چنانکه در مجلد ... صفحهٔ ۵۹۲
مندرج است ولی غالباً تحریرات ... رجوع می‌کنند

اما در خصوص تصدیق رسم چنان است که قونسول صحت امضاء و مهر حکومت و ادارات محلیه را تصدیق می‌نماید
بعضی از دول مقرر داشته‌اند که جمیع اسناد و نوشته‌جات تجارتیه و غیره که در مملکت او نگارش یابد
بعضی به قونسول ... اگرچه بعضی از دول عدم اعتبار نوشته‌جاتی را که ... از

و عاری از تصدیق قونسول بوده است تصریح کرده‌اند ولیکن در غالب قواعد و نظامات دولتیه مقرر است
که جمیع تصدیق‌نامجات و اسناد تجارتی و غیره که در دولتخانه‌های دولت متبوعهٔ قونسول مطرح مذاکره
و تحقیق خواهد شد مگر آنکه تقلب بعضی اظهار کرده باشند بدیهی است از تصدیق و امضا نماید و نیز مکلف است
در همه روزه ... نوشته‌جات راجعه به تجارت و امور گمرکی ... در آنها نوشته شود در
مملکت خود شان که بکار برده شوند نیز تصدیق و امضاء نماید و نیز اگر ... این قسم تصدیق شده باشد
در هر محکمه و اداره مملکت اعتماد و اعتبار خواهد بود بدیهی است در این قسم ... تدقیقات
به اختلاف مقاصد و منظورات حاصل کند و در این صورت قونسول مکلف است رفتار خود
موافق ... مکلف است رفتار خود را موافق ... دولت و دستورالعمل و تعلیماتی که به او داده شده است قرار بدهد

در باب تذکره

غالباً قونسولها مأذون هستند که موافق معمول هر مملکتی که اقامت دارند رعایای دولت متبوعهٔ خود
را در قلمرو قونسولگری او تذکره گرفته‌اند و همچنین ... از جانب دولت متبوعهٔ او تذکره داشته
اند و مدت ... منقضی شده باشد تذکره بدهند و نیز تذکره‌ها ... از جانب حکومت محلیه ...
مملکت قونسول ... حق رؤیت و امضاء دارد ولیکن ... مأذون نیست ... تذکره
و در این باب نهایت حزم و احتیاط با او توصیه و تأکید شده است

قونسول باید ثبت تذکره‌ها ... و امضاء نکند ... هر وقت از او مسئول شود در
جواب بگوید ... نمرهٔ ... فرد صاحب تذکره را ... را امضاء نماید و ثبت
و سواد ... در دفتر قونسولگری ضبط خواهد شد و اسامی اشخاصی را ...

و تصدیق آن اعتبار نکرده میرود در دفاتر قونسولگری ثبت و ضبط نمیشود و نکرده باشد
که موعد آنها منقضی و از درجه اعتبار ساقط شده باشد در قونسولگری ضبط نمی‌نمایند چیزی که از همه مهمتر و در
اداره امور کل لازم است تجربه است که قونسول فقط از مهارت و هر آنچه حاصل کرده باشد و لیکن هر
دانست که تجربه هر از علمی شهادت و فضیلت علم حاصل شده باشد آنچه حکم نخواهد داشت پس کفایت تجربه
در جریان امور هم در سلیقه قونسول مستقیم باشد باید از حوائج تجارتی و حکومتی مملکت خود و مملکت مأموریت
دارد مطالعه و تحقیق کرده باشد ترقیات ادارات تجاری و علم حال مملکت (استاتیستیک)
و اصل علم اداره و دخل و خرج دولت (اکونومی پولیتیک) را باید بداند و همچنین مقدار اوضاع
کارخانجات آن مملکت و کار آنها و از مقدار و تقریبی حاصل طبیعی از ارض و صنایع و از عده اشخاص
مشغول کسب صنایع هستند و از اخراجات و مقرری آنها و غیره و غیره تحقیق کامل حاصل کرده باشد
بر علاوه نتیجه این تحقیقات و نسبت و تطبیق آنها و حاصل مملکت خود با آنچه مملکت خارجه است هر قونسول
در مناسبات تجارتیه صاحب ربط و سلیقه و عقاید صحیحه میگردد و در مباحثه و مجادله با آنچه مملکتین متعلق
میشود هم خیلی بتواند وسیله تسهیل امور بعهده دولت متبوعه خود معلوم میدارد
چون دانستید مقصود اصلی از مأموریت او حفظ حقوق اهل مملکت نیست بلکه ترقی و ترویج
تجارت و تسهیل امور تجاریه او منظور است خواهید دید که باید به این امور متوجه شد تا تواند
با آنها مراوده حاصل کرده در ضمن صحبت کمال سهولت و آنچه تحقیقات دیگر اطلاعات لازمه مقصود
اصلی است بنماید
چون تکالیف و حقوق قونسولها را شرح دادیم لازم است قبل از اتمام این صفحات آنچه را ممنوع هستند

هستند و مناسب شغل و مأموریت آنها نیست نیز بیان نمائیم

مقصود از تجارت مستقیم و غیر مستقیم آنست که شخصاً تجارت نمایند یا بواسطه

قونسولها یعنی که مأمور میشوند و مواجب و مقرری از دولت متبوعه خود میگیرند از تجارت مستقیم و غیر مستقیم بکلی
ممنوع هستند چه اگر مأمور از صرفه شخصی قونسولها را نسبت به منافع خود دید بالطبع قرار خود را منطقی و غیره
مانع باشد شاید تقسیم خیلی زیاد و اعتبار آنرا سلب میگردد و همچنین و بسی آنچه هر چیز را هر قدر از
تجارت دولت خود باشد و بتوسط قونسول رایج شود هیچ بهانه و عذری نمیتوانند خود را مشتری شوند و حقوق
از این قبیل احوال در تصرفات آنها حال تام منکشف مشخص کرده اند
بجز مقام ضرورت قونسول صحیح بوقتی نمیتواند بدون اجازه وزیر امور خارجه از محل مأموریت خود غایب شود
در صورت تحصیل اجازه هم باید کسی را جانشین خود بکند که در غیاب او مشغول امور قونسولگری
رسیدگی باشد همچنین در صورت بروز علامت جنگ ما بین دو دولت نیز فقط با حکم شخصیه خود نمیتوانند
کار ها را معوق بگذارند مگر در صورتیکه قبل از وقت در این خصوص اجازه تعطیل چنین موقعی را تحصیل کرده باشند
یا حکومت محلیه (اکزکواتور) آنچه نامه او را پس بگیرد و چنانچه در چنین مقامی حکومت محلیه رضا
نشود بلکه بمقام توقیف گیرد مأمورات قونسولگری را مسدود و بیرون رفتن او را عاجلاً بخواهد
قونسول هر چه زودتر خسارات و ضررهای که در غیبت او عاید به تجارت مملکت
او تواند شد رسماً اعلان نماید
هیچ عذر و بهانه نمیتوانند شخص بی تقصیر مرتکب معصیت شده باشند اگر از آنکه تبعه او باشند یا خارجه
بمنزل خود پناه بدهند همچنین نباید در اجرای احکام عدالتی نمائی محلیه ممانعت و اظهار ضدیت نماید
مگر در صورتیکه آن احکام بر ضد از ادای مأمور فلان یا حقوق آنها باشد

فصل نهم در باب قونسولهائی که از کسبه و تجار گزیده از همان محل انتخاب میشوند

بعضی از دول محض صرفه و تقلیل خرج قونسولهای خود را از سکنه همان بلد یا بندر که لازم است قونسول نصب
نمایند منتخب مینمایند و در این صورت گاهی شخص مزبور از تبعه خود آن دولت هم هست تبعه خارجه ترجیح
میدهند ولی در صورت فقدان چنین کسی قونسول را از تبعه خارجه بلکه از تجار تبعه دولت محلیه منتخب میکنند

این قسم قونسولها معمولاً عبارت از قونسول جنرال یا قونسول و ویس قونسول میباشند و مواجب و مرسوم
معینی از دولت ندارند ولیکن حقوق معینه از رسال و مرسول اجازه و حق مهر و تصدیق نامه و غیره
بموجب تعرفه همان دولتی که آنها را نصب کرده دریافت میدارند

با همه این نیز بعضی قونسولهائی که از تجار و کسبه باشند نیز از دولت متبوعه خود مواجب و مقرری نیز
دریافت میدارند و از دولت عثمانی و انگلستان بیشتر معمول است که قونسولهای آنها معینه مثل قونسولهائی است
که از دولت مأمور باشند لیکن در صفات و اختیارات فرق کلی دارند و تفاوت معنی دارد و از دول
قدیم و قواعد دولتی و شهری نظر به اینکه این اشخاص در حمایت دولت آنها هستند مأمورند و در آن
محل کم و بیش در اختیار هستند که همه رعیت و تبعه آن دولت در حمایت و آثار ایشان هستند ولی
اختیارات آنها به درجه مأموریت قونسولهای دولتی که از تجار و کسبه نیستند نیست

قونسولهائی که از تجار یا اهل محل باشند و متولد تبعه دولت خارجه یا دولت محلیه نیز باشند خواه
تاجر باشند یا کاسب در موارد رجوع به صنعت و حرفه خود مطلقاً محکوم محاکم شرعیه و عرفیه محلیه
هستند در هر حال این وضع در بعضی موارد محل خطر که قونسولگری و امور دولت در آن محل است مختلف میشود
لیکن نکته این است چه این اشخاص همواره در تجارت و حرفه هستند و احتمال خطر در مکتوب و اوراق آنها میرود

میرود و در این صورت ممکن نیست با حالت قرض و ورشکستگی ... حفظ مرتب و احترام مقام مأموریت خود را
نماید از منصب معزول و محکوم میشوند و گاهی میتوانند از آنها حمایت کنند حتی گاهی اتفاق افتاده است که بعضی از آنها
تا یک درجه ترقی مقام قونسولگری نیز میشود علاوه بر آن عیب بزرگی در انتخاب این قسم قونسولها هست و بزرگتر
این است که بعد از انتخاب ... که گاهی بشرط الحقیقه خیلی مخالف است با تبعیت تبعه خود دولت است که تبعیت خارجی بر آن افزوده است و نیز چنانکه
سابقاً ذکر شد این قسم قونسولها در تحقیق حقوق و کارهای بعضی تبعه دولت خود و در بعضی وقتها خود نیز به تحقیق تبعیت
دولت متبوعه خود بازرسی و تحقیق نمایند مأموریتی در دولت دیگر و معلوم است که این قسم خطوط اسباب
زحمت شدید مأمور میشود زیرا که هر که تبعیت دولت دیگر را دارد قونسول آن دولت نمیتواند تجارتی که خود و کسبه از آنها است
قونسولگری تفکیک کند و بعضی هم در تحت حمایت رسمیه دولت ... میباشند و بعضی خواهان میگردید
چون تصدیق ... دولت دیگر را دارد و از تبعیت دولت محلیه خارج شده حقیقت تابع هیچ دولت نیست ... گردد
نمیتوان کم از چنین ... برود
لهذا بهتر است مذکوره محقق و مسلم باشد چون مایه مشکل است ... از آنها ... دائم ...

فصل دهم در باب ویس قونسولها و وکلای آنها

ویس قونسولها و وکلای آنها از جانب جنرال قونسول و قونسول مأمور بوده در درجه چهارم یا پنجم مأموریت و محکوم
و کارگذار آنها شمرده میشوند و بعضی از مشاغل و خدمات آنها مشخص و معین است لهذا مأمورین
دولت محسوب میشوند و مسئولیت آنها کمتر از آن است که مسئولیت آنها محکم و معین باشد در مقام جنرال قونسول و قونسول
هر چند در فصل پنجم در ترتیب طبقات قونسولها نیز شرح داده شده است که ملاحظه کنند که تا حدی از شرح
تکلیف و تعیین قسمت ... شده است این مراتب طبع خاص خواهد گردید و در این جا نیز شرح داده ام آن ...

بیان میکنیم

از آنها از طرف دولت متبوعه اجازه مخصوصی لازم ندارند و سفرا حکم در قونسولهای آنجا نیز در کار قرارت بکند

ویس قونسولها در کارها از جانب دولت متبوعه اجازه رسمی با نها داده میشود و گاهی نیز از آنها را به پایه تشخیص ترقی

خطاب ویس قونسول افتخاریه مینهند

[illegible]

ویس قونسولهای راهی و از آنها باید دفترخانه داشته باشند و هیچ حق ندارند نوشتجات و اسناد دیگر را

که در عهده قونسولها میگذارد و اعتبار است صادر نمایند چه صدور این قسم نوشتجات از وظایف خاصه

قونسولها است پس اگر با وجود این تصور در بعضی نوشتجات مشتمله باشند لابد آن نوشته باید به تصدیق

و امضای قونسول برسد فقط چیزی که مستثنی و خارج از این حکم است نوشتجات و اسنادی است که در ویس قونسولها

داده از آنها کشتی های تجارتی میدهند تصدیق قونسولی لازم ندارند

جنرال ویس قونسولهای حقوقی از کمیت مرتبت در تبعه عادی هستند در جمیع امتیازات و تشریفات

نیز بی بهره نباشند و نسبت برعایای دولت متبوعه خود در این باب همه تسلط و حق حکومت و مرافعه ندارند

و در امورات و اختلافات آنها همین قدر مداخلت کنند که بتعلق توسط و اصلاح دهند

حکومت محلیه هر نوع صدمتی که از آن برآید در باب تبعه باید مضایقه کنند

مورد در همه حقوق ملیه و در سلسله مراتب دولت خود تعلیم آن در بار و وزیر امور خارجه و وزیر تجارت

دولت متبوعه خود ندارند

میدانیم بر بور تسهیل امر مذکوره های تبعه دولت متبوعه خود و مذکره های تبعه خارجه در مملکت آنها عمر

دارند و امضا کنند ولی خود آنها شبهه نمیتوانند صادر شده باشند الخ

هر گاه متعلقی باشد در باب کشتیهای تجارتی خود باید حاضر شده نوشته جات و احکام متعلقه بتبعه خود را نیز

از آنها نمیتوانند ادب داشته باشند قونسول مستقیماً موقتاً در غیبت آنها را تعطیل کنند

ولی عزل و نصب آنها موقوف بجانب وزیر امور خارجه است ویس قونسولها غالباً مواجب و مرسوم معینی

دارند ولی از آنها بر قسمتی از عایدی دفترخانه قونسولگری موجب تقرر قانونی منتفع است

وضع دیگر ندارند

فصل یازدهم در باب شاگرد قونسولها

شاگرد قونسولها از اجزای جنرال قونسولگری شمرده میشوند و در تحت ریاست مستقیمه اداره قونسولها

واقع هستند و در غیاب رئیس خود میتوانند اداره امور قونسولگری را بخود تحویل نمود

هر کس داوطلب مقام شاگرد قونسولگری باشد و بخواهد حکم و تصدیقی در این باب تحصیل کند باید اولاً

ترتیبات مخصوصه امتحان بدهد

تحصیل این مقام مرتبت خاص لازم دارد بهمین سبب است که در اکثر ممالک ابتدا بواسطه تحصیل و ثانیاً بواسطه تجربه

و عملی سیاسی از قوانین تجارتیه و بحریه مملکت خود و ممالک خارجه آشنا میشود و از علم اداره قسم و خرج دولت

و اداره امور دو اعداد و ترتیبات عمومیه و علم احوال مملکت و تاریخ سیاسی اطلاعات کامله

داشته باشد و نیز باید از وضع و اهمیت کشتیهای تجارتی و حکم و احوال خارجه و دور خانه و کارخانه

و کارخانجات و قاعده طبیعی صنایعی و زراعتی و امثال مملکت خارجه جمیعاً بنحو کافی بهره داشته باشد و تحصیل

این اطلاعات آن میشود بواسطه صحبتها و مذاکرات و مراجعات و طرف اوکرده میشود

فصل دوازدهم در باب دفترخانه قونسولگری و ترتیب آن

دفتردار رئیس دفاتر قونسولگری است و اوراقی که از جانب قونسول صادر میشود و در این صورت [illegible]

و یا از جانب جنرال قونسول و یا وزیر امور خارجه بتصدیق گذشته است مدیریت او از جانب قونسول جنرال

منتخب و محل اعتبار نیست هرگاه در دائره قونسولگری از شاغلین دفترداری باشد در صورتیکه قونسول

داشته باشد حاضر نباشد دفتردار بالاستیفا از جانب او در ادارات محلیه و کمپانی‌ها قائم مقام باشد

و در صورتیکه دفتردار نباشد بر عهده خود قونسول است که جمیع مدارات را اداره کند

مدیریت دفتردار در قونسولگری شغل (دفتر) محرر کتبه است لهذا هر یک از [illegible] متوجه

که اصلی مواد نوشته جات متعلقه بقونسولگری را نگاه بدارد باید از جانب قونسول

و هر وقت هم تقاضا کنند سواد متعلقه بنوشته جات کشتی اقدام نماید [illegible] تصدیق و ضبط اسناد

از هر قبیل [illegible] قبض کنند و صورت مجالس و نوشته جات راجع بمعاملات [illegible]

و فهرست و غیره که ثابت حقیقت عارض نکنند [illegible] و احوال در دفتر مخصوصه ثبت نموده

ثبت و صورت آنها را بر دارد

در هر حال نوشته جاتیکه دفتردار [illegible] ضبط میکند باید بعد از ملاحظه و تصدیق قونسول برسد و در صورتیکه

دفتردار نباشد تکالیف او تماما بعهده خود قونسول است که بحضور شهود [illegible] بموجب احکام

و قوانین مقرره نوشته جات و احکام را [illegible] اجرا نماید دفتردار در حقیقت حافظ

دفاتر است باید ثبت‌ها را بطوری واضح و آشکار بنویسد که تاریخ صحیح نوشته شده و مقصود

نه تنها ثبت نوشته جاتی است که [illegible] یا بحضور قونسول صادر میکنند

بلکه جمیع تحریرات [illegible] و تصدیق نامه و تصحیح نامه و غیره را از تکالیف خاصه

خاصه قونسول است دفتردار باید با ساعت و دقیقه ثبت و سواد نماید

در مواقع که قونسول حق برخی از مواقع داد رسی از قبیل [illegible] و غیره دفتردار بمنزله [illegible] دیوانخانه

و قونسول برخی از آن را نیز دارد [illegible] چنانکه در فصل ۳ [illegible]

نمره [illegible] جمیع نوشته جات که در قونسولگری صادر میشود [illegible]

دولت مخصوص گرفته است بر اوراق دفترخانه میچسبانند

رسومی که بموجب تعرفه مذکوره عاید میشود مخصوص بمصارف دفترخانه است [illegible] اگر

چیزی اضافه باید بنسبت معینی میان قونسول و دفتردار تقسیم میشود

بعضی جاها اداره دفترخانه قونسولگری بعهده [illegible] قونسول [illegible] شمرده میشود

و اگر دفتردار [illegible] در اینصورت تمام [illegible] عاید قونسول میشود

در ممالک اسلام دفترخانه قونسولگری [illegible] مترجمان است چنانکه در فصل ۱۴ بیان شده است و در [illegible]

ممالک [illegible] دفتردارها [illegible] از شغل قونسولگری [illegible]

در هر دفترخانه دفتر مخصوص ترتیب میدهند برای [illegible] قونسول [illegible]

[illegible] از جهت قونسول [illegible] حقوق مقرره [illegible]

در آن دفتر [illegible]

فصل ۱۳ در باب قونسولهائی که در ممالک اسلام مأمور میشوند

در ممالک [illegible] تخفیف و تعدیل [illegible] قونسولگریها [illegible]

و حقوق [illegible] و بهمین جهت [illegible] احکام [illegible]

اجرا داریست   چنانکه هیچ یک از دول علیه مذکوره راضی نمی‌شوند در صورت بروز تقصیر چنانچه کسی مقصر
بغیر از احکام محکمه رایج شود مرتکب هر کس و از هر ملتی بوده باشد و لیکن چون بواسطهٔ غایت مدنیت و تهذیب
تربیت دول علیه و نظمی که در قوانین فرق کلی مابین آنها است مادامی که آمده در حکومتی و جمهوری است
قونسولگری آنها نیز تفاوت با دول علیه در امور تجارت و فواید علمیه اشتیاق و مسافرت بممالک
اسلام بجهت حرمت تبعیه‌شان نیز تفویض می‌کنند که آنها حکومت عثمانیه در حقیقت بمنزله [illegible] نیز که از ارکان
دول و جان آنها را وقف حرص و طمع پادشاه کرده باشند

فقط بقدرت عهدنامجات و دیپلوماتیکه بوده دولتها توانسته‌اند جلوگیری از این [illegible] و ممانعت [illegible] کرده
دول علیه در باب دولت عثمانیه و سلاطین و امرای بومی افریقیه بموجب عهدنامجات که درجه
در حق بومیان خود در ممالک اسلام تخصیص [illegible] و اختیار از حقوق [illegible] تبعه نیز می‌توانند
مال و جان تبعه خود را حفظ کنند و بموجب همین عهدنامجات [illegible] در بعضی [illegible] و تعطیلی
پلیس [illegible] حکومتی و سرپرستی جمیع تبعه [illegible] خارجه [illegible] قونسولی [illegible]
و از این حالت [illegible] تبعه [illegible] و [illegible] قونسول [illegible]
از حمایت و سرپرستی خود داشته باشند

شروط و عهود که در باب حقوق و امتیازات قونسولها بین دول اروپا با سلاطین اسلام بسته شده است
تقریباً یک نوع و یک طرز هستند و در بنادر و درباهای شرقیه مثل ازمیر و غیره و در مصر و ایران
و بیروت و [illegible] قونسولها خود حاکم و قاضی جمیع طبقات دولت تبعه خود در [illegible]
[illegible] و [illegible] کشتی باشند طبقات و دیگر در این صورت [illegible]

که بین تبعه برخیزد رسیدگی و حکم آن با قونسول است
در صورتیکه مرافعه دعوا بین تبعه دولت متبوعه قونسول با اتباع سایر دول مسلم و غیر مسلم در دولت محکمه [illegible] مختلف
بنماید [illegible] حکومت مشخصه بدون شرکت قونسول و اتفاق ترجمان او در حفظ
حقوق و منافع تبعه حضور او شرط است [illegible] در باب او حکمی صادر [illegible]
هرگاه در ممالک اسلام بین قونسولهای خارجه با تبعه خود یا تبعه دولت علیه دیگر مخاصمه و گفتگو پیدا شود
علیحده هر چه [illegible] دولت متبوعه خود یا [illegible] اسلامی [illegible] ببرند
هرگاه در ممالک اسلام [illegible] تبعه دولت متبوعه قونسول از [illegible] رعیت خارجه [illegible]
یا ضربت [illegible] تحقیق این فقره حق قونسول است بدون آنکه حکومت محلیه [illegible]
مراجعه نماید و در این صورت قونسول [illegible] دولت متبوعه خود
دارد در [illegible] خواهد کرد

هرگاه در ممالک اسلام یک یا چند نفر تبعه دولت متبوعه قونسول با تبعه دولت دیگر [illegible]
پناه ببرند قونسول آنها [illegible] پناه [illegible] هرچه عثمانیها خود [illegible] قونسولگریهای خارجه [illegible]
در [illegible] بازار [illegible] شرقیه قونسولهای خارجه [illegible] دولت خود [illegible]
قونسولخانه برپا کنند و در بعضی [illegible] و [illegible] دیگر [illegible] در حق آنها [illegible]
داشته‌اند

قونسولهای خارجه در ممالک اسلام و در دفتر قونسولگری [illegible] نیز [illegible] دولت و [illegible]
نیز [illegible] خود باشند

هرگاه یکی از تبعهٔ دولت متبوعهٔ قونسول در ولایت اسلام فوت کند قونسول بدون دخالت
حکومت محلیه مخلفهٔ او اموال او را در تصرف وارث یا هر کس که وصیت شده باشد میدهد
و هرگاه وارث و وصی در آن محل نباشد اموال او را خود قونسول ضبط و حفظ میکند و توسط وزارت
خارجه اعلان میکند و هر که وارث معلوم شد تصرف او میدهد

قونسولهای مأمور بلاد مسیحی حق کارهای شرعیه متعلقه بمحکوم بعضی کسها و وزیر مختار دولت متبوعهٔ خود تسلیم ... باشند و
او را از جمیع وقایع و اتفاقات پلتیکیه و تجارتیه در اداره قونسولگری خود مستحضر سازد و همچنین در مقام
ضرورت از او تقویت و حمایت بخواهد

در اغلب عهدنامه‌ها بین قونسولها و دول عیسویه با امپراطوریهای روس و فرانسه و سلطنت انگلستان در باب
قونسولها مقررات دقیق تعیین کرده‌اند

ذکر قونسولها در حمایت و امتیازات حقوق اهالی رعیت خود باشند و حکومت محلی رعایای دولت
متبوعهٔ قونسول را خواه آنها باشند و در جمیع محاکمات بین تبعه خود و تبعه دولت محلیه حق حضور داشته
باشند و در صورت بروز برودت و مشارکه بین دولتین قونسول بطور تعطیل از آن محکمه
خارج شوند) و در عهدنامجات جدیده که با دول مزبوره بسته شده است فصلی متعلقه بقونسولها
بسیار شبیه است بعهدها که با دولت عثمانی بسته‌اند

در تمامی مشرق زمین مسیحیین مصر و ایران منازل قونسولها محترم هستند و نظر باینکه
خود را در حکم (اکس ترتریتوریالیته) یعنی خارج از قلمرو و تصرف حکومت محلیه محسوب میدارند
کنند باینکه بکشند ولی هرگاه برخلاف مقتضای منصب و مقام خود حرکت بنماید علاوه از آنها

از آنها مانع شود دولت محلیه حضار آنها را از دولت متبوعه میخواهد و هیچوقت مجبور نشده که شخصا در محضر
محکمه حاضر شوند بلکه فقط نوشته در ترجمه قناعت میکنند که دسته قولهای تاجرهای ... آنها را تسلیم
و از جمیع رکات محلیه خود و بستگان و نوکرهای آنها معاف هستند و همچنین برای خودشان
شخص خودشان و کارکنان ... مال آنها را هیچ جهتی عنوان ضبط کرد بمجرد ورود جمیع اموال
متعلق بدولت کشتی یا تبعه خود باید حاضر شده و اموال ثابت دولتشه را جمع آوری نماید
و هر کشتی یا هر کس از آنها حمایت بخواهد ... تقاضا میکنند هرگاه شخصی جزء
رعیت دولت دیگری را در حکومت محلیه توقیف کرده باشند در صورتیکه آن شخص تعرض شده به
قونسول میتواند رهائی او را بخواهد

حقوق و امتیازات قونسولها در ممالک اسلام تعمیمات کرد ذکر شد و چون بر نسبت حالت امتیازات
و صفات پلتیکیه و اداره آنها عنوان کردیم لازم است شرح خدمات قونسولها را بیان کنیم
هر چند آنچه را ذکر کنیم بیشتر راجع بقونسولهای فرانسه است ولی ترتیبات و قواعد دول
نیز به ترتیبات و قواعد و دستور العمل فرانسه شبیه است

قونسول میتواند باقتضای ترویج کار هر دفتردار یا وزیر تجارت و امورات راجع بقبض و حقانیت دعاوی
به هر کسی که ... اقدام نماید بر طرف کردن دعاوی و معاملات و امور تجارتی
و تقصیرات از قونسولها برقرار کنند

در مملکت فرانسه تکلیف قونسول دو دفتردار بموجب قوانین و احکام صریح شخصی و اخبارات مشهور
تا ... و تکالیف مخصوص بعهده قونسول است و جمیع تکالیف تحریر محکمه را بدفتر دار

هنوز در مملکت فرانسه احکام و فرامین سنه ۱۷۷۸ و ۱۷۸۱ اساس شرع صحیح قونسولهای شرق
زمین و بر دستورالعمل شمرده میشوند و بموجب تقررات احکام مزبوره هر دعوائی که در محکمه عدالت و امور
تجارتیه مابین رعایای فرانسه اتفاق بیفتد خواه از سلک تجار باشند یا کشتیبان و غیره حکومتش آن
با قونسولگری است

در محکمه دعاوی و محکمه عدالت قونسول دو نفر معتبرترین تجار فرانسه ساکنین آن محل را حاضر کرده
و بموجب تقررات احکام مزبوره با آنها مشورت و رأی میخواهد و آنها نیز در حضور قونسول قسم ادا میکنند
که خیانت ننمایند و ذکر قرار شده که همیشه دو شخص معین در محاکمات حاضر شده با قونسول
همکاری نمایند و در هر مرتبه تکرار قسم لازم نیست هر گاه در بنادر و جاهای شرقیه حضور دو نفر
تاجر معتبر فرانسه ممکن نباشد قونسول اتفاق صاحب منصب نایب و قائم مقام او است رسیدگی
و حکم میکنند خود قونسول حکم به عدم امکان حضور تجار نیز نوشته نیز و قونسول در دفتر ... مسامحات
قسم ملازم خود است شاغل دیگرش یعنی محرر محکمه با کفالت میکنند اعم از اینکه در تشکیل
محکمه عدالت باشد یا جنایت و عدد حاکم احضار و تکالیف و دیدنیهای منصبی که در علیه الشهاده
نیز بعهده او است

هر وقت بنا شد که شخص از قونسول تماشا یا شکایتی نزد او برد خود یا وکیل مرافعه خود
برده یا دفترخانه حاضر شده و عرض کند پس از روز و ساعت که قونسول معین نماید مدعی
و مدعی علیه باید حاضر شوند و اسناد دیگر که بر طبق مدعا در دست دارند است توسط اطلاع و قرار
باید تحقیق شده و بعرض قونسول برسد در صورتیکه

در صورتیکه مدعی و مدعی علیه عذر موجهی نداشته باشند در همان روز و ساعت که قونسول معین کرده است
باید حاضر شوند و در صورت عذر موجه طرفین میتوانند دعاوی خود را بطور یادداشت نوشته
و امضا کرده با تمام اسناد متعلق بآن دعوا به قونسول تقدیم کنند

و همینکه طرفین شخصاً حاضر شدند باید یادداشت و اسناد خود را قونسول تسلیم نمایند و قونسول اتفاق دو نفر تاجر معتبر در
صورتیکه مطلب درست معلوم شده باشد حکم صریح قطعی میفرماید و در امور یکه شهود احضار شوند و تقویم جنس
و مال لازم باشد و یا تشخیص ضایع شدن لازم باشد قونسول دو نفر ممیز و مقوم طلبیده در حضور اصحاب
مدعی و مدعی علیه مشغول میشوند هر گاه حکم قطعی صادر شده باشد مدعی علیهم حق دارند در نهایت
به فاصله سه روز از انقضای حکم عریضه داده استیناف بخواهند

هر گاه قونسول با حضور دو نفر از معتبرین موجب کلا یا قسمی حیات شدند و حکم قطعی بر ضرر و تقصیر
شخص صادر نماید آن حکم لازم الاجرا است اگرچه مدعی در مقابل حرف داشته باشد یا جانبه
در قونسولخانه رسم است بخلاف محکمه بالاتر رجوع کنند

و نیز اگر از قرار داد و ثبت جزا از روی تحقیق جانب حکمی که صادر شود لازم الاجرا است اگرچه مدعی عدم
در مقابل حرف داشته باشد یا بخواهد به محکمه دیگر رجوع نماید و در این صورت مدعی ضامن باید بدهد و آن
ضامن در حضور قونسول بر قبول شود

احکامی که بموجب قانون ۲۸ مه سنه ۱۸۳۶ اختیارات قونسولها در مواد قصاص و جزا باید
حکومت عدلیه قرار داده اند و اختیارات مزبوره از نظر اختلاف شخص و تقصیر و ثلاث
احکام پولیسیه مختلف هستند

[illegible]

در موارد تخلف احکام پلیسیه قونسولها بمنزلهٔ حاکم صلح و مفتش هستند و در موارد کبیره بمنزلهٔ قاضی

و خلاصه تحقیق آنها در هر یک از حالات ثلثه تعداد میشود

اولا در موارد تقصیر پلیسیه قونسولها محاکمه میکنند و دفتردار نمرهٔ محکمه در لیست و مجلس [illegible]

قرار میدهد [illegible] در هر یک از اهالی مملکت [illegible] ثبت دفتر قونسولگری شده باشد [illegible]

مجلس شود که در صورتیکه حقوق دیگری مقتضی باشد

در این قسمت یعنی مواردیکه تقصیر پلیسیه باشد قونسول حکم بیتأمل نماید بدون اینکه حق استیناف داشته

باشند و اگر عدد قابل شکل پلیسیه در رسیدگی و شبه آن تخفیف [illegible] و بر عهده قونسول است

از مدعی علیه ادعای خسارتی شود و آن خسارت متجاوز از [illegible] باشد قونسول بدو حکم

شعبه پلیسیه [illegible] در همان مجلس [illegible] ادعای خسارت [illegible] محاکمات [illegible]

بگذارد و روز و ساعت آن مجلس را معین نماید

در موارد تقصیر پلیسیه قونسول تحقیقات لازمه بعمل میآورد و در صورت شخص متهم میتواند

شخصاً حاضر شود و یا وکیل صحیح الوکاله بفرستد و در آن مجلس حسب شرایط محاکمه [illegible]

و در صورتیکه شخص متهم [illegible] جمیع احکام قانونی [illegible] و هرگاه [illegible]

و اگر حکم تنبیه در غیاب مدعی علیه صادر شود [illegible] در حضور وکیل [illegible] حق استیناف خواهد داشت

ثانیا در محاکمه تقصیرات [illegible] تنبیه [illegible] قونسول [illegible] دو نفر

از معارف و معتبرین در محاکمه قونسولگری حاضر [illegible] و حکم [illegible] و اگر حضور دو نفر

معارف ممکن نباشد خود قونسول شهادت حکم کند و وجه عدم حضور معارف را در حکم [illegible]

هرگاه تقصیر مستلزم حبس باشد باید خود مقصر شخصاً در مجلس تحقیق حاضر شود خصوص وکیل کفایت

نمیکند و همچنین در هر موقعی مجلس حضور مدعی علیه را لازم شمارد باید شخصاً حاضر شود

و در این قسمت محاکمات نیز همان شرایط و هرگاه اعتراض در موارد پلیسیه لازم آید باید بجا آورد

و نیز هر حکمی در غیاب مدعی علیه صادر شود حق تجدید محاکمه و استیناف دارد

حکم تنبیه اعم از اینکه راجع بمواد پلیسیه باشد یا دعاوی [illegible] تا مدت ده روز حق

دارد و مهلت [illegible] قونسول [illegible] هرچند بعد از صدور حکم استیناف باشد

ثالثا در موارد جنحه که قونسولها تحقیقات کرده در محکمه قونسولگری حکم تنبیه را بعمل آورند

قونسولها [illegible] تقصیر [illegible] نظم [illegible] که [illegible] قونسولگری کرده

باشند و یا [illegible] از خارج شنیده باشد تحقیق [illegible] کرده هرگاه توقیف مقصر

لازم باشد حکم [illegible] خانه [illegible] در موارد جنحه توقیف را لازم شمرده اند

[illegible] ترتیبات مذکوره بعمل آید و محکمه قونسولگری تشکیل شود [illegible] تحقیقات لازمه

[illegible] و هرگاه [illegible] تحقیق شود حکم [illegible] حبس [illegible] مقصر اطلاع

[illegible] نوشته [illegible] باشد [illegible]

[illegible]

بیان این مطلب نیز خالی از ضرورت نیست که در [illegible] دعاوی در موارد پلیسیه قونسولها

و مدعی علیه را حاضر نموده [illegible] و در صورت حاجت ترجمت نوشتن

و ترتیب [illegible] و همچنین در موارد پلیسیه مستلزم تنبیه باشد

بواسطه قرارات مستقیمه قونسلی و دفتردار مکلف است تحریرات و نوشته جات را محصوره برای
نوعی تسهیل نموده که بشیوه زود تحصیل شود
مفهوم و معنی قانون تنبیهات و قانون خاصه تحقیقات جناییه و قانون ۱۸۳۶ التألیف
قونسلهای فرانسه را در باب اقدام تحقیق مخصوص بسیار سخت و مشکل کرده است

فصل ۱۴ در باب ترجمان

در مشرق زمین ترجمان سفرای کبار و قونسولگریها در عداد اهالی دیوان و علماء شمرده میشوند و بنا
بر معرفی و تصویب وزیر امور خارجه از طرف سلطان مأموریت خاص میگیرند و ممکن است
در هر سفارت کبری یا قونسولگریها چندین ترجمان باشد که از آنها یک نفر ترجمان اول —
دفتردار است و در قونسولگریها ترجمانهای اهمیت تام کلیه تصدی شغل دفترداری هستند
— ترجمانها مستمراً بدون اذن و اجازه سفیر کبیر یا قونسل نزد حکام و مباشرین محلیه بروند و
همچنین بدون حکم و استیذان نمیتوانند در امور مخصوصه مداخله کنند و با ترجمه حکم تمیز داده از سفیر
یا قونسل آنها هر سند را در کمال دقت و درستی تحریر دارند و اللازم میشوند و همچنین تفصیل
مذاکرات خود را بدون تحریف آنها گویند و بعضی نوشته جات را که حجه بهر شکل باشد باید ترجمه
در ساعت و دقیقه در دفتر ثبت و ضبط نمایند

فصل پانزدهم در باب احترامات قونسلی که مورد رسم تشریفات و تقدیم داخل آنها

غالب حال در صحو و رتبه قونسلها خود را مثل درجات صاحب‌منصبان بحری قرار
داده‌اند و در ملاقات رسمیه خود با حکام مملکت خارجه و مواقع تشریفات و هر موقع که
مقتضی

مقتضی رسمیت باشد لباس رسمی خود را باید بپوشند و به مواقع عادت رسمی مملکت محلیه و آئین
آداب رفتار نمایند
چون قونسل وارد محل مأموریت خود گردید مطابق رسم تشریفات اجرا داده به اذن حاکم یا شخص
اجرای آن را خبر داده بگفته و نیز پس از ورود در بنادر قونسولهای خارجه در باب آداب
و رسوم ورود و خروج مجلس عالیه تحقیقات کرده و دستور العمل بگیرد و از رسوم رسمی آن مملکت
خارج نشود
ملاقات رسمیه قونسلها با صاحب‌منصبان کشتیهای نظامی غالباً بموجب احکام و قوانین مخصوصه
مرتب و مشخص است و همچنین در باب احتراماتی که در ملاقات اهل کشتیها با اهالی کشتیهای
جنگ سلطنت متبوعه قونسلی بعمل می‌آید بموجب قوانین مقرره جنگ کشتی دولت وارد در بندر قونسلی
نشین شد در صورتیکه کپیتان والی آن کشتی امیرال یا رئیس کشتیهای جنگی باشد قونسل مزبور فوراً
خود را نزد او فرستاده تهنیت ورود خوش آمد گوید و بعد منتظر باشد که او به تعقیب در ملاقات
کند و هرگاه کپیتان والی امیرال یا رئیس کشتیهای جنگی باشد قونسل بعکس آن رفتار خواهد کرد
و اگر کپیتان کشتی کاپیتن باشد صاحب‌منصب قونسلگری که هنگام ملاقات باید ادنی از کشتی در محل ورود
او را استقبال نماید
هنگامیکه قونسلها خود در کشتیها بدیدن میروند مخصوص احترام آنها به نسبت درجات شان
در جنرال قونسلی قونسلی و ویس قونسلی باشند یکصد تیر توپ شلیک میکنند و با اقتدار
منصب آنها خود و دل نظامی میسیه‌نه و در هنگام توقف کشتیها بیرق خود را باید بکشند



در خصوص تقدیم دادن و تشریفات و رسوم در مجالس رسمی هرگاه در عهدنامجات چیزی قید
نموده نشده و قراری در این مورد نداشته باشند قونسولها به موجب عادت و رسم مملکت رفتار نموده
و هیچ وقت از رسوم ادب و انسانیت خارج نشوند و هیچ وقت نباید توقع شأنی نمایند که خلاف
رضای طرف مقابل و منافی شأن و مقام او باشد

در اغلب عهود بین دول تجربه و قونسولها تشریفاتی قرار نداده‌اند و هرگز رسم نیست که قونسولها در حضور
سلطان معرفی و تشرفیاب شوند و یا [illegible] در دربار برسند

فصل شانزدهم در باب تعطیل و ختم مأموریت قونسولگری

در صورتیکه قونسول مرخص شده باشد چون منصب خود را به دیگری واگذار نماید باید به رؤسا و مأمورین محلی نوشته
و شخص حکومت محلیه معرفی کند و همچنین به سایر مأمورین خارجه قونسولگری اطلاع بدهد
قونسول به هیچ عذر و بهانه اختیار خود را به دیگری مأموریت ندهد حتی در صورتیکه تعلق خاص کنند
که بین دولتین علامه جنگ و یا رد و تعطیل ظاهر شده است بلکه مجبور و محکوم است تا وصول حکم
احضار از دولت متبوعه تأمل کند یا اینکه دولت محلیه جوازنامه [illegible] او را
پس بخواهد

در صورتیکه محققاً قونسول رفتنی باشد چون نزد سلطان آن مملکت اعتبار نیافته است احضاریه
هم نخواهد داشت که به آن سلطان تسلیم کند فقط سفارت آن دولت مقیم آستانه علیه
با نتیجه قونسول جدید و منافع قونسول سابق را نیز اظهار کنند
قونسول قبل از حرکت خود صورتی از وضع حالیه دفاتر و کتابخانه و مهر قونسولگری مرتب نموده

برسپارد خواه با اتفاق قونسول جدید باشد در صورتیکه بدون انتظار ورود او باشد خواه
با اتفاق صاحب منصب که با او در قونسولگری جدید یا موقتاً مشغول امور قونسولگری خواهد بود یک نسخه
از همان صورت در دست قونسول سابق میماند و در وقت حاجت حجت باشد
همینکه تغییرات مزبوره به عمل آمد قونسول عزیمت خود را به شخص حکومت محلیه و اجزاء مأمورین دول
قونسولگری اطلاع بدهد

قونسول در وقت عزیمت ممنوع است از اینکه هیچ نوشته‌ای از خود که حاصل باشد با خود از [illegible]
قونسولگری ببرد و نیز ممنوع است که اخبار و اطلاعات سیاسیه در مدت مأموریت و غیره
تحصیل کرده است فاش و انتشار نماید

هرگاه قونسول وفات کند اجزای قونسولگری صورت ترکه او را برداشته و مهر نمایند و پس از آن
شاگرد قونسول یا صاحب منصب دیگر به سمت نیابت قونسولگری شمرده شود و مراتب را به اطلاع حکومت محلیه
و سفارت دولت متبوعه خود مقیم دربار آن مملکت و وزارت خارجه دولت خود اطلاع
بدهد

تمت بالخیر والسلام فی چهارم شهر ربیع الثانی
یکهزار و سیصد و چهارده هجری
نبوی

